

تقابل حق و باطل در مقیاس تمدنی



فرا رسیدن اربعین حسینی را تسلیت می‌گوییم

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۱۹۹ | دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۴ | ۱۰ صفر ۱۴۴۷ | ۴ آگوست ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

نگاهی به شبکه نمایش خانگی
سکوی نمایش

۸
پرونده

محمدرضا ملایی

تکمیل نکردن پازل دشمن



۱۱
خرد

نوید کمالی

ساعت شنی بحران



۴
راهبرد

۲
نگاه

صبح صادق شکست ترامپ در سه پرونده ایران، روسیه و غزه را بررسی می‌کند

سرگردانی سه ضلعی!

۲
سرمقاله

چرامی خواهند
ایران را ویران کنند؟



۳
دیدگاه

علی ودایع، تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفت و گو با صبح صادق

ترامپ می‌خواهد با دشمنان آمریکا
عکس یادگاری بگیرد!

نیم نگاه

کدام
انسجام ملی؟

سید مهدی ناظمی

پژوهشگر حوزه اندیشه

موضوع حفظ انسجام و وحدت بارها از زبان سران سیاسی جمهوری اسلامی ایران و رهبران آن چه در موقعیت جنگی و چه در موقعیت غیر جنگی بیان شده است. در سال‌های بعد از انقلاب در قبال مسئله ثبات و اختلاف نظر، تجربه‌هایی برای دوران حاکمیتی جمهوری اسلامی وجود دارد. به تعبیر بهتر نواقصی در باب مسئله انسجام ملی هست که در راستای منافع مختلف از جمله منافع ملی باید برطرف شوند. در ابتدا وقتی سخن از وحدت و انسجام به میان می‌آید؛ عده‌ای گمان می‌برند که منظور آن است که باید گروه‌ها و جریانات مختلف سیاسی لزوماً در همه موارد همسو و هم‌نظر باشند. اما مقصود از انسجام به هیچ وجه چنین چیزی نیست. مقصود و هدف اصلی از مسئله انسجام آن است که در قبال مسائل اساسی کشور که حیات و منافع همگی به آنها گره خورده است دارای وحدت نظر و رویکرد باشیم و در چاله گست و تفرقه پیرامون آنها نیفتیم. به طور مثال موضوع امنیت ملی یکی از آن منافع است.

همگی نینک می‌دانند که موضوع امنیت اگر به چالش بخورد و نتوان در برابر بی‌امنی‌ها ایستادگی کرد، هیچ کشور و سرزمینی باقی نخواهد ماند که بخواهیم درباره آن به اختلاف بنشینیم. پس فهم اولویت‌ها در این مقام از حساسیت قابل توجهی برخوردار است. وقتی از وحدت و انسجام مردم در مورد ایستادگی درمقابل دشمن سخن می‌گوییم و مردم را منسجم و متحد می‌دانیم، منظور این نیست که یکایک مردم ایران در این امر شریک هستند، بلکه ما از یک رویکرد سخن می‌گوییم که مردم ایران اکثرا به آن تعلق دارند. بی‌شک در ایران افرادی حاضرند که به دلیل ضعف شخصیتی یا استضعاف فکری و عقلی خواسته یا ناخواسته در مسیر مقابل قرار دارند و دست به خیانت می‌زنند. این افراد را باید صرفاً حاضر در ایران دانست نه ایرانی، چرا که این افراد به شکل عملی در حال ضرر به زدن به منافی هستند که ایران و متعلقات آن را حفظ نموده است. پس موضوع انسجام موضوع کمی نبوده و بیشتر مسأله‌ای کیفی است، گرچه اکثریت مردم ایران هم به همین رویکرد انسجام و اتحاد تعلق دارند. صرف وجود اختلاف نظر در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... را نباید به عنوان برهم زنده انسجام و وحدت شناسایی کرد. باید در نظر داشت که این قبیل موضوعات مسائلی هستند که به شکل معمول در جوامع وجود دارند و تهدیدی برای انسجام اجتماعی محسوب نمی‌شوند. آنچه‌یزی که انسجام را تهدید میکند همان چیزی است که ملت ما را تهدید مینماید، مسأله اختلاف مذهبی، قومی، زبانی و... نه تنها ما را ضعیف نکرده که گاهی می‌تواند موجب قدرت ما باشد، اما برخی اختلافات این چنین نیستند. روش فهم این قبیل اختلافات این است که ببینیم آیا از این تفاوت و اختلاف بیگانه استفاده می‌نماید یا خیر، اختلافاتی زیادی در کشور است که نه ضرری برای ایران دارد نه نفعی برای بیگانه، اما گاهی دشمن از یکسری اختلافات ما بهره می‌برد و بر روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند.



دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول

بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد، برخی از کشور‌های غربی به همراه رژیم صهیونیستی، خواهان نابودی کشور عزیزمان هستند. البته این خواسته جدید نیست و طی ۴۶ سال گذشته، سیاست آمریکایی‌ها، برخی از دولت‌های اروپایی و رژیم اشغالگر قدس شریف، انجام مجموعه‌ای از اقدامات برای ویران کردن کشور عزیزمان ایران بوده است. با مروری بر توطئه‌های غرب طی ۴۶ سال گذشته علیه ملت ایران، به ویژه با تحلیل و واکاوی اهداف راهبردی متجاوزان به ایران در دو جنگ تحمیلی هشت ساله و دوازده روزه، به خوبی می‌توان دریافت که، هدف راهبردی متجاوزان در این دو جنگ، ویران کردن ایران از طریق تجزیه کشورمان بوده است.

البته این دشمنی با ایران، سابقه‌ای بیش از ۴۶ سال دارد. پیش از انقلاب اسلامی هم، سیاست غرب در قبال ایران، سیاست کوچک‌سازی ارضی و نابودی هویتی ایرانیان بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، از آنجا که این انقلاب به دوران انحطاط ایران پایان داد؛ دشمنی‌ها با ایران و ایرانیان چند برابر شد. دشمنی‌ها هم با جمهوری اسلامی، به خاطر یک نظام سیاسی کارمد برای حفظ ایران، در طول عمر این نظام به صورت جدی و مستمر تحت عنوان «براندازی جمهوری اسلامی»، دنبال شده است.

با توجه به نکات پیش گفته، پرسش اصلی

آن است که، راز این دشمنی‌ها در چیست؟ کوتاه سخن اینکه، غرب برای حفظ برتری تمدنی‌اش، رقیب‌کشی می‌کند. منطق غرب در ایسن خصوص، این جمله ترامپ است که با صراحت گفت: «اگر آمریکا بخواهد همچنان قدرت اول باشد، باید دیگران را ضعیف نگه دارد»

ایران پیش از انقلاب اسلامی، به لحاظ تاریخی، فرهنگی و تمدنی، کشور دارای استعداد و قابلیت‌های فراوان برای ساخت تمدنی فراتر از تمدن غرب بود. بر همین اساس سیاست غرب در قبال ایران از دوره قاجار تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست کوچک‌سازی، تضعیف و تحقیر ایران و ایرانیان است. کوچک‌سازی ایران در دوره قاجار با جنگ، و در دوره پهلوی اول و دوم، به دلیل ماهیت دست‌نشانده‌گی این رژیم، بدون جنگ دنبال شد و ایران روز به روز کوچک و کوچک‌تر گردید. دوره پهلوی دوم، تحمیل کاپیتولاسیون از یک‌سو و جداسازی بحرین از دیگر سوی، اوج تحقیر و تضعیف ایران و ایرانی است. انقلاب اسلامی به چنین دورانی که دوران عقب‌مانده‌گی، وابستگی، تحقیر و سرخوردگی می‌باشد، پایان داد. انقلاب اسلامی برای کشور ایران، یک نظام سیاسی محافظ‌پدید آورد. با انقلاب اسلامی، ایران سلامی شکل گرفت. هویت ایرانی‌بازیبی شد. اعتماد به نفس و خودباوری با شعار، «ما می‌توانیم»، جایگزین سرخوردگی و تحقیر شد. ایران و ایرانی در مسیر پیشرفت‌های همه‌جانبه و قطع وابستگی‌های تحقیرآمیز، به حرکت درآمد. ایران جدید، شکلی متفاوت‌تر از قبل

چرا می‌خواهند
ایران را ویران کنند؟

پیدا کرد. اگر تا قبل از انقلاب اسلامی، ایران مستعد برای تمدن‌سازی بود و به همین دلیل، غرب با سیاست‌های خود در قبال ایران، دنبال از بین بردن این استعداد و قابلیت‌های تمدن‌ساز بود؛ حالا با انقلاب اسلامی، ایران با نظام سیاسی ولایت فقیه محور، عملاً در مسیر تمدن‌سازی به حرکت درآمده است.

در ایران جدید با عنوان ایران اسلامی، هویت واقعی ایرانیان، مشتمل بر هویت دینی و ملی درهم تنیده و یکی شده، یک هویت تمدن‌ساز گردید. از این روی، پیشرفت، ساخت تمدن نوین اسلامی، رسیدن به حیات طیبه و زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان روحی فدا، به عنوان اصلی‌ترین آرمان انقلاب اسلامی، مورد اتفاق اکثریت قاطع ایرانیان قرار گرفت.

بسیار روشن است که دشمنی‌های غرب با ایران جدید، که همانا ایران اسلامی شکل گرفته بر پایه‌های دین و دانش می‌باشد؛ به دلیل خصوصیت تمدن‌سازی‌اش، روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود. هدف این دشمنان هم، چیزی جز ویران کردن ایران و این هویت تمدن‌ساز ایرانیان نیست.

بنابراین، غرب با محوریت آمریکا، با نابود کردن و ویران کردن ایران، می‌خواهد سلطه، برتری و تمدن مادی‌گرایانه خودش را، با جلوگیری از ساخت تمدن اسلامی به دست ایرانیان حفظ نماید. بر این اساس، نباید کسانی تصور کنند که آمریکا و چند کشور اروپایی، صرفاً با صنعت هسته‌ای و یا برنامه موشکی ایران مشکل دارند و اگر جمهوری اسلامی، این برنامه‌ها را کنار گذارد، آنان به دشمنی خود با ایران پایان می‌دهند. واقعیت این است که غرب، با ایران و پیشرفت و

جنایت صهیونیست‌ها عکس‌العمل‌هایی رخ داده است از جمله اینکه دو لایحه در مجلس سنا از سوی «برنی سندرز» مطرح شد برای قطع کمک‌های نظامی آمریکا به رژیم صهیونی، هرچند این دو لایحه رأی نیاورد ولی همین که از مجموع یکصد سناتور آمریکا در این دو لایحه بیست‌وچهار و بیست‌وهشت سناتور به آن رأی مثبت داده‌اند، نشان می‌دهد که شکاف در درون حاکمیت در موضوع فلسطین بوجود آمده است. حالا بعد از عدم موفقیت ترامپ در موضوع برنامه هسته‌ای ایران و جنگ غزه مجدداً او به سراغ جنگ اوکراین و روسیه رفته است جایی که ترامپ در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری خود گفته بود ظرف بیست‌وچهار ساعت جنگ را در اوکراین خاتمه می‌دهد و الان شش ماه از ورود ترامپ به کاخ سفید می‌گذرد و پوتین حتی حاضر نشده است با ترامپ دیدار کند. علی‌رغم اینکه ترامپ در ابتدا سعی کرد، با دادن امتیازاتی پوتین را وادار به مذاکره کند و آتش‌بس را قبول کند؛ ولی پوتین از شرایط اولیه خود در ابتدای جنگ مبنی بر واگذاری بخشی از خاک اوکراین، برکناری زلنسکی، عدم عضویت اوکراین در ناتو و مذاکره بدون هیچ پیش شرطی عقب‌نشینی نکرد و ترامپ در نهایت ناامیدی به سیاست بایدن مبنی بر ارسال سلاح به اوکراین برگشت و اعلام کرد روسیه پنجاه روز وقت دارد که پیشنهادات آمریکا را قبول کند؛ در غیر این صورت تعرفه‌های صد درصدی را بر کالا‌های صادراتی روسیه اعمال می‌کند.

در ادامه زمانی که ترامپ متوجه شد

هویت تمدن‌سازی ایرانیان مشکل دارد و بر همین اساس، بنا را بر ویران کردن ایران گذاشته است. البته به طور قطع باید گفت، غرب همانطور که در ۴۶ سال گذشته در رویارویی با ملت ایران شکست خورده، از این پس نیز، هر اقدامش علیه ملت ایران با شکست مواجه خواهد شد. جنگ تحمیلی ۱۲روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران، بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین تهدید ایران، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون بود. دشمنان مشارکت‌کننده در این جنگ، تمام کسانی بودند که نگران ظهور تمدن اسلامی هستند. در واقع ناتو با تمام توانایی خود وارد جنگ با ایران شد.

صدراعظم آلمان، با صراحت از تائیناهو تشکر کرد و گفت، شما از طرف همه ما این کار کثیف (جنگ)، را انجام دادید. همه ما، یعنی غرب فرهنگی و صاحبان تمدن غربی که دغدغه اصلی آنان امروز، پیشرفت‌های ایران است، نتیجه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، پیروزی معجزه‌آسای ملت ایران شد و موقعیت ایران را در منطقه و جهان اعتلا بخشید. اگر آمریکا و رژیم صهیونیستی، بار دیگر با توهم ویران کردن ایران، دست به حماقت زده و تجاوز دیگری را آغاز کنند، به طور قطع نتیجه آن، چیزی غیر از پیروزی بزرگ برای ملت مؤمن و متحد ایران به اذن الهی نخواهد بود. این پیروزی را خداوند متعال، برای ملتی که اساس حرکتش، بر پایه دین و دانش تحت رهبری ولایت فقیه و زیر پرچم اسلام شکل گرفته، تضمین نموده است.

پیشروی‌های نیروهای روسیه افزایش یافته است و ممکن است در پایان پنجاه‌روز روسیه به تمامی اهداف نظامی خودرسیده باشد. این مهلت را به ده روز از تاریخ هفتم مرداد کاهش داد. واقعیت این است که اولتیماتوم ترامپ هیچ ارزشی ندارد و بیشتر یک اقدام نمایشی است، زیرا صادرات روسیه به آمریکا بعد از جنگ اوکر این به شدت کاهش یافته است. در این بین درگیری‌های لفظی میان «دیمیتِر مدودف» نایب رئیس شورای امنیت ملی روسیه و «لیندسی گراهام» سناتور آمریکایی نزدیک به ترامپ و خود ترامپ در نوع خود جالب است. گراهام در توتیتی علاوه بر روسیه، هند، برزیل و چین را تهدید به تحریم‌های شدید کرده بود، در مقابل مدودف گفته بود که بهتر است آمریکا به مسائل داخلی خود بپردازد و این اقدامات آمریکا را به جنگ با روسیه نزدیکتر می‌کند. در مقابل ترامپ بعد از توهین به مدودوف گفته است که وی باید مراقب صحبت‌های خود باشد، اینگونه سخنان و جدال کلامی به شدت سطح ترامپ را به عنوان یک رئیس‌جمهور در جامعه آمریکا پایین آورده است. در نهایت ترامپ در پیامی متفاوت، در شبکه اجتماعیش نوشت: «ممکن است بعد از این ضرب‌العجل ده‌روزه هم اتفاقی نیفتد» با این گفته به نظر می‌رسد که ترامپ در این ضلع سوم هم نتیجه‌ای به دست نخواهد آورد و کماکان باید در میان از اضلاع سه‌گانه سیاست خارجی خود سرگردان باشد و در نهایت به دنبال دست‌آوردی حداقلی در یکی از این پرونده‌ها باشد.

ایران پراکنده می‌شوند و عمق سایت‌ها افزایش می‌یابد و علاوه بر اینها از سرنوشت اورانیوم‌های شصت درصد ایران خبری در دست نیست چون بازرسان آژانس دیگر در ایران حضور ندارند.» مسئولان در همچنین می‌گویند: «حمله آمریکا نشان داد که برنامه هسته‌ای ایران راه حل نظامی ندارد و تنها از طریق مذاکرات سیاسی می‌شود، این مسئله را حل کرد.»

جالب این است که «اربرت مالی» مسئول میز ایران در وزارت خارجه آمریکا در دولت بایدن که چند دور مذاکرات غیر مستقیم با ایران داشته است، همین سخنان سولیوان را با ادبیات دیگر بیان کرده است و او هم مذاکره را تنها راه حل دانسته است به نظر می‌رسد که دموکرات‌ها کم کم از لاک دفاعی خود در مقابل ترامپ خارج شده‌اند و موضع تهاجمی‌تری نسبت به ترامپ گرفته‌اند.

ضلع بعدی سیاست خارجی ترامپ موضوع جنگ غزه است که وی در برقراری آتش‌بس ناتوان بوده است تلاش‌های ویتکاف نماینده ترامپ در مذاکرات قطر با شکست کامل روبه‌رو شده است چون صهیونیست‌ها حاضر به قبول پیشنهادات حماس مبنی بر آتش‌بس دائم و عقب‌نشینی از غزه در قبال آزادی اسرای صهیونیست نیستن و حالا ترامپ صحبت از نابودی حماس می‌کند، ولی نسل‌کشی رژیم اشغالگر از طریق گرسنگی و محاصره غذایی فضای آمریکا را به شدت به نفع فلسطینیان تغییر داده است. در همین ارتباط راهپیمایی‌های متعددی در سرتاسر خاک آمریکا برگزار گردید. در درون حاکمیت هم نسبت به



رضا صار می‌راد

کارشناس مسائل
بین‌الملل

ترامپ در سه ضلعی سیاست خارجی خود سرگردان است و هر چند روز یکبار به سمت یک ضلع می‌رود و بعد از عدم موفقیت به سمت ضلع دیگری می‌رود؛ این سه ضلع عبارتند از جنگ اوکراین، برنامه هسته‌ای ایران و جنگ غزه ترامپ بعد از عدم موفقیت در کشاندن ایران به پای میز مذاکره و شکست راهبردی در سیاست‌های هسته‌ای خود به بن‌بست عجیبی برخورد کرده است و حتی در قبولاندن موفقیت خود در آسیب زدن به سایت‌های هسته‌ای ایران در فضای رسانه‌ای و جامعه‌نخبگی آمریکا دچار مشکل شده بعد از اینکه ایران به درخواست ویتکاف و آقای عراقچی برای شروع مذاکرات پاسخ منفی داد، آمریکا دست به دامن سه کشور اروپایی عضو برجام شده است تا از طریق گفت‌وگو با ایران و تهدید به اجرای مکانیسم ماشه جمهوری اسلامی را وادار به مذاکره با آمریکا کند؛ در همین ارتباط «جیک سولیوان» مشاور امنیت ملی بایدن در مصاحبه‌ای اعلام کرده است: «همه رؤسای جمهوری قبلی آمریکا از بوش تا بایدن می‌توانستند به ایران حمله کنند ولی آنها این کار را نکردند چون به نتایج این حملات آگاه بودند.» وی در ادامه گفت: «بعد از حمله آمریکا به سایت‌های هسته‌ای ایران اتفاقی که افتاده است، این است که سایت‌های هسته‌ای



بازیگری منفعل باشد، اما ملت ایران چنین تحقیر و انحطاطی را هرگز نخواهد پذیرفت.

❖ جنگ مکر و فریب

پنجمین نام این جنگ، «جنگ مکر و فریب» است؛ جنگ مکاران دروغگویان و پیمانشکنان. در حالی که ایران آماده مذاکرات هسته‌ای بود رژیم صهیونیستی در شب جمعه یا سحرگاه همان روز حمله خود را آغاز کرد؛ در حالی که قرار بود یک‌شنبه همان هفته مذاکره‌ای دیپلماتیک برگزار شود. این رفتار خیانت به مذاکره و پیمان‌شکنی آشکار بود. در همان روز نخست جنگ، ترامپ اعتراف کرد که این اقدام با برنامه‌ریزی قبلی انجام شده است. این فریبکاری و دروغ‌گویی، واقعی آمریکا و رژیم صهیونیستی را به جهان نشان داد و نفرت عمومی علیه آنان را افزایش داد. آزادی‌خواهان جهان، حتی در اروپا و آمریکا، جنگ افسروزان آمریکایی اروپایی و صهیونیستی را محکوم کردند. صدر اعظم آلمان اعتراف کرد که «رژیم صهیونی چهره کثیف ما را نمایان می‌کند»، عبارتی که یادآور ادبیات نازی‌هاست. این جنگ، جنگ دروغ‌گویان علیه صادقان، جنگ پیمانشکنان علیه وفاداران به عهد، و در نهایت جنگ باطل علیه حق است؛ و خداوند وعده داده است که حق بر باطل پیروز خواهد شد.

تقابل حق و باطل در مقیاس تمدنی

گفتاری از **آیت‌الله عباس کعبی** درباره جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

باور به معاد، اعتقاد به شعار «احدالحسنین» یا پیروزی یا شهادت و با تکلیف باوری که مأموریت را مقدم بر نتیجه می‌داند، یکپارچه به صحنه آمد. در این حرکت تمامی جناح‌ها، جریان‌ها، سلایق و قومیت‌ها اتحاد ملی خویش را به نمایش گذاشتند. حتی کسانی که پیشتر نسبت به جمهوری اسلامی تردید داشتند، بر تردیدهای خود غلبه کردند و در مقابله باصهیونیست‌ها حاضر شدند.

هنرمندان نیز هنر خویش را در خدمت این نبرد تمدنی به کار گرفتند و هویت اجتماعی ایران بار دیگر احیا شد. ملت ایران در این ۱۲ روز، در برابر غرب، ناتو و ایالات متحده آمریکا به پیروزی دست یافت؛ چرا که رژیم صهیونیستی در دستیابی به هیچ یک از اهداف راهبردی خود موفق نشد. موشک‌های مقتدر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی قلب تل‌آویو و حیفا و مراکز نظامی و صنعتی رژیم صهیونیستی را هدف قرار داد و آنان را به استیصال کشاند تا جایی که مجبور به پیشنهاد آتش بس شدند.

❖ جنگ اراده‌ها

نام دیگر این نبرد «جنگ اراده‌ها» است؛ چرا در این رویارویی ملتی پیروز خواهد شد که اراده‌ای قوی‌تر داشته باشد. ملت ایران با پیشینه‌ای کهن در تمدنسازی، با ثروت عظیم فرهنگی و معنوی با اتحاد و همبستگی اجتماعی و با اعتبار جهانی ملتی است

که اراده‌اش شکست‌ناپذیر است.

خداوند متعال در قرآن کریم وعده داده است که چنین ملتی پیروز خواهد شد و پرچم عزت و افتخار را تا انتها برافراشته نگاه خواهد داشت. در آغاز سوره جمعه آمده است: «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ»؛ مفسران این آیه را ناظر به ملت ایران و قوم سلمان دانسته‌اند. همچنین در پایان سوره فتح، قانون استبدال بیان می‌شود که اگر ملتی از یاری دین خدا دست بکشد، خداوند قومی دیگر را جایگزین خواهد کرد که پرچم اسلام را تا پایان بر دوش کشند. این ملت پرچم را در میانه راه رها نمی‌کند و آن را به دست ولی خدا خواهد سپرد.

رهبر معظم انقلاب در همین زمینه فرمودند: «خداوند تضمین کرده است که ملت ایران پیروز است؛ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ». بدین ترتیب، اراده ملت ایران اراده‌ای است شکست‌ناپذیر و پایدار.

❖ جنگ علیه مفسدین فی الارض

سومین بعد این نبرد، رویارویی با مفسدین فی الارض است؛ همان گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَئِكَنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ». اگر خداوند مردم را در برابر یکدیگر برنیانگیزد، زمین را فساد فرا خواهد گرفت.

این جنگ، جنگ مستضعفان علیه مستکبران

علی ودایع، تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفت و گو با صبح صادق

ترامپ می‌خواهد با دشمنان آمریکا عکس یادگاری بگیرد!



نیاز است که به شکل دقیق و مشخص مورد بررسی و کاوش قرار گیرند که بتوان در مقیاس خردتر، یعنی مسئله ایران، ذهن‌خوانی بهتر و دقیق‌تر از رفتار سیاسی ترامپ بدست بیاوریم. رفتار سیاسی ترامپ به شدت سینوسی و صفر و صدی است، به طوری که مخاطب نمی‌تواند به راحتی رویکرد و ذهن او را بخواند. او در روابط سیاسی سقف مطالباتش را بیسان می‌کند و با انگیزه بالایی قصد دارد تا برای خود دستاوردسازی کند. برای نمونه او سعی کرد در رابطه با کره شمالی با یک عکس یادگاری کار را تمام کند یا با یک ملاقات با آقای پوتین دستاوردی برای خود بدست آورد. به طور کلی ترامپ عاشق عکس یادگاری گرفتن با دشمنان آمریکاست تا از این طریق دستاورد و پیروزی‌هایی را برای خود به ارمان آورد. به شکل اساسی، در دوره‌های قبلی، اروپایی‌ها نقش کاتالیزور را در مذاکرات داشتند؛ اما این بار ترامپ دوست دارد با خود ایرانی‌ها بدون واسطه غربی‌ها به مذاکره بپردازد.»

ودایع اشاره کرد: «با توجه به نوع رفتار ترامپ و اینکه در آستانه دور ششم مذاکرات به ظاهر ما را با جنگ غافلگیر نمودند، و با عنایت به نظریه مرد دیوانه و الگوریتم رفتاری دونالد ترامپ، در وضعیت پساجنگ نیاز است در ساختار مذاکراتی با آمریکا به تغییراتی رویبیاوریم.»

وی در انتها اشاره داشت: «شخصیت ترامپ دارای ویژگی‌های خاصی است که او را به شدت نسبت به سایر رؤسای جمهوری آمریکا متفاوت کرده است. بارها گفته شده است که او از نظریه و رویکرد «مرد دیوانه» استفاده می‌کند. از این منظر دونالد ترامپ سعی دارد که در جبهه رویه‌رو آشوب فکری ایجاد نماید. با توجه و تکیه بر این نگاه، بیان این نکته مهم است که رویکرد و ذهنیت ترمپ را باید در مقیاس کلان‌تری مورد بررسی قرار داد. در این نگاه مسئله نظام تعرفه‌ای در قبال اروپا، رابطه با روسیه و شخص پوتین، مسئله جنگ اوکراین، چالش‌های مربوط به چین و دریای چین جنوب و...

رفتار عربستان سعودی با ایران و حتی در تبعات بعدی با خود آمریکایی‌ها شد؛ در نتیجه این اتفاقات بازگشت ارتباط دیپلماتیک ایران با امارات و مصر هم از دیگر نتایج این سیاست بود. در کل باید در نظر داشته باشیم که گسترش سیاست همسایگی می‌تواند در زیست‌بوم خودمان تنفس را از دشمن بگیرد.»

او اشاره داشت: «در مرحله بعدی ایران به سمت چندجانبه‌گرایی رفته است. این سیاست کمک می‌کند که ایران در وزن‌کشی‌های جدید روابط بین‌المللی، جایگاه و پرستیژ تازه‌ای را برای خود ترسیم کند. در این مرحله، یعنی در چندجانبه‌گرایی هر چقدر بتوانیم خوش بدرخشیم و موقعیت‌های خوبی را برای خود کسب کنیم؛ به تبع آن در لایه‌های بعدی نیز موفق‌تر خواهیم بود و شرایط برای ما مطلوب خواهد بود. به طور مثال حضور ایران در سازمان همکاری شانگهای و بریکس یکی از مصادیق مهم و اصلی این سیاست چندجانبه‌گرایی است که البته دارای پیچیدگی‌هایی است. یک تذکر که باید در مورد این مرحله داده شود این است که صرف حضور در این سیاست و پیوستن به سازمان‌ها و پیمان‌های مربوطه بازدارندگی برای ما نخواهد داشت. ایران باید در زیرساخت‌های اقتصادی و امنیتی این سیاست‌ها، اولاً حضور جدی و فعال داشته باشد و ثانیاً نسبت به منافع و ظرفیت‌های موجود در آن سهم‌خواهی داشته باشد. عکس یادگاری و اینکه صرفاً به شکل صوری نام ما در سازمان‌های سیاست‌ها چندجانبه‌گرا وجود

داشته باشد فایده چندانی نخواهد داشت.»

تحلیلگر مسائل بین‌الملل بیان کرد: «در مرحله سوم؛ این بیان نکته حائز اهمیت است که ما در بی‌سابقه‌ترین سطح درگیری و تقابل با غرب هستیم. در این میان هرگونه تحرکی که موجب شود ایران میز مذاکره و دیپلماسی را ترک کند، به ضرر منافع کشور بوده و فرصت تنفس را به دشمنان ما (مشخصاً) رژیم صهیونی می‌دهد. ایران سابقاً درباره این مسئله تجربه تلخ و ناخوشایندی دارد. در برهه‌ای از زمان،



با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید موضوع روابط ایران با ایالات متحده و اساساً مسئله مذاکره بار دیگر برجسته شده است. با تجربه جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونی؛ بیش از پیش مذاکره در لایه‌ای از ابهام رفته و در این مورد افرادی به مخالفت و موافقت با آن برخاسته‌اند. در گفت‌وگو با «علی ودایع» تحلیلگر مسائل بین‌الملل به اهمیت موضوع پرداخته و برخی از زوایای چالش مذاکره را مطرح ساختیم.

ودایع در ابتدا گفت: «در فرایندهای بین‌المللی، موضوع جنگ دیپلماتیک در عرصه جهانی و وزن‌کشی‌های قدرت، به اندازه تقابل نظامی در میدان واجد اهمیت و موضوعیت است. ما هر چقدر که در جنگ دیپلماتیک بتوانیم موفقیت کسب کنیم پیروزی‌هایی را در آن میدان بدست بیاوریم، ثمرات و نتایجش را در عرصه میدان خواهیم دید و بالعکس، یعنی رابطه میدان و دیپلماسی دوسویه و متقابل است. فرایند دیپلماتیکی که ایران در دستور کار قرار داده است دارای چند مؤلفه مهم است. در بخش نخست موضوع دیپلماسی همسایگی است. هر کشوری در مرحله ابتدایی نیاز دارد که روابط خودش را در منطقه زیست‌بومی‌اش توسعه بخشیده و تثبیت نماید.»

وی افزود: «متأسفانه تنش‌های ما با برخی کشورهای همسایه و منطقه موجب شد که فضا و بستری برای کشورهای ثالث خارج از این حیطه ایجاد شود. پس در مرحله نخست التفات و توجه به این‌وجه از روابط دارای اهمیت و حساسیت بسیار است. یکی از میراث‌های مهم و اساسی شهید حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه دولت سیزدهم، بهبود روابط و بازگشت ارتباط دیپلماتیک ما با ریاض بود. این اقدام موجب تغییر

دیگران

چشم‌انتظار جنگنده اف_۴۷

صبح صادق، این یادداشت را صرفاً جهت آگاهی مخاطبان منتشر می‌کند./

این روزها با توجه به افزایش تلاش‌های کشورهای خاورمیانه برای دستیابی به جنگنده پیشرفته افد۳۵، اسرائیل با چالشی جدی برای حفظ «برتری کیفی نظامی» خود در منطقه روبه‌رو است. نهادهای امنیتی و نیروی هوایی اسرائیل به دقت تحرکات کشورهای نظیر ترکیه، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، بحرین و مصر را که همگی به دنبال خرید این جنگنده رادارگریز از ایالات متحده هستند، زیر نظر دارند چرا که در حال حاضر، اسرائیل تنها کاربر جنگنده نسل پنجم افد۳۵ در منطقه است و این انحصار، ستون اصلی قدرت نظامی این رژیم را تشکیل می‌دهد. نسخه ویژه اسرائیل از این هواپیما، موسوم به افد۳۵آی «ادیر»، با سامانه‌های راداری و فناوری‌های بومی تجهیز شده است که قابلیت‌های تهاجمی و جمع‌آوری اطلاعاتی آن را افزایش داده است. توافق دیرینه تل‌آویو با ایالات متحده نیز همواره بر این اصل استوار بوده که تجهیزات نظامی فروخته شده به اسرائیل باید از نظر توانمندی، برتر از تجهیز ات فروخته شده به همسایگانش باشد تا این برتری کیفی خدشه‌دار نشود.

نگرانی اصلی از آنجا ناشی می‌شود که اگر آمریکا با فروش افد۳۵ به کشورهای عربی موافقت کند، حتی با وجود محدودیت‌هایی که احتمالاً بر قابلیت‌های آن اعمال خواهد کرد، موازنه قدرت هوایی در منطقه به شکل بی‌سابقه‌ای تغییر خواهد کرد. هر چند چنین معامله‌ای نیازمند تأیید کنگره آمریکا است و فرآیندی پیچیده دارد، اما در صورت تحقق، اسرائیل را ناگزیر به بازنگری اساسی در راهبردهای دفاعی خود خواهد کرد. در چنین شرایطی، نگاه تل‌آویو به آینده و پروژه‌های نسل بعدی این جنگنده معطوف شده است. در این چشم‌انداز، جنگنده نسل ششم، افد۴۷ به عنوان یک گزینه راهبردی برای جهش فناوریانه و حفظ فاصله تکنولوژیک با رقبای منطقه‌ای مطرح می‌شود. این هواپیما که انتظار می‌رود بین سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۹ عملیاتی شود، با ویژگی‌هایی چون برد ۱۸۰۰ کیلومتری، سرعت بالای دو ماخ، هوش مصنوعی پیشرفته، طیف وسیع‌تری از تسلیحات و فناوری رادارگریزی پیشرفته، که یک نسل از رادارگریزی افد۳۵ جلوتر است.

با این سناریو، ایالات متحده می‌تواند ضمن تأمین امنیت اسرائیل با یک جنگنده برتر، فروش افد۳۵ را به متحدان عرب خود، که تحویل آنها احتمالاً از سال ۲۰۳۰ آغاز خواهد شد، مدیریت کند. با این حال، یک راهکار جایگزین و سریع‌تر نیز روی میز قرار دارد که توسط شرکت «لاکهید مارتین» پیشنهاد شده است: «توسعه یک نسخه ارتقا یافته از افد۳۵ که به «فراری» شهرت یافته است. این طرح بر آن است تا با یکپارچه‌سازی فناوری‌های نسل ششم در بدنه افد۳۵، به ۸۰ درصد از کارایی یک جنگنده نسل ششم با تنها ۵۰درصد از هزینه آن دست یابد. این نسخه که «نسل پنجم پلاس» نامیده می‌شود، شامل بهبودهایی در سنسورهای فروسرخ غیرفعال و افزایش درجه رادارگریزی خواهد بود. مزیت بزرگ این گزینه برای اسرائیل، هزینه کمتر، زمان تحویل بسیار کوتاه (ظرف سه سال) و یکپارچگی کامل با ناوگان کنونی افد۳۵آی «ادیر» است. انتخاب این مسیر می‌تواند ضمن تقویت چشمگیر توانمندی‌های اسرائیل در کوتاه‌مدت، پاسخی هوشمندانه به تغییرات ژئوپلیتیک منطقه باشد.

نشریه انگلیسی اورآسیاتایمز



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در گستره مسائل راهبردی یک ملت، برخی بحران‌ها نه با صدای انفجار، که با سکوت روندهای تدریجی و آرام سر بر می‌آورند. ایسن بحران‌های خاموش، خطرناک‌ترین چالش‌ها هستند، زسرا زمانی که به نقطه غیرقابل بازگشت می‌رسند، فرصت برای اقدام کم‌هزینه و مؤثر از دست رفته است. بحران جمعیت در کشورمان، مصداق بارز این پدیده راهبردی است. بر اساس پیش‌بینی‌های معتبر نهادهای بین‌المللی، مانند بخش جمعیت سازمان ملل متحد، جمعیت کشورمان در حدود سال ۲۰۵۰ میلادی به اوج خود یعنی نزدیک به ۹۷ میلیون نفر خواهد رسید و پس از آن، وارد یک مسیر کاهش بلندمدت و برگشت‌ناپذیر می‌شود. این روند، که از آن با عنوان «زمستان جمعیتی» یاد می‌شود، جمعیت کشورمان را تا پایان قرن بیست‌ویکم به حدود ۷۰ میلیون نفر کاهش خواهد داد. این ارقام صرفاً آمار جمعیتی نیستند؛ بلکه آینده‌ای از آینده قدرت ملی، پویایی اقتصادی، امنیت اجتماعی و ظرفیت‌های دفاعی ما هستند. نکته تلخ ماجرا اینجاست که درحالی‌که برای رشد اقتصادی و نفوذ منطقه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنیم، مهم‌ترین سرمایه ما، یعنی سرمایه انسانی، در مسیر فرسایش قرار گرفته است!

تشخیص اشتباه، درمان ناکارآمد

در مواجهه با این چشم‌انداز، رویکرد غالب سیاست‌گذاری در کشورمان بر یک فرض ساده‌انگارانه اما مسلط استوار شده است و آن اینکه کاهش نرخ باروری، معلول مستقیم مشکلات اقتصادی و تنگناهای معیشتی است و راهکار آن نیز، ارائه مشوق‌های مالی به خانواده‌هاست!قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مصوب سال ۱۴۰۰، تجلی کامل این رویکرد است. این قانون، با نیت خیرخواهانه، مجموعه‌ای از تسهیلات از جمله امتیاز خرید خودرو، وام‌های بانکی، تخصیص زمین و افزایش مرخصی زایمان را برای تشویق به فرزندآوری طراحی کرده است. اما پرسش بنیادین و حیاتی این است که آیا این تشخیص، عمق تحولات اجتماعی، فرهنگی و سبک زندگی جامعه ایران را به‌درستی درک کرده است؟ آیا می‌توان با ابزارهای کوتاه‌مدت و معاملاتی، پدیده‌ای را مدیریت کرد که ریشه‌هایی عمیق در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و محاسبات بلندمدت زندگی دارد؟ پاسخ منفی به این پرسش، به معنای اتلاف منابع محدود و از دست دادن زمان گران‌بهاست برای حفظ جوانی جمعیت کشور است!

وقتی «اولویت‌ها» تغییر می‌کنند!

شواهد جهانی و تحلیل‌های تطبیقی نشان می‌دهند که فروکاستن مسئله جمعیت به یک متغیر اقتصادی، خطایی راهبردی است. دفتر ملی پژوهش اقتصادی موسوم‌به NBER یک سازمان پژوهشی خصوصی غیرانتفاعی است که خود را متعهد به انجام و انتشار پژوهش اقتصادی غیرجانبدار در بین سیاست‌گران عمومی، فعالان کسب‌وکار، و جامعه

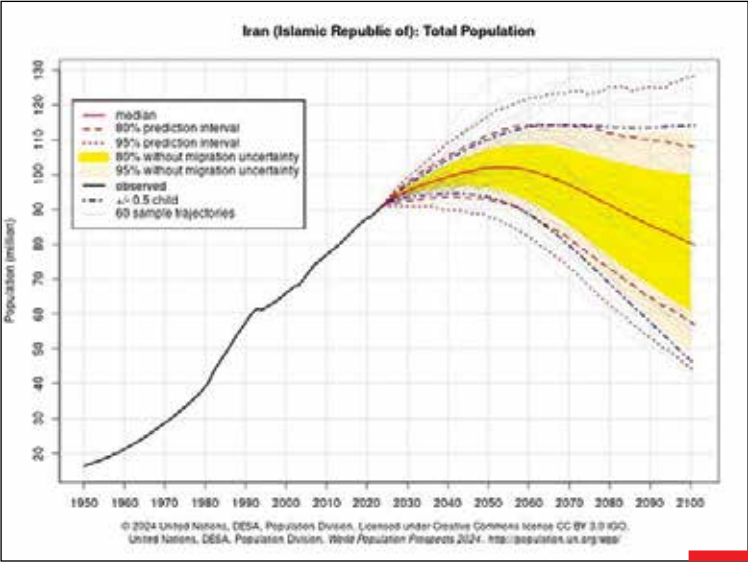
نگاهی به پنجره در حال بسته شدن جوانی جمعیت

ساعت شنی بحران

کل فرزندان یا حتی بروز پدیده بی‌فرزندی ناخواسته است. قانون جوانی جمعیت با ارائه زمین یا مسکن به خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر، به این مسئله اشاره دارد، اما این راهکار، منطق علت و معلولی را معکوس کرده است. چالش اصلی، تشویق به فرزند اول و دوم است، نه پاداش دادن به فرزند سوم. سیاست‌گذاری مؤثر در این حوزه باید از ارائه امتیازات مسودی فراتر رفته و به سمت راهکارهای جامع برای تسهیل خانه‌دار شدن زوج‌های جوان، مانند توسعه بازار اجاره‌داری حرفه‌ای، کنترل سوداگری در بازار مسکن و طرحی وام‌های خرید مسکن هدفمند و کم‌بهره، حرکت کند. ثبات در سرپناه، به ثبات در تصمیم‌گیری برای آینده می‌انجامد.

«جریمه مادری» در بازار کار

دومین مانع ساختاری، پدیده‌ای است که در ادبیات اقتصادی از آن با عنوان «جریمه فرزندآوری» یاد می‌شود. ایسن مفهوم به کاهش معنادار و اغلب دائمی درآمد، فرصت‌های شغلی و جایگاه حرفه‌ای زنان پس از تولد فرزند اشاره دارد. در جوامع امروزی خصوصاً کشور ما که تحت تاثیر سال‌ها توسعه آموزش عالی، امروزه زنان و دختران بخش قابل توجهی از جمعیت دانش‌آموختگان دانشگاهی کشورمان را تشکیل می‌دهند، این جمعیت انبوه به طور طبیعی به واسطه سال‌ها صرف عمر خود در حوزه تحصیل و کسب تخصص سرمایه‌گذاری عظیمی بر روی آینده شغلی خود کرده‌اند لذا خوب یا بد انتخاب برای آن‌ها دیگر میان «خانه‌داری» یا «اشتغال» نیست؛ بلکه چگونگی «ایجاد تعادل» میان این دو است! در این رابطه و بر اساس پژوهش‌های جهانی اگر ساختار اقتصادی و اجتماعی، هزینه سنگینی بابت مادر شدن بر زنان تحمیل کند، بسیاری از آنان تصمیم به تأخیر در فرزندآوری، کاهش تعداد فرزندان یا حتی انصراف از آن برای حفظ استقلال اقتصادی و هویت حرفه‌ای می‌گیرند! از این رو سیاست‌هایی مانند افزایش مرخصی زایمان، اگرچه مفیدند، اما تنها بخش کوچکی از این معضل پیچیده را پوشش می‌دهند و گاهی حتی عوارضی مانند عدم تمایل کارفرمایان به استخدام زنان مثال‌ها یا اخذ تعهد عدم باوری در طی چند سال اول شروع



بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل متحد در سال ۲۱۰۰ میلادی جمعیت ایران به ۷۰ میلیون نفر کاهش خواهد یافت

کار منجر می‌شوند. به طور کلی مسئله اصلی، فقدان زیرساخت‌های حمایتی مانند مهدکودک‌های باکیفیت، استاندارد و مقرون‌بصرفه، انعطاف‌ناپذیری محیط‌های کاری و تداوم رویکردهای غیر روزآمدشده فرهنگی و اجتماعی به مسئله فرزندآوری است. حکمرانی جمعیتی هوشمند، باید از حمایت صرف از «مادر» به سمت حمایت از «خانواده» حرکت کند و بستر را برای والدگری پویا، مؤثر و مطمئن از آینده فراهم سازد. این امر به معنای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مرتبط با کیفیت زیست و معیشت خانواده‌ها است که بایستی به آن توجه ویژه شود. علاوه بر موانع ساختاری، تحولات فرهنگی نیز نقشی کلیدی در این معادله ایفا می‌کنند. پدیده «والدگری فشرده» یکی از این روندهای مهم است. هنجار نوین اجتماعی، والدین را ملزم می‌کند که منابع زمانی، عاطفی و مالی عظیمی را صرف رشد، آموزش، کلاس‌های فوق برنامه و موفقیت فرزندان خود کنند. این فشار، که توسط شبکه‌های اجتماعی و رقابت‌های طبقاتی تشدید می‌شود، فرزندپروری را به یک مسئولیت طاقت‌فرسا و اضطراب‌آور تبدیل کرده و جذابیت داشتن خانواده‌های بزرگ را از بین برده است. در چنین فضایی، خانواده‌ها به‌جای کمیت، بر روی «کیفیت» سرمایه‌گذاری می‌کنند و ترجیح می‌دهند یک یا دو فرزند «موفق» تربیت کنند تا اینکه فرزندان بیشتری با امکانات کمتر داشته باشند. این تغییر فرهنگی، یک «مبادله کیفیت-کمیت» – مبادله Quantity-Quality را برر خانواده‌ها تحمیل می‌کند که سیاست‌های تشویقی صرفاً مالی، قادر به تغییر این نیستند!

راهی به سوی آینده

بنابراین، راهبرد جمعیتی کشورمان نیازمند یک بازنگری بنیادین و شجاعانه است. ما باید از تمرکز بر مشوق‌های اقتصادی کوتاه‌مدت که مسئله را سادسازی می‌کنند، به سمت یک رویکرد دجامع وساختاری حرکت کنیم که موانع واقعی پیش روی جوانان را برطرف می‌سازد. این رویکرد جدید باید بر سه محور استوار باشد: اول، «توانمندسازی ساختاری» از طریق سیاست‌های پایدار در حوزه مسکن و اشتغال جوانان. دوم، «کاهش هزینه‌های غیر مستقیم فرزندآوری» با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مراقبتی (مانند مهدکودک‌ها و توسعه مدارس دولتی با کیفیت)، سوم، «گفت‌وگوی فرهنگی» برای مدیریت انتظارات اجتماعی و و ترویج فرهنگ والدگری در بین نسل جوان. دقت کنیم که ایران جوان امروز، با سرعتی نگران‌کننده در حال تبدیل شدن به کشوری با جمعیت غالب میانسال و سالمند است. این گذار، تنها یک تغییر آماری نیست، بلکه تهدیدی برای موتور توسعه، نوآوری و امنیت ملی ما در دهه‌های آینده است. اگر تدبیری هوشمندانه، کارآمد و متناسب با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی امروز برای حفظ جوانی جمعیت در دستور کار قرار نگیرد، کشورمان در آینده‌ای نه‌چندان دور، به یک جامعه فرسوده، محافظه‌کار و نیازمند واردات نیروی کار جوان در حوزه‌های مختلف تبدیل خواهد شد که پیامدهای منفی آن بر بافت اجتماعی، اقتصادی و امنیتی کشورمان جبران‌ناپذیر خواهد بود. زمان برای اقدامات سطحی و تکرار سیاست‌های آزموده‌شده و ناکارآمد به پایان رسیده است. پنجره فرصت برای اصلاح این مسیر راهبردی به‌سرعت در حال بسته شدن است و آینده ایران، در گرو تصمیماتی است که امروز، با درکی عمیق‌تر و نگاهی جامع‌تر، اتخاذ می‌کنیم.

اندیشکده

جمعیت؛ خط مقدم امنیت ملی!

از شاخص‌های کلیدی برای سنجش قدرت و نفوذ یک کشور است. ملتی با جمعیت سالخورده و رو به کاهش، در نگاه رقیبا و متحدان، یک قدرت رو به افول تلقی می‌شود. این تصور، می‌تواند محاسبات راهبردی دشمنان را تغییر داده و آنها را برای به چالش کشیدن منافع ملی ما مجبور تر کند. قدرت نرم یک کشور نیز به جمعیت جوان آن وابسته است؛ از توانایی اعزام دانشجو و ترویج زبان و فرهنگ گرفته تا تأثیرگذاری از طریق دیاسپورای فعال در جهان. یک ایران سالخورده، ایرانی منزوی‌تر و با نفوذ کمتر در معادلات منطقه‌ای و جهانی خواهد بود. از این منظر، سیاست‌های فعلی مبتنی بر مشوق‌های مالی محدود، راهکاری خطرناک و ناکافی است. امنیت ملی نیازمند یک «راهبرد جامع امنیت جمعیتی» است که فراتر از ابزارهای اقتصادی، به موانع ساختاری مانند مسکن، اشتغال پایدار و زیرساخت‌های حمایتی برای خانواده‌ها بپردازد. قدرت دفاعی یک کشور تنها به تعداد موشک‌های آن نیست؛ بلکه به‌سرزندگی، امید و تعهدنسلی بستگی دارد که قرار است آینده آن را بسازد و از آن دفاع کند. این خط مقدم را نباید از دست داد.

روستایی است. این پدیده، که در حال حاضر نیز در برخی استان‌های مرزی ما قابل مشاهده است، به ایجاد «خلاءهای امنیتی» می‌انجامد. مناطق کم‌جمعیت در مرزها، بستری مستعد برای فعالیت گروه‌های تروریستی، شبکه‌های قاچاق و تحرکات تجزیه‌طلبانه فراهم می‌کنند. حکمرانی مؤثر و کنترل سرزمینی در این مناطق بدون حضور جمعیت بومی وفادار، تقریباً ناممکن است. علاوه بر این، یک اقتصاد ضعیف‌شده با نیروی کار سالخورده، برای بقای خود ناچار به «واردات انبوه نیروی کار» خواهد بود. این راهکار، اگرچه در کوتاه‌مدت یک ضرورت اقتصادی به نظر می‌رسد، اما در بلندمدت یک بمب ساعتی امنیتی است که عوارض تلخ آن را در جریان ۱۲ روزه شاهد بودیم!تغییر بافت هویتی و فرهنگی، ایجاد اجتماعات بسته‌ی خارجی که در برابر ادغام مقاومت می‌کنند، و افزایش آسیب‌پذیری در برابر نفوذ و جاسوسی، تنها بخشی از تبعات امنیتی این پدیده است که می‌تواند انسجام ملی را به‌طور جدی به مخاطره اندازد. به طور کلی، افول جمعیتی به معنای فرسایش جایگاه ژئوپلیتیک کشورمان است. در عرصه بین‌المللی، پویایی جمعیتی یکی

و اطلاعاتی هر کشوری به کمیت و کیفیت نیروی انسانی آن گره خورده است. کاهش مستمر جمعیت جوان به معنای کاهش ظرفیت سربازگیری نیروهای مسلح، کمبود نیروی متخصص برای یگان‌های فناوری‌محور مانند پدافند هوایی و جنگ الکترونیک، و تضعیف توان اطلاعاتی کشور در جذب نیروهای جوان و نخبه برای مقابله با تهدیدات نوین است. در شرایطی که رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مادر در حال سرمایه‌گذاری بر روی ارتش‌های حرفه‌ای و بزرگ هستند، تضعیف توان انسانی، قدرت بازدارندگی ما را به‌طور مستقیم کاهش می‌دهد. این بحران، تنها به میدان نبرد محدود نمی‌شود؛ نهادهای امنیتی و اطلاعاتی برای رقابت در عرصه سایبری و مقابله با سرویس‌های متخاصم، به یک جریان دائمی از استعدادهای جوان نیازمندند. رقابت بر سرر این استعدادها با بخش خصوصی و مهاجرت نخبگان، در آینده‌ای با جمعیت جوان‌تر کمتر، به یک چالش امنیتی حاد تبدیل خواهد شد.

دومین بُعد این تهدید، ایجاد «گسل‌های امنیتی در داخل» است. یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای کاهش جمعیت، خالی شدن مناطق مرزی و

پیشخوان

هجوم به انرژی هسته‌ای



روزنامه واشنگتن پست نوشت: «غول‌های فناوری آمریکا در حال بررسی نیروگاه‌های هسته‌ای قدیمی برای تأمین انرژی پروژه‌های هوش مصنوعی هستند. این نیروگاه‌های قدیمی به یکی از بهترین راه‌ها برای تأمین سریع انرژی مورد نیاز مراکز داده عظیم هوش مصنوعی تبدیل شده‌اند. متایک قرارداد ۲۰ ساله برای خرید انرژی از یک راکتور قدیمی در ایلینوی امضا کرده است. مایکروسافت توافقی برای راه‌اندازی مجدد یک راکتور در پنسیلوانیا منعقد کرده که پس از حادثه ذوب جزئی در ۱۹۷۹ تعطیل شد، آمازون نیز ماه گذشته در همان ایالت، برق یک نیروگاه ۴۲ ساله را به‌صورت انحصاری خرید.»

به نوشته این روزنامه، منتقدان می‌گویند هجوم سیلیکون ولی به انرژی هسته‌ای ممکن است منجر به افزایش قیمت برق یا کمبود آن در سال‌های آینده شود. با انحصاری کردن نیروگاه‌های هسته‌ای قدیمی به‌جای ساخت نیروگاه‌های جدید، شرکت‌های فناوری ممکن است جوامع را به استفاده از سوخت‌های فسیلی سوق دهند و عمر نیروگاه‌های آلاینده زغال‌سنگ و گاز را طولانی‌تر کنند.

سیاست قحطی!



روزنامه گاردین نوشت: «محاسبه قحطی در غزه ساده است. فلسطینی‌ها نمی‌توانند از این سرزمین خارج شوند، جنگ، کشاورزی را به تعطیلی کشانده و (رژیم) اسرائیل ماهیگیری را ممنوع کرده است، بنابراین عملاً هر کالری که جمعیت غزه مصرف می‌کند، باید از خارج وارد شود. (رژیم) اسرائیل برای دهه‌ها گرستگی در غزه را تنظیم کرده است. ایهود اولمرت، در سال ۲۰۰۶ گفت که باید فلسطینی‌ها را گرسنه نگاه داریم، اما نگذاریم بمیرند.»

به نوشته این روزنامه، گگات (Cogat)، نهاد صهیونیستی که محموله‌های کمک‌رسانی به غزه را کنترل می‌کند، در آن زمان محاسبه کرد که فلسطینی‌ها به حداقل میانگین ۲/۲۷۹ کالری در روز به ازای هر نفر نیاز دارند، که می‌توانست از طریق ۱/۸۳۶ کیلوگرم غذا تأمین شود. امروز، سازمان‌های بشردوستانه حتی درخواست جیره‌ای کمتر دارند. این روزنامه در انتقاد از شیوه ریزش هوایی کمک‌های غذایی نوشت: «اگر هزینه ده‌ها میلیون دلاری این روش صرف‌کامیون‌ها می‌شد، غذای بسیار بیشتری به مردم غزه می‌رسید، اما (رژیم) اسرائیل با این پروازها می‌خواهد گرستگی را ناشی از مشکلات لجستیکی جلوه‌دهد. ریزش‌های هوایی آخرین راه‌حل تغذیه افراد در شرایط اضطراری هستند که نیروهای مسلح با جغرافیا تحول‌جاده‌ای را غیرممکن می‌کنند. در غزه تنها مانع، محدودیت‌های تحمیل‌شده توسط اسرائیل است، متحد بسیاری از کشورهای غربی و مسلح به سلاح‌های بریتانیایی و آمریکایی.»

در گفت‌وگوی اختصاصی فیلمساز آلمانی با «صبح صادق» بیان شد؛

کنیسه‌های ایران امن‌تر از اروپا

آنچه کشف کردم، واقعیتی بسیار متفاوت از آنچه بود که به من گفته شده بود.

چه تفاوتی؟

مثلا درباره سرکوب زنان؛ نکته قابل توجه اینجاست که اکثر دانشجویان دانشگاه‌های ایران زن هستند. از آنجا که دانش قدرت است، این امر چالش‌ی است بر ادعای «زن ایرانی تحت سستم.» در مقایسه با زنان بسیاری از کشورهای اکثریت‌مسلمان، زنان ایرانی می‌توانند آزادانه سفر کنند، حساب بانکی باز کنند، و رانندگی کنند. آنها در جامعه فعالند: به‌عنوان پژوهشگر، استاد دانشگاه، متخصص رسانه و غیره، دقیقاً همانند کشورهای غربی.

درباره آزادی ادیان در ایران هم این تفاوت را مشاهده کردید؟

بله؛ یک سوءبرداشت دیگر در گفتمان غرب، درباره آزادی مذهبی در ایران است. اغلب می‌شنویم که ادیان غیراسلامی با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو هستند. این تصویر، نادرست است. اقلیت‌های مذهبی مانند مسیحیان و یهودیان کرسی رسمی در مجلس ایران دارند و کلیساها و کنیسه‌ها به‌طور علنی فعالیت می‌کنند؛ درحالی که کنیسه‌های اروپا اغلب به‌دلیل خطر حملات تروریستی تحت حفاظت سنگین هستند، من چنین ناامی در تهران ندیدم. دلیلش این است که چنین تهدیدی از درون جامعه ایران وجود ندارد؛ هر کس که بخواهد به اقلیت‌های مذهبی آسیب بزند، به‌شدت توسط مقامات مجازات می‌شود.

زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

«آندریاس لاندک» کارگردان سینما و مستندساز آلمانی است که برای بازدید از آثار تجاوزرژیم صهیونیستی به خاک ایران، به تهران سفر کرده و بیانیه‌ای در محکومیت این تجاوز و حمله به صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران را امضا کرده است. او منتقد سرسخت غصب سرزمین‌های اشغالی به بهانه وطن پهود است و از دیدن واقعیت‌های ایران و تفاوتش با آنچه در رسانه‌های غربی ادعا می‌شود، شگفت‌زده شده است. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

طی سفری که به ایران داشتید، چه نکاتی برای شما جالب توجه بود؟

این دومین باری است که به ایران سفر می‌کنم. پیش از سفر اولم، اطلاعات چندانی درباره ایران نداشتم. صرفاً فهم ابتدایی‌ای از تاریخ کهن آن، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان، و رویدادهای متأخرتر، مانند سلطنت شاه، انقلاب اسلامی که او را سرنگون کرد، و جنگ با عراق داشتم. در رسانه‌های غربی، نظام حاکم کنونی ایران اغلب به‌شدت منفی تصویر می‌شود. به ما گفته می‌شود که زنان هیچ حقی ندارند، اختلاف‌نظر سیاسی با خشونت سرکوب می‌شود و اعدام‌های عمومی شکلی از سرگرمی جمعی است.

تحلیل

آغاز بحران

گزارش سی‌ان‌ان از تبعات جنگ با ایران برای آمریکا

بالتستیک کوتاه‌برد، میان‌برد و میان‌برد توسعه‌یافته، هم درون جو و هم خارج از جو زمین، در هر مرحله نهایی پرواز آن‌هاست. هر سامانه شامل ۹۵ سرباز آمریکایی، ۶ پرتابگر و ۴۸ موشک رهگیر است. این موشک‌ها توسط شرکت لاکهیدمارتین تولید می‌شوند و طبق بودجه آژانس دفاع موشکی ایالات متحده برای سال ۲۰۲۵، هر فروند آنها حدود ۱۲/۷ میلیون دلار هزینه دارد. یک افسر ارشد بازنشسته ارتش آمریکا که نخواست نامش فاش شود نیز گفت که حدود ۲۵ درصد از کل موجودی سامانه‌های تاد توسط نیروهای آمریکایی در جنگ متجاوزانه رژیم صهیونیستی علیه ایران مصرف شده است. او اضافه کرد: «وزارت دفاع در حال بازنگری در سطح ذخایر مهمات راهبردی برای شرایط جنگی است و تلاش دارد ظرفیت تولید سالانه را به‌طور چشمگیری افزایش دهد؛ اقدامی که مدت‌هاست باید انجام می‌شد.»

به گفته چهار مقام پیشین ارشد وزارت دفاع آمریکا، نگرانی درباره کمبود ذخایر موشک‌های رهگیر پیش از جنگ ۱۲ روزه نیز وجود داشته و شدیدترین مشکل، در مورد موشک‌های پیشرفته‌ای است که برای بازدارندگی در برابر چین حیاتی به شمار می‌روند.

گاردین می‌نویسد: هزاران نفر از مردم گرسنه غزه ساعت‌ها در گرمای کشنده منتظر می‌مانند تا کیسه‌های آردی را که پس از ۱۰ دقیقه تمام می‌شوند، تهیه کنند- این صحنه‌ای معمولی در چهار مرکز توزیع کمک‌های باقی‌مانده در غزه است، مشکل، محاصره چند ماهه کمک‌ها توسط (رژیم) اسرائیل است که بیش از ۱۰۰ سازمان بشر دوستانه اعلام کرده‌اند باعث «هرج و مرج، گرسنگی و مرگ» می‌شود. و اگرچه مقامات اسرائیلی در آخر هفته اجازه دادند که تعداد کمی از کاروان‌ها تحویل را از سر بگیرند، اما این اقدام برای کسی که روزها غذا نخورده، بسیار کم و برای ده‌ها نفری که از گرسنگی مرده‌اند، بسیار دیر است. به نوشته این روزنامه، در یحبوحه این قحطی ساختگی، واردات سلاح به رژیم صهیونیستی بدون وقفه ادامه یافته است و هزاران پوند بمب، اسلحه و مهمات به این رژیم سرازیر شده است. گزارش جدید فرانچسکا آلبانیز، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور سرزمین‌های اشغالی فلسطین، تأمین‌کننده اصلی این تجهیزات مرگبار را افشا کرده است: ایالات متحده. این افشاکاری با عنوان «از اقتصاد اشغال تا اقتصاد نسل‌کشی»، آشکار می‌کند که چگونه شرکت‌های

پنجره

تسهیلگران جنایت

نقش شرکت‌های بزرگ آمریکایی در غزه

بزرگ آمریکاییی در ازای میلیاردها دلار درآمد، مشتاق تسهیل جنایات اسرائیل در غزه بوده‌اند. همچنین، همدستی غیرقابل انکار آمریکا در آنچه که به‌عنوان بدترین بحران انسانی قرن بیست‌ویکم توصیف شده است را آشکار می‌کند. سودجویی از جنگ پدیده‌ای به قدمت خود جنگ است، اما تحقیقات آلبانیز نشان می‌دهد که مجتمع نظامی-صنعتی- فناوری در حال کسب درآمد‌های وحشتناک و منحصر به فرد در فلسطین است. آلبانیز شرح می‌دهد که شرکت‌هایی به رهبری «لاکهیدمارتین»، جت‌های جنگنده‌ای برای (رژیم) اسرائیل ساخته‌اند که بمباران‌هایی انجام داده‌اند که تقریباً دویست هزار فلسطینی را کشته یا زخمی کرده است. او روشن می‌کند که چگونه تجهیزات «کاترپیلار» خانه‌ها و بیمارستان‌ها را ویران کرده و غیرنظامیانی را که در داخل این سازه‌ها گیر افتاده بودند، تاسر حد مرگ له کرده است. طبق این تحقیقات، گوگل نیز به آمازون پیوسته است تا خدمات محاسبات ابری را با مبلغ قانع‌کننده ۱/۲ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی ارائه دهد. آلبانیز از یک سرهنگ اسرائیلی نقل قول می‌کند که این فناوری را «سلاحی به تمام معنا» می‌نامد، ابری به اندازه هر گاز سمی کشنده.

جنایات جنگی

«ایهود اولمرت»، نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی که در ماه‌های گذشته به شدت از نتانیاهو انتقاد کرده، گفت: «اهداف نظامی (رژیم) اسرائیل مدت‌ها پیش محقق شده و ادامه جنگ، دیگر توجیهی ندارد. ترور (شهید) السنوار می‌توانست نقطه پایانی بر جنگ باشد، اما نتانیاهو برای حفظ منافع شخصی و سیاسی خود، به تداوم درگیری‌ها دامن زده است.» اولمرت خواستار آن شد که نتانیاهو نه در دادگاه لاهه، بلکه در داخل رژیم صهیونیستی، به اتهام ارتکاب جنایات علیه فلسطینیان و حتی اسرائیلی‌ها، تحت پیگرد قانونی قرار گیرد. وی تجاوز نظامی این رژیم به غزه را غیرقانونی و مالاامال از مواردی دانست که مصداق جنایات جنگی هستند.



حل و فصل پایدار

«ژان-نویل بارو»، وزیر امور اروپایی و خارجه فرانسه، گفت: که اعلام‌اخیر «امانوئل مکرون»، رئیس‌جمهور فرانسه، مبنی بر به رسمیت شناختن کشور فلسطین در سیتامبر آینده و در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل، آغاز مرحله‌ای تازه در این مسیر محسوب می‌شود. وی مدعی شد که فرانسه در همکاری نزدیک با آمریکا، در روند اجرای آتش‌بس لبنان و نظارت بر آن از طریق سازوکار مشترک نقش‌آفرینی کرده است. وزیر خارجه فرانسه با اشاره به موضوع برنامه هسته‌ای ایران، اعلام کرد که حل‌وفصل پایدار این مسئله نیازمند راه‌حلی از طریق مذاکره در چارچوب پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است.



یادداشت

دولت و مدیریت بازار

حمید حاج اسماعیلی

کارشناس بازار کار

در مباحث مطرح شده میان سه ضلع کارگران، کارفرمایان و دولت بارها موضوع افزایش حقوق و دستمزد به ویژه برای کارگران و کارمندانی که به ویژه در طول یک سال درآمد ثابتی دارند بنا به افزایش نرخ تورم مطرح شده است اما تاکنون اراده‌ای در دولت‌ها برای عمل به نص صریح قانون، یعنی افزایش دستمزدها متناسب با تورم و افزایش هزینه‌ها دیده نشده است.

آنچه در این موضوع حائز اهمیت است اینکه نرخ دستمزد باید براساس نرخ تورم تعیین شود. عقب ماندن سفره و سبد معیشتی کارگران از هزینه‌های فزاینده و تورم‌هایی که آمار آن به زعم نهاده‌ها و مراکزآماده‌ی در حال بالا رفتن است به صلاح کشور نیست زیرا بخش قابل توجهی از مردم کشور مشمول کارگران خانوادگی آنها می‌شوند.

این باور در جامعه متأسفانه وجود دارد که برای حل مشکلات کارگران حداقل در تأمین بخشی از سبد معیشتی و رفاه آنها اراده‌ای وجود ندارد یا کارگران گروهی هستند که هیچ‌گاه در مرکز توجه جدی دولتمردان برای رسیدگی و تحقق مطالبات آنها قرار نداشته‌اند.

این موضوع نباید به باور عمومی در جامعه تبدیل شود. در صورتی که طبقه متوسط جامعه ناامید شود و طبقه ضعیف جامعه راهی برای عبور از فشار بحران‌های ریز و درشت اقتصادی پیش روی خود نبیند نباید شک کرد جامعه دستخوش تحولات بیشماری می‌شود که امنیت را از آن سلب می‌کند.

دولت برای کاهش نرخ تورم با بانک مرکزی باید برنامه داشته باشند. نمی‌توان انتظار داشت در طول یک سال با درآمد مشخصی هر هفته و هر ماه شاهد افزایش قیمت‌ها بود.

بعد از جنگ تحمیلی دوازده روزه رژیم صهیونی علی‌رغم مقاومت مردم در برابر دشمن شاهد افزایش قیمت‌ها هستیم. افزایش نرخ نان و برنج به عنوان قوت غالب جامعه بسیار نگران‌کننده شده است. به نحوی که قیمت برنج صرفاً در یک ماه چیزی حدود ۲۵ درصد افزایش داشته است دولت باید به این حوزه‌ها ورود کند و ضمن برخورد با مافیایی که متأسفانه در تأمین و توزیع کالاها ی اساسی و قیمت‌گذاری آن دستی بسر آتش دارد زمینه‌ساز توزیع صحیح کالاها به صورت تعاونی با نرخ‌های تعدیل شده به مردم باشد. در صورتی که این راهبرد در دستور کار دولت قرار نگیرد و فشار معیشتی بسان سایر فشارها پیش از پیش جامعه را تحت فشار قرار دهد این موضوع محتمل است که نارضایتی‌ها افزایش یابد.

دولت باید در توزیع عادلانه ثروت، اصلاحاتی اساسی را در دستور کار قرار دهد. دست مافیایی که مانع کاهش نرخ‌ها و فروش کالاها با قیمت‌های بالا به مردم می‌شود را از اقتصاد ایران کوتاه کند.

دولت باید تلاش کند حقوق عامه مردم را به رسمیت بشناسد، نمی‌توان انتظار داشت عده‌ای اقتصاد را تحت تملک خود داشته باشند و مردم را تحت فشار قرار دهند؛ اما کارگر در طول یک سال با کمترین افزایش حقوق و دستمزد زندگی خود را تأمین کند و اعتراضی به رویه‌ای نداشته باشد که متأسفانه طبقه ضعیف و کارگران را تحت فشار معیشتی شدیدی قرار داده است.



ساحل عباسی

خبرنگار

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق و کارشناس مسائل اقتصادی گفت: «اگر چه سفته‌بازی و خرید کالا به قصد فروش به قیمت بالاتر نوعی سوداگری و اقدامی غیر اخلاقی است، اما سوداگر یا سفته‌بازی که ماحصل زحمت خود را به طلا یا خودرو تبدیل می‌کند تا ارزش پولش کاهش نیابد یا حتی سود کند نباید تحت فشار و رصد قرار بگیرد و مجازات شود زیرا دولت این گرانی را به وی تحمیل کرده لذا در گام اول دولت باید پاسخگوی ناتوانی خود در کاهش تورم باشد.»

«کامران ندری»، کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی و عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی در گفت‌وگو با صبح صادق در خصوص واقعیات اقتصادی مرتبط با سفته‌بازی و آنچه در اقتصاد ایران به دلیل تورم بدان توجه نمی‌شود به اصولی اشاره کرد که مختص علم اقتصاد است، وی در این باره گفت: «قبل از هر موضوعی و تصویب اینکه سوداگری و سفته‌بازی چیست که با آن مبارزه کنیم، باید تعریف درستی از سوداگری و سفته‌بازی ارائه دهیم. این تعریف هم باید براساس ادبیات علم اقتصاد و نه ادبیات خودمان باشد، آن زمان است که متوجه می‌شویم آیا باید با سفته‌بازی مقابله‌ای صورت داد یا خیر؟»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «سوداگر در اقتصاد به کسی گفته می‌شود که در معاملات خود این امکان را برای دیگران در بازارهای مختلف فراهم می‌کند که هر زمان مایل به فروش دارایی خود بودند یا مایل به خریداری دارایی بودند، در اسرع وقت فعالیت و داد و ستد خود را انجام دهند. به بیان دیگر وجود سوداگری در بازار باعث نقدپذیر شدن دارایی‌ها می‌شود.»

کامران ندری در این باره خاطر نشان کرد: «اما در ادبیات اقتصادی ایران اصولاً سفته‌باز مورد

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق در گفت‌وگو با صبح صادق

تورم عامل اصلی سفته‌بازی است



می‌کند، یعنی به واسطه وجود این افراد در بازار مردم می‌توانند خودروی خود را سریعتر تبدیل به پول کنند زیرا اگر سفته‌بازان در بازار حضور نداشته باشند ممکن است خرید و فروش کالایی مثل خودرو سخت شود.»

این عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) معتقد است: «از سوی دیگر می‌توانیم فرض کنیم اینها نقش نوسان گیر را در بازار خودرو بر عهده گرفته‌اند؛ بنابراین اینکه تصور شما این است هر کسی خرید و فروش خودرو می‌کند یا کارش خرید و فروش خودرو است یک فرد مخل نظم اقتصادی است. درست نیست زیرا این برداشت‌ها با آنچه علم اقتصاد ارائه داده بسیار مغایرت دارد.»

ندری یادآور شد: «تورم عامل اصلی ایجاد سفته‌بازی در اقتصاد است. اما سفته‌بازی که در اقتصاد ما جا افتاده و مورد مذمت قرار گرفته نه تنها ناشی از عملکرد مردم و سفته‌بازان نیست، یعنی آنها نباید مذمت شوند، بلکه کسانی که تورم را ایجاد کردند و سیاست‌ها و مدیریت اقتصادپیشان به گونه‌ای بوده که هر روز زمینه‌ساز افزایش تورم شده‌اند باید مورد انتقاد قرار بگیرند.»

ندری معتقد است: «خرید و فروشی که در بازارهای ایران با عنوان سفته‌بازی مورد نکوهش قرار می‌گیرد؛ برای درآمدزایی صرف نیست، یا دنبال تسهیل‌گری در خرید و فروش و کسب درآمد مانند آنچه در خارج از ایران انجام می‌شود نیست، بلکه بخش زیادی از آن ناشی از نگرانی مردم در موضوع کاهش ارزش پول ملی و تلاش آنها برای از دست رفتن قدرت و ارزش پولشان است.»

وی خاطر نشان کرد: «با توجه به این تعریف سوداگر یا سفته‌بازی که ماحصل زحمت خود را به طلا یا خودرو تبدیل می‌کند تا ارزش پولش کاهش نیابد، نباید تحت فشار و رصد قرار بگیرد و مجازات شود؛ زیرا دولت این گرانی را به وی تحمیل کرده لذا دولت باید پاسخگوی ناتوانی خود در کاهش تورم باشد.»

از حدی پایین‌تر می‌آید سفته‌بازان خرید را شروع می‌کنند و باز قیمت را به قیمت تعادلی برمی‌گردانند، مثل عنوان نوسان‌گیر در ادبیات فارسی؛ که منجر به کاهش قیمت و نوسان‌گیری در بازار می‌شوند؛ پس اگر از این زاویه هم عملکرد آنها را نگاه کنیم فایده دارد. در واقع وجود این افراد در اقتصاد شر مطلق نیست و فوایدی هم برای اقتصاد دارد برای همین است که در ادبیات اقتصادی جهان این مفهوم پذیرفته شده است.»

این استاد اقتصاد معتقد است: «به نظر من معنای واقعی کلماتی چون سوداگر یا سفته‌باز در ادبیات علم اقتصاد مفهومی پذیرفته شده است، اما در برگردان فارسی آن تخریب شده است. علم اقتصاد معنای متفاوتی از کارکرد سوداگر در بازارها دارد. یعنی به شرط اینکه اقتصاد متورم نباشد سوداگری را بد نمی‌داند بلکه در جهانی برای نقد شوندگی و برای اقتصاد مفید است.»

ندری یادآور شد: «با توجه به مطرح شدن تصویب طرح مالیات برعایدی سرمایه در شورای نگهبان باید به این نکته اشاره شود. در تعریف از سوداگری و سفته‌بازی اول باید منظور خود را از فعالیت سوداگرانه و سفته‌بازانه به درستی براساس اصول علم اقتصاد تعریف کنیم. در تولید نیز افرادی تحت عنوان تولیدکننده مواد اولیه را خریداری می‌کنند؛ اما با افزایش قیمت مواد اولیه آن را با نرخ‌های بالاتر به تولیدکننده دیگری می‌فروشند. یعنی نام تولیدکننده را یدک می‌کشند؛ اما اقداماتی سوداگرانه می‌کنند که اتفاقاً به شدت مخرب‌تر است. بنابراین اینکه بگویید کسی که خودرو خرید و فروش می‌کند یا اصطلاحاً دلال خودرو است، فعالیت مخربی دارد به نظر درست نیست، حالا ممکن است این فعالیت تولیدی و ارزش آفرین نباشد؛ اما مخرب هم نیست زیرا کسی که خودرو خرید و فروش می‌کند چند فایده دارد. اولین فایده اینکه خودرو را در اسرع وقت به کالای نقدی تبدیل

مذمت قرار می‌گیرد، در حالی که سفته‌باز نباید مورد مذمت باشد؛ زیرا به مردم جامعه کمک می‌کند دارایی‌های آنها به سرعت تبدیل شوند و قدرن نقدشوندگی داشته باشند. من نمی‌خواهم از این افراد یا فعالیت‌ها حمایت یا دفاع کنم اما معتقدم وجود این افراد در اقتصاد طبیعی است مسئله و مشکل اصلی اقدامات دولت‌ها است که باعث قدرت گرفتن این افراد می‌شود و گر نه اصل وجود آنها موضوعی پذیرفته شده است. متأسفانه یکی از چالش‌های ما در اقتصاد ایران این است که وقتی قصد فروش دارایی را داریم با مشکلاتی مواجه می‌شویم در حالی که در خارج از کشور به دلیل وجود سفته‌بازان این امکان بسیار مهیاست و کسی به خاطر خرید یا فروش دارایی تحت فشار و رصد و مجازات قرار نمی‌گیرد.»

وی معتقد است: «وقتی امکانی برای فروش دارایی باشد، در زمانی که من و شما نیازمند دسترسی سریع به پول هستیم اینجا ضرورت حضور سفته‌بازان در بازار معنا پیدا می‌کند، به این خاطر فقدان سفته‌بازان در بازار اتفاقاً سخت است. پس در ادبیات اقتصادی سفته‌بازی فایده بسیار مهمی در نقد شوندگی دارایی‌ها به دنبال دارد.»

این کارشناس اقتصادی گفت: «وقتی هدف این باشد؛ سفته‌باز در تعریف علم اقتصاد نباید جریمه شود؛ زیرا این فرد نه تنها مستحق جریمه شدن نیست بلکه در حال ارائه خدمتی به اقتصاد است»

این استاد اقتصاد تأکید کرد: «یکی دیگر از فواید سوداگر در ادبیات اقتصادی این است که به دلیل فعالیت سفته‌بازان در بازارهای مختلف قیمت‌ها تعدیل می‌شود؛ زیرا این افراد ذخیره انباری دارایی‌های مختلف دارند لذا وقتی قیمت از نرخ تعادلی بالاتر می‌رود. سفته‌بازان وارد بازار می‌شوند و مبادرت به فروش می‌کنند.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی تصریح کرد: «از سوی دیگر هر زمان قیمت

شاخص

حذف دلار

پس از آغاز جنگ اوکراین و تحریم‌های روسیه از سوی غرب، تلاش‌های این کشور برای حذف دلار از تجارت خارجی به‌گونه‌ای شتاب گرفته است که سهم روبل در این تجارت طی ماه مه به ۵۰/۷ درصد رسید و برای اولین بار از آستانه ۵۰ درصد عبور کرد. این در حالی است که تقاضا برای یورو و دلار آمریکا در تجارت خارجی روسیه به شدت کاهش یافته است. بر اساس اعلام بانک مرکزی روسیه، سهم روبل در این تجارت طی ماه مه نسبت به ماه قبل از آن ۲ درصد افزایش یافت. البته سهم روبل در صادرات به اروپا ۲/۳ واحد درصد کاهش یافته و به ۵/۸ درصد رسید.



افزوده

صندوق مختلط

«صندوق مختلط» یکی از انواع صندوق‌های سرمایه‌گذاری موجود در بازار سرمایه است که حداقل ۴۰ درصد و حداکثر ۶۰ درصد پرتفوی خود را به سهام و مابقی را به اوراق با درآمد ثابت اختصاص می‌دهد. از نظر بازدهی نیز این صندوق بازدهی بین صندوق سهامی و صندوق درآمد ثابت را دارد. این صندوق‌ها با دید میان‌مدت اغلب بازدهی بالاتری از سپرده‌های بانکی و صندوق‌های با درآمد ثابت کسب می‌کنند؛ اما به‌طور کلی رویکرد محافظه‌کارانه خود را حفظ کرده و حدود نیمی از دارایی را در اوراق با ریسک پایین و اوراق با درآمد ثابت سرمایه‌گذاری می‌کنند.



منهای نفت

صادرات چای

یکی از محصولاتی که در جنگ دوازده روزه، بدون محدودیت، محصول به بازار عرضه شد صنعت نوشیدنی‌ها و قهوه بود که حتی افزایش تولید هم داشت. صنعت نوشیدنی نیز سال گذشته ۶ درصد در تولید و ۱۳ درصد در صادرات رشد داشته است و این روند در سه‌ماهه نخست امسال نیز ادامه یافت به گونه‌ای که صادرات چای در سه‌ماهه نخست امسال ۴۵۵۹ تن چای به ارزش حدود ۵/۵ میلیون دلار به ۲۱ کشور ترکیه، فدراسیون روسیه، هند، عراق، ترکمنستان، تاجیکستان، آلمان، گرجستان، ازبکستان، قزاقستان، پاکستان، اسپانیا، جمهوری آذربایجان، افغانستان، امارات متحده عربی، انگلستان (بریتانیا)، ارمنستان، عمان، کانادا، کویت و لهستان بوده است.



خدا همه عظمتش را به اباعبدالله(ع) داده است

گفتاری از آیت‌الله غلامعلی صفایی بوشهری



بیت(ع) و ائمه(ع) گفتند ما کشتی نجات هستیم، «ولکن سفینة جدی الحسین أوسع و فی لبحج البحار أسرع»؛ می فرماید: «ما همه کشتی نجاتیم اما اباعبدالله الحسین(ع) جد ما چیز دیگری است. این کشتی وسعتش زیاد است. این یک نکته مهم دارد یعنی هر کسی می تواند در این فضا قرار بگیرد. وسعت بسیار بالایی دارد. به همین جهت اولین نکته محب الحسین که می شود محبوب خدا در روایت‌ها داریم تصریح کرده است، ساحت مقدس

برخی امور هست که انسان در فضای حیات دنیوی که یک حیات سرنوشت‌ساز است، برای انسان هم سرنوشت‌ساز است برای پردازش شخصیت و هم سرنوشت‌ساز است. برای نتایج و بهره‌مندی آن در عالم برزخ و آخرت، حیات دنیوی انسان فوق‌العاده مهم است ثانیه به ثانیه آن ارزشمند است ولی قهراً از دست می‌رود. این طور نیست که انسان خودش مدیریت عمر و زمان حیاتش کند عمر لحظه به لحظه از بین می‌رود... بنابراین در دنیا انسان باید فوق‌العاده با درایت و عقلانیت کشف کند که مسیر کمال انسان و نجات و سعادت انسان تمدن آفرینی در دنیا و از آن طرف دارا شدن یک شخصیت فوق‌العاده ارزشمند در حیات برزخی و اخروی چه چیز است و به شدت در کسب آن کوشش کند در یک کلام کاری کند که محبوب خدا شود. یکی از این راهکارها که فوق‌العاده است و شاید بشود گفت جامع جمیع راهکارها و طرق محبوبیت الهی انسان است. محبت و محبوب خود قرار دادن حضرت اباعبدالله الحسین(ع) است. می‌شود گفت که همه چیز است. طریق است. هم خودش هدف، هم شتاب دارد. ساحت مقدس امام صادق(ع) فرمودند: «کلنا سفن النجاة»؛ همه ما انبیا اهل



در منظومه اسلام ناب، «قدرت‌نمایی» نه مفهومی صرفاً نظامی یا نمایشی بلکه راهبردی الهی برای اقامه حق، حفاظت از دین، و دفاع از مظلومان است. قرآن کریم مؤمنان را به تجهیز قوا و آمادگی برای ترساندن دشمنان دعوت می‌کند: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (انفال/ ۶۰) این دستور الهی، ریشه‌ای عمیق در سیره پیامبران و در خشش‌هایی در تاریخ اسلام دارد که نشان می‌دهد قدرتمندی و حتی قدرت‌نمایی، نه تنها نشانه ضعف نیست، بلکه از ایمان سرچشمه می‌گیرد و امری لازم برای دور کردن دشمنان به حساب می‌آید. قدرت‌نمایی انبیا، گاه در قالب معجزه، گاه در ایستادگی شجاعانه در برابر طواغیت و گاه در حرکات نمادین جلوه‌گر می‌شد. حضرت موسی(ع) با عصایی که به‌اذن خدا اُزده‌اشد، قدرت‌نمایی نکرد تا دل‌ها را برپاید، بلکه تا طاغوت زمانه‌اش را به زانو درآورد. «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ» (شعراء/۳۲) این نمایش قدرت نه برای فریب خلق، بلکه برای شکستن هیبت فرعون و پرهیز از جنگ مستقیم بود؛ چراکه قدرت‌نمایی به‌موقع، گاه جنگ را بی‌نیاز می‌سازد. در جریان تبلیغی حضرت ابراهیم(ع)، قدرت‌نمایی به شکل شکستن بت‌ها رخ

داد. حرکتی نمادین اما قاطعانه در برابر قدرت پورشالی نمرود و آیین شرک. ابراهیم جوان، تنها و بدون سپاه، بت‌ها را درهم شکست و تیر را بر دوش بت بزرگ انداخت. این اقدام نه خشونت‌طلبانه، بلکه پیامی روشن برای اقامه توحید بود. قرآن می‌فرماید: «فَرَأَ عَالِيهِمْ ضَرِبًا يُالْتَمِينَ» (صافات/۹۳) او به آنها ضربتی وارد کرد، ضربتی معرفتی، کوبنده به بتها و هدایت‌گر برای بت‌پرستان؛ در سیره رسول خدا(ص) نمونه کامل و متعادل قدرت‌نمایی در اسلام است. از ابتدای بعثت، پیامبر با آنکه در اقلیت بود، لحظه‌ای در اظهار دین و ایستادگی عقب ننشست. «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»؛ پس آنچه را به آن مأموری اظهار کن و از مشرکان روی بگردان. (حجر/۹۴) یعنی پیامبر اسلام(ص) مأمور به صراحت در دعوت و مقابله با فشارهای مشرکان بود. حتی در زمان ضعف، حضور پیامبر اسلام(ص) در بازارهای عمومی، قرائت بلند قرآن در کنار کعبه و سخنرانی‌های روشنگرانه در موسم حج، همه نوعی قدرت‌نمایی فرهنگی بود؛ نمایش شجاعت کلامی در برابر طوفان تمسخر و تهدید. اراده پیامبر اسلام(ص) خود نشانی مهم در حق بودن ایشان محسوب می‌شد. در جنگ بدر، مسلمانان اندک و ضعیف بودند اما پیامبر(ص) پیش از آغاز نبرد با سامان‌دهی دقیق صفوف، تعیین پرچم‌داران، و آمادسازی روحی یاران، قدرتی فراتر از عدد نشان داد. شب قبل از جنگ، پیامبر با اشک و دعا و تهجد، قوّت قلب یاران را تضمین کرد و فرمود: «اللهم إِنْ تهلك هذه العصابة لأُتعبد في الأرض بعد اليوم...» این دعا،

قدرتی بود که از ایمان سرچشمه می‌گرفت. در فردای آن روز، همان مسلمانان اندک، با فرشتگان یاری شدند: «إِذْ تَسْتَفِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَوِّقِينَ» (انفال/۹) نمونه دیگر، فتح مکه است؛ اوج قدرت‌نمایی بدون خون‌ریزی. پیامبر اسلام(ص) با ده‌هزار نفر از یاران، به‌سوی مکه آمد، مشعل‌داران را فراخواند تا آتش‌ها را در دامنه‌ها بیفروزند تا هیبت سپاه اسلام چشم دشمن را بگیرد. در آن شب، ابوسفیان که هیمنه اسلام را دید، گفت: «ملك ابن أخيكم عظيم» عباس گفت: «نه، این نبوت است!» پیامبر(ص) مکه را فتح کرد اما شعارش «الْيَوْمَ يَوْمُ الْمُزْحَمَةِ» بود، نه انتقام اما این رحمت از دروازه هبت گذشت. حماسه‌سازترین نمونه قدرت‌نمایی در تاریخ اسلام، کربلا است؛ قیامی که امام حسین(ع) در اوج مظلومیت، با خون خود، قدرت معنوی اسلام را نمایان کرد. او در برابر سپاه یزید ایستاد و با خطبه‌های آتشین در منا، کربلا و شب عاشورا، به‌روشنی اعلام کرد که راه او راه پیامبر(ص) و علی(ع) است. امام(ع) نه‌تنها در میدان نبرد، بلکه در نگاه نافذش، خطبه‌اش، سکوتش و حتی در عطش‌اش، قدرتی را نمایاند که هزاران فکر از درک آن عاجز بودند. این قدرت‌نمایی حسینی، امروزه در راهپیمایی اربعین به اوج خود رسیده است. حرکتی که نماد «قدرت نرم» شیعه در عصر مدرن است. اگر رسول خدا(ص) در عصر خود با صفوف نماز، وحدت مؤمنان را نمایش می‌دادند، امروز شیعه با صفوف میلیونی عاشقان حسین(ع) در اربعین، جانیان را به حیرت وا داشته است. اربعین،

تمرینی است برای ایستادگی؛ برای اتحاد بی مرز؛ برای اخوت فرامذهبی. وقتی میلیون‌ها نفر از قومیت‌ها، نژادها و کشورها، با پای پیاده، بدون شعار سیاسی یا منفعت شخصی، تنها با یک «لیک یا حسین(ع)» به راه می‌افتند، این یعنی اعلان جهانی حق طلبی. دشمنان خدا این صحنه را می‌بینند. رسانه‌های غربی از زنجیره انسانی اربعین می‌هراسند، چون پیام آن را فهمیده‌اند: شیعه نه خسته، نه منفعل، نه منزوی بلکه سرزنده، مقاوم، جهانی و آماده ایستادگی است. پیاده‌روی اربعین، نمایش تسلیم‌ناپذیری در برابر استکبار است؛ آن‌جا که میلیون‌ها انسان، در بیابان‌های داغ عراق، با لب‌های خشک ولی دل‌هایی سرشار از ایمان، گام برمی‌دارند تا بگویند: «ما اهل کوفه نیستیم»؛ یعنی ما اهل سکوت در برابر ظلم نیستیم. امروز اربعین، قدرت‌نمایی تمدنی شیعه است. حرکتی که با تمام سادگیش، بیش از هر رزمایش نظامی، دشمنان اسلام را نگران کرده است. امروز صفوف میلیون‌ها عاشق، خواب راحت را از دشمنان انسانیت ربوده است. پیامبر اسلام(ص) فرمودند: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهُدَى وَسَفِينَةُ النَّجَاةِ»؛ کشتی نجات یعنی جای امن، یعنی قدرت معنوی در طوفان‌ها و راهپیمایی اربعین، احیای این کشتی است. اگر مظلومان غزه امروز با سنگ در برابر تانک ایستاده‌اند، الهام‌گرفته از کربلا و قدرت‌نمایی حسین(ع) هستند. اگر جوان لبنانی، یعنی یا بحرینی از مرگ نمی‌هراسد، به‌خاطر آن است که در اربعین، تجربه کرده که تنها نیست، امت پشت سر اوست.

تاریخ نگار

برادر رسول خدا

فتح خیبر در سال ۷ هجری از جمله رویدادهای مهم تاریخ اسلام است. در جریان فتح خیبر، پیامبر اسلام(ص) امام علی(ص) را به‌عنوان وزیر و برادر خود معرفی کردند. «حسان بن ثابت»، شاعر مشهور مسلمان، در اشعار خود به این واقعه اشاره کرده و از امام علی(ع) به عنوان فردی یاد می‌کند که خداوند به دست او قلعه‌های خیبر را فتح کرد. معرفی امام علی(ع) به‌عنوان وزیر و برادر از سوی پیامبر(ص) در جریان فتح خیبر، نه‌تنها نشان‌دهنده جایگاه ویژه ایشان در نزد پیامبر(ص) بود، بلکه تأکیدی بر نقش ایشان در پیشبرد اهداف اسلام و دفاع از آن محسوب می‌شد.



احکام

ترتیب نماز!

پرسش: به استناد بعضی از کتاب‌های فقهی، گفته شده که معمولاً در روزهای هفتم خرداد و بیست‌ونجم تیر، آفتاب به‌طور عمودی بر کعبه می‌تابد. آیا در این هنگام، تشخیص جهت قبله با نصب شاخص در زمانی که صدای اذان مکه بلند می‌شود، امکان دارد؟ اگر جهت قبله در محراب مساجد با جهت سایه شاخص اختلاف داشت، کدام یک صحیح‌تر است؟ آیا اعتماد بر قبله‌نامصحیح است؟

پاسخ: اعتماد بر شاخص یا قبله‌نما در صورتی که موجب اطمینان برای مکلف شود، صحیح است و باید طبق آن عمل گردد و در غیر این صورت به هر طرف که گمان بیشتر می‌یابد، نماز بخواند؛ مانند گمانی که از محراب به‌دست می‌آید.

آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای
اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۳۶۵

* یعنی در روز بیست‌وهشتم ماه پنجم و روز شانزدهم ماه هفتم از سال میلادی.

دین

شماره ۱۱۹۹ | دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۴

صداقت

آیه

همدلی و همراهی در اربعین

سیدمرتضی رضایی

کارشناس علوم اسلامی

در نگاه اسلام، انسان نه موجودی صرفاً روحانی و نه تنها مخلوقی مادی بلکه آمیخته‌ای از جسم و روح است که باید در مسیر بندگی خداوند حرکت کند. این دو بُعد اگر در کنار هم قرار گیرند و با هم هماهنگ شوند، انسان به کمال می‌رسد و جامعه انسانی نیز به همین واسطه به‌سوی تکامل حرکت خواهد کرد. در آیه‌ای از سوره آل‌عمران آمده است: «آنان که خدا را در هر حال یاد می‌کنند؛ ایستاده، نشسته و درازکش»، ظاهر آیه جسم را در نظر دارد اما در باطن آیه مفهومی بالاتر را می‌بینیم که الهی و انسانی بودن در تمام حالات زندگی را توصیه می‌کند. یعنی در تمام حالات جسمی، روح باید بیدار و ذاکر باشد. خداوند به حرکت‌های جمعی مسلمانان یک‌سویه نگاه نمی‌کند؛ هم حرکت ظاهری جمعی را می‌خواهد و هم در باطن آن حرکت معانی و مفاهیم الهی، انسانی و اخلاقی را مدنظر دارد. در قرآن آیاتی وجود دارد که به‌وضوح نشان می‌دهند چگونه یک حرکت جمعی، اگر با نیت پاک و همراهی دل و عمل صورت گیرد، می‌تواند آثار عظیم اجتماعی، فرهنگی و معنوی بر جای بگذارد. خداوند در سوره صف می‌فرماید: «خدا کسانی را دوست دارد که صف زده در راه او جهاد می‌کنند [و از ثابت قدمی] گویی بنایی پولادین و استوارند.»(صف/۴) خداوند در این آیه نه‌تنها اصل مبارزه در راه حق را می‌ستاید، بلکه بر کیفیت آن نیز تأکید دارد: صف‌آرایی، انسجام و اتحاد، یعنی یک حرکت منظم و هدفمند که از دل آگاهی، ایمان و روحیه جمعی برمی‌خیزد. این انسجام، نشانه بلوغ روح جمعی جامعه مؤمنان است. مؤمنان نه تکرورهایبی منزوی‌اند و نه سربازانی کور و بدون منطق انسانی و اخلاقی؛ بلکه در صنی مستحکم چون بنایی آهنین، برای خدا به پا می‌خیزند. اگر انسان در مسیر بندگی، تنها بر بعد جسمی تأکید کند، گرفتار ظاهرگرایی و خشک مقدسی می‌شود و اگر تنها به‌روح و باطن بپردازد، بی‌عمل و منفعل خواهد شد. قرآن این دو را به‌هم پیوند می‌دهد. حرکت جمعی در قرآن امری مقدس است زیرا تنها راه فردی برای رسیدن به خدا کافی نیست، بلکه انسان در جامعه و جمع است که رشد می‌کند. خداوند در سوره مائده می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى». همکاری و هم‌افزایی در امور نیک، یعنی حرکت دسته‌جمعی در مسیر نیکی و خیر؛ این همکاری فقط به‌معنای دستگیری مالی نیست؛ بلکه شامل حرکت علمی، فکری، فرهنگی، اقتصادی و نظامی نیز می‌شود. جامعه ایمانی، یک پیکر واحد است، چنان‌که پیامبر اعظم(ص) می‌فرمایند: «مؤمنان در دوستی، عطفوت و مهر ورزی نسبت به هم چونان یک پیکرند؛ که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا را بی‌خوابی و تب فرا می‌گیرد.»؛ در حقیقت، راهپیمایی اربعین نمونه عینی آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» است. این جماعت، به ریسمان ولایت و محبت اهل بیت(ع) چنگ زده‌اند و در راه حق به‌پا خاسته‌اند و کمک می‌کنند که بالا بروند و پاک شوند. آثار تربیتی و اخلاقی پیاده روی اربعین قابل شمارش نیست. خصوصاً آنکه مؤمنان در این راه پاک همراه و همدل با هم هستند و به ترفیع در جات یکدیگر کمک می‌کنند.

روایت سقوط

چگونه شبکه نمایش خانگی به میدان ولنکاری فرهنگی بدل شد؟



وقتی ممیزی قربانی می‌شود!

سیدپویا هاشمی

روزنامه‌نگار

شبکه نمایش خانگی قرار بود فرصتی تازه برای روایت‌های خلاقانه، سوژه‌های بکر و دور زدن بوروکراسی باشد و همچنین خونی تازه در رگ‌های تولیدات تصویری ایران شود. اما حالا، در بسیاری از موارد، آنچه از این بستر باقی مانده، تصویری تلخ از نوعی آشفتگی فرهنگی است؛ ترکیبی از ملودرام‌های کلیشه‌ای، عشق‌های بی‌ریشه، روابط پرزرق‌وبرق، و روایت‌هایی که بیشتر از بطن جامعه، از حاشیه‌های بازاریابی کاذب تغذیه می‌کنند.

واقعیت این است که شبکه نمایش خانگی، اگرچه در ابتدا می‌توانست مسیر مستقلی برای رشد داشته باشد، اما به تدریج به بی‌انضباط‌ترین و رهاشده‌ترین بخش تولیدات تصویری کشور بدل شد؛ تا جایی که امروز، بسیاری از آثار آن، نه با شاخص‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی هم‌راستا هستند، نه حتی از نظر فنی و هنری می‌توانند از آزمون نقد سربلند بیرون بیایند.

پرسش اینجاست؛ چرا این‌گونه شد؟ مگر این شبکه قرار نبود بازوی مکمل سینما باشد؟ مگر قرار نبود به فیلم‌سازان جوان و دغدغه‌مند میدان بدهد؟ چرا اکنون محل تاخت‌وتاز داستان‌های سطحی، قهرمان‌سازی‌های مصنوعی و عادی‌سازی خشونت و روابط مسئله‌دار شده است؟ این همه نمایش بدن، نمایش پاده، نمایش رابطه... برای چه و با چه مجوزی تولید و پخش می‌شود؟

بخشی از ماجرا به ضعف نظارت و تنظیم‌گری بازمی‌گردد. سازوکار ناظر، که باید با سیاست‌گذاری هوشمند و مبتنی بر فرهنگ عمومی عمل کند، یا گرفتار تعارضات اداری است یا درگیر چالش‌های ساختاری و حقوقی بسا نهادهای دیگر. نتیجه؟ سریال‌هایی که از نظارت می‌گریزند و در عمل، ارزش‌گریزی و بی‌هویتی را ترویج می‌کنند.

از سوی دیگر، خود تولیدکنندگان نیز گاه به دام «بازارگرایی بی‌اخلاق» افتاده‌اند. از طراحی پوسترهای تحریک‌آمیز تا دیالوگ‌هایی که عملاً مرزهای اخلاقی را درمی‌نوردند، همه‌چیز

فریاد می‌زند که تنها معیار، دیده‌شدن است؛ به هر قیمت ممکن. این دیدگاه، اگرچه شاید در کوتاه‌مدت مخاطب بیاورد، اما در بلندمدت سرمایه اجتماعی و فرهنگی رسانه را به باد می‌دهد.

جای تأسف دارد که برخی منتقدان رسانه، این وضعیت را نه تنها نادیده می‌گیرند، بلکه با چرخش‌های عجیبی، نقش مدافع پیدا کرده‌اند. آنان که روزگاری از «پاکیزگی سینما» دم می‌زدند، حالا یا سکوت کرده‌اند یا واژه‌هایی مانند «آزادی هنری» و «سلیقه مخاطب» را چنان بی‌مرز تفسیر می‌کنند که گویی هیچ خط قرمزی در فرهنگ وجود ندارد.

اما نمی‌توان از آن‌سوی طیف نیز چشم پوشید؛ آن‌جا که عده‌ای با رویکردی افراطی، هرگونه روایت متفاوت را سانسورطلبانه رد می‌کنند و با اعمال فشارهای غیرفنی، فرصت را برای تجربه‌های هنری خلاق نیز تنگ می‌کنند. در چنین معرکه‌ای، قربانی اصلی، همان چیزی است که باید اصل باشد: «فرهنگ ملی» و «اعتبار رسانه».

چه باید کرد؟ مهم‌ترین راه، بازتعریف فوری سازوکار نظارت و تولید در این عرصه است. پلتفرم‌ها باید موظف باشند طبق دستورالعمل‌های شفاف، پاسخ‌گو باشند؛ نه آنکه هر سریالی با هر محتوایی تنها به واسطه سرمایه‌گذار پرنفوذ یا بازیگر چهره، راه انتشار پیدا کند. همچنین، نهادهای فرهنگی باید با گفت‌وگوی منسجم میان نهاد حاکمیت، بدنه کارشناسی و حتی مخاطبان، چارچوبی برای رشد کیفی تولیدات تعریف کنند.

در عین حال، مخاطب نیز باید مسئولیت انتخاب‌گراییانه‌اش را جدی بگیرد. هیچ رسانه‌ای بدون تقاضا دوام نمی‌آورد. اگر مردم بدانند که تماشای یک سریال صرفاً برای «حس فضولی» یا «شوخی با اخلاق» در نهایت به چه تبعاتی می‌انجامد، شاید بخشی از این چرخه از کار بیفتد.

شبکه نمایش خانگی در سال‌های اخیر به یکی از پرنفوذترین و تأثیرگذارترین عرصه‌های تولید محتوای تصویری در ایران تبدیل شده است. این شبکه که ابتدا با هدف فراهم کردن بستری برای آزادی بیان و تولید آثار متفاوت و نوآور شکل گرفت، کم‌کم به بستری برای جولان ولنکاری فرهنگی بدل شده است؛ پدیده‌ای که در آن مرزهای اخلاق، هنجارهای اجتماعی و اصول فرهنگی به راحتی زیر پا گذاشته می‌شود. این وضعیت نه تنها نگرانی نهادهای فرهنگی و مسئولان را برانگیخته، بلکه خانواده‌ها و جامعه را نیز به چالش کشیده است.

از یک سو، پلتفرم‌ها به دنبال جذب مخاطب بیشتر با نمایش محتوای جنجالی و هیجان‌انگیز هستند و از سوی دیگر، نبود نظارت و سیاست‌گذاری هوشمند باعث شده فضای تولید محتوا به سمتی حرکت کند که آسیب‌های جدی فرهنگی و اجتماعی را به همراه دارد. در این گزارش، با نگاهی دقیق و تحلیلی، تلاش می‌کنیم روند شکل‌گیری و رشد این ولنکاری فرهنگی را در شبکه نمایش خانگی واکاوی کنیم، نمونه‌های شاخص آن را معرفی کرده و در نهایت، راهکارهای مؤثری برای بازگرداندن تعادل فرهنگی و ایجاد فضای سالم و مسئولانه پیشنهاد دهیم.

روایت یک انحراف تدریجی

ابتدا شبکه نمایش خانگی به واسطه آثاری مانند شهرزاد توانست مخاطبان را با داستان‌سرایی پیچیده و توجه به دغدغه‌های اجتماعی جذب کند. آن سریال‌ها گرچه محدودیت‌هایی داشتند، اما تلاش می‌کردند به مسائلی مانند روابط خانوادگی، مشکلات اجتماعی و هویت ملی بپردازند و از این طریق، پیوندی معنادار بین مخاطب و اثر برقرار کنند. اما به مرور و با افزایش رقابت میان پلتفرم‌ها، جهت‌گیری تولیدات تغییر کرد و تمرکز بر جذب مخاطب با استفاده از موضوعات جنجالی و تحریک‌کننده جایگزین شد. این تغییر راه را برای تولید محتواهایی باز کرد که اغلب فاقد پیام مثبت و حتی حامل پیام‌های آسیب‌زننده فرهنگی بودند.

خشونت، خیانت، بی‌پناهی

نمونه‌های بارز این تغییرات در سریال‌هایی چون زخم

کاری، پوست شیر، یاغی و اخیراً تاسیان قابل مشاهده است. این آثار، تصویر تاریکی از جامعه ارائه می‌دهند که پر است از خیانت، خشونت و فروپاشی نهاد خانواده. شخصیت‌های اصلی اغلب یا خلافکارند، یا دچار بحران‌های عمیق روانی و اخلاقی، و زن‌ها یا قربانی یا بازیچه‌اند. به‌ویژه تاسیان که با نمایش خانواده‌ای کهنه‌کار و آکنده از فساد و درگیری‌های درونی، هیچ نشانه‌ای از امید یا راه نجات ارائه نمی‌دهد و بیشتر بر سقوط و شکست تأکید دارد. این نوع روایت‌ها مخاطب را نه تنها در برابر مسائلی واقعی بلکه در مقابل تصویری تحریف‌شده و اغراق‌شده قرار می‌دهند که بیشتر به هیجان‌فروشی شبیه است تا بازتاب واقعیت.

پلتفرم یا پمپازگر؟

پلتفرم‌های اصلی نمایش خانگی مانند فیلیمو و نماوا در این میان نقش مهمی ایفا می‌کنند. این مجموعه‌ها به جای آنکه ناظر و سیاست‌گذار محتوا باشند، بیشتر نقش فروشنده‌ای را دارند که هر آنچه فروش می‌رود، عرضه می‌کند. این رفتار باعث شده است که محتوای پر از خشونت، بلذباتی و روابط ناهنجار بیشتر دیده و تبلیغ شود و محتواهایی که بر ارزش‌های خانواده، امید و اخلاق تأکید دارند، کم‌رنگ و نایاب شوند. رقابت تجاری و نگاه صرفاً اقتصادی، پلتفرم‌ها را به عرصه‌ای برای جولان ولنکاری فرهنگی تبدیل کرده است.

فرهنگ بی‌صاحب، رسانه بی‌راهبرد

مسئله فقط پلتفرم‌ها نیستند؛ نبود نهاد نظارتی قوی و معیارهای مشخص فرهنگی و اخلاقی نیز به تشدید این وضعیت دامن زده است. نهادهایی مانند ساترا، وزارت ارشاد و صداوسیما یا ورود مؤثری ندارند یا برخورد هاشان بی‌اثر است. وقتی معیارهای مشخصی برای تعریف «محتوای سالم» یا «خط قرمزهای فرهنگی» وجود ندارد، تصمیمات سلیقه‌ای می‌شود و ایسن خود منجر به سردرگمی و بی‌نظمی بیشتر می‌گردد. این وضعیت باعث شده است فضای تولید محتوا به جای تعامل سازنده و ارتقاء فرهنگی، تبدیل به میدان بی‌قانونی و ولنکاری شود.

از سانسور ترسید، از بی‌قانونی بترسید

یکی از اعتراض‌هایی که همواره در این حوزه مطرح

است، ترس از بازگشت سانسورهای سختگیرانه است. واقعیت اما این است که آزادی خلاقیت با ولنکاری فرهنگی تفاوت دارد. آنچه در شبکه نمایش خانگی می‌بینیم نه آزادی بلکه غیردستیاری و بی‌نظمی است. نبود سیاست‌گذاری هوشمند و خط‌کشی‌های دقیق باعث شده فضای تولید محتوا به سمت عبور از همه مرزهای اخلاقی و فرهنگی حرکت کند. بنابراین باید میان آزادی هنری و رعایت قواعد فرهنگی توازن ایجاد شود تا مخاطب هم در معرض محتوای آسیب‌زننده قرار نگیرد و هم هنرمند امکان بیان نظرات و خلق آثار ناب را داشته باشد.

نمایش عادی‌سازی انحراف

مشکل بزرگ‌تر از نمایش خود ناهنجاری‌ها، عادی‌سازی آنها در ذهن مخاطب است. سریال‌هایی مانند یاغی و زخم کاری خیانت را امری هیجان‌انگیز و گاه قابل تحسین جلوه می‌دهند. پوست شیر خشونت را به نوعی قهرمان‌سازی بدل می‌کند و تاسیان نهاد خانواده را به حاشیه می‌راند. این روند به تدریج تصویر غلطی از واقعیت اجتماعی ارائه می‌دهد که ممکن است در بلندمدت آسیب‌های جدی به فرهنگ و اخلاق جامعه وارد کند.

راه‌حل: تنظیم‌گری هوشمند، نه خط‌کشی کور

شبکه نمایش خانگی فرصتی بزرگ برای روایتگری خلاقانه و توسعه فرهنگ تصویری در ایران است؛ اما اگر این ظرفیت بدون ضابطه و بی‌نظارت رها شود، می‌تواند به تهدیدی جدی برای بنیان‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه بدل گردد. ولنکاری فرهنگی که امروز شاهد آن هستیم، محصول فقدان سیاست‌گذاری دقیق، نظارت هوشمند و معیارهای مشخص فرهنگی است. برای جلوگیری از آسیب‌های بیشتر، لازم است تنظیم‌گری هوشمندانه و مبتنی بر ارزش‌های ملی و اجتماعی شکل گیرد که هم آزادی خلاقیت هنری را تضمین کند و هم مانع از تولید محتوای مخرب و آسیب‌زننده شود. تنها با همکاری نهادهای نظارتی، تولیدکنندگان محتوا و جامعه می‌توان مسیر سالم و فرهنگی شبکه نمایش خانگی را تضمین کرد و آینده‌ای روشن برای رسانه‌های تصویری کشور رقم زد.



چرا نظارت بر نمایش خانگی ناکارآمد است؟

مصطفی وثوق کیا در گفت‌وگو با صبح صادق



شبکه نمایش خانگی طی سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تولید محتوای فرهنگی و هنری در ایران تبدیل شده است. این فضا که زمانی محدود و کمتر شناخته شده بود، اکنون با رشد سریع تولیدات و افزایش مخاطبان، نقش کلیدی در شکل‌دهی به فرهنگ عمومی ایفا می‌کند. با این حال، این حوزه با چالش‌های متعددی از جمله ضعف نظارت، ابهام در قوانین و تنش میان تولیدکنندگان و نهادهای ناظر روبه‌روست. در این مصاحبه، مصطفی وثوق‌کیا، فعال رسانه‌ای و فرهنگی، به بررسی وضعیت کنونی شبکه نمایش خانگی، نقش نهادهای ناظر، چالش‌های تولید محتوا و راهکارهای برون‌رفت از بحران‌های این حوزه می‌پردازد.

شما وضعیت امروز شبکه نمایش خانگی را چطور توصیف می‌کنید؟ از نظر شما واژه «ولنگاری فرهنگی» برازنده این فضا هست یا نه؟

نمی‌توان به‌سادگی درباره وضعیت شبکه نمایش خانگی حکم کلی صادر کرد. برای تحلیل این موضوع باید مقدمه‌ای در نظر گرفت. واقعیت این است که امروز شبکه نمایش خانگی در ایران به مرحله‌ای غیر قابل بازگشت رسیده است. امروز دیگر شبکه نمایش خانگی فضای مشخصی پیرامون آن شکل گرفته که هم مخاطب دارد، هم تولیدکننده و هم کسب‌وکارهای متعددی به آن وابسته شده‌اند. بنابراین، هرگونه تلاش برای توقف یا حذف این حوزه، به ایجاد بحران در سایر بخش‌ها منجر خواهد شد.

وضعیتی که اکنون می‌بینیم، نتیجه نادیده گرفتن حاکمیت قانون طی سال‌های گذشته در حوزه شبکه نمایش خانگی است. همین بی‌توجهی به قانون موجب شده تا برخی تولیدات، شائبه «ولنگاری فرهنگی» را به ذهن متبادر کنند. البته این صفت را نمی‌توان به همه آثار نسبت داد، اما درباره برخی تولیدات، این برچسب بی‌راه نیست؛ همان‌ها که بیشتر در کانون توجه قرار می‌گیرند.

نهادهای ناظر مانند ساترا چرا در قبال برخی محتوای ناهنجار منفعل‌اند؟

ساترا بدون داشتن جایگاه قانونی مصوب، سعی کرد با ابزارهای بازدارنده و رویکردهای سلبی، خودش را به‌عنوان ناظر اصلی این حوزه تثبیت کند؛ اما همینجا کار از دستش خارج شد. ساترا از نظر قانونی، نه ابزار الزام دارد و نه اختیارات کافی برای اعمال دستور. این سازمان قانونی مصوب مجلس ندارد، و برای وادار کردن یک تولیدکننده به تبعیت از دستوراتش، ناچار است از طریق مکاتبه با دادگاه‌های صالح و قوه قضائیه عمل کند. در بسیاری از موارد هم به دلیل نبود قانون روشن، قوه قضائیه امکان صدور حکم ندارد.

البته در موارد معدودی مانند سرریال‌های «تاسیان»، «سوشون» و چند مورد دیگر، اقدامات قانونی با پشتوانه ساترا انجام شده، اما تا زمانی که این سازمان نتواند با تکیه بر قانون مصوب، خودش مستقیماً در تولید و انتشار محتوا دخالت و اعمال کنترل کند، این وضعیت ادامه خواهد داشت.

آیا گسترش سانسورزدایی در نمایش خانگی، نوعی واکنش به محدودیت‌های تلویزیون رسمی بوده؟ یا فراتر از آن، جریانی هدفمند در کار است؟

واقعیت این است که من اساساً با تعبیر «گسترش سانسورزدایی» در شبکه نمایش خانگی موافق نیستم. این موضوع چیز تازه‌ای نیست. از گذشته تاکنون، فیلم‌هایی که در سینما یا در قالب نمایش خانگی پخش می‌شدند، هم

از نظر پوشش بازیگران– خصوصاً زنان– و هم از نظر برخی مضامین، همواره آزادتر از آثار تلویزیونی‌بوده‌اند.

بنابراین نمی‌توان دوگانه‌ای ساخت مبنی بر اینکه شبکه نمایش خانگی با هدف تقابل با صداوسیما، فضای خود را بازتر کرده است. در واقع، این‌گونه نبوده که یک جریان هدفمند پنهانی بخواهد با سیاست‌های رسمی مقابله کند. تصمیم‌گیری درباره باز بودن یا نبودن فضا، از سوی بخش‌هایی از حاکمیت صورت گرفته و اگر قرار به پرسش باشد، باید آن نهادها پاسخ‌گو باشند.

از سوی دیگر، طبیعی است که اهالی سینما و تلویزیون از کاهش محدودیت‌ها استقبال کنند؛ چرا که چنین فضایی امکان خلاقیت و تنوع بیشتری برای آنها فراهم می‌کند.

نقش سلبریتی‌ها و فضای اینستاگرامی در تأثیرگذاری بر محتوای سریال‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

به‌نظر من نقش سلبریتی‌ها و فعالان اینستاگرامی بیشتر در مرحله نهایی فرآیند تولید و پخش سریال‌ها پررنگ می‌شود؛ جایی که کار تولید به پایان رسیده و حالا وارد فاز تبلیغات و بازاریابی شده‌ایم.

بنابراین اگر بخواهیم تمرکز اصلی را بر سلبریتی‌ها و فضای اینستاگرامی بگذاریم، عملاً توجه را از اصل ماجرا که محتوا و سیاست‌گذاری تولید است، منحرف کرده‌ایم. این کار نوعی رفتن به بیراهه است؛ چرا که مسئله اصلی در جای دیگری است.

آیا تولیدکنندگان شبکه نمایش خانگی عمداً به سمت مصرف‌گرایی و تحریک احساسات رفته‌اند؟ آیا هدف اصلی‌شان فقط کسب سود است؟

واقعیت این است که شبکه نمایش خانگی، در ماهیت خود، یک فعالیت اقتصادی است. پلتفرم‌هایی که در این حوزه فعال‌اند، محتوا تولید می‌کنند، هزینه می‌پردازند و در نهایت به‌دنبال سودآوری هستند. این ساختار، مانند بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی دیگر، در عین حال که بر بستر فرهنگ حرکت می‌کند، با هدف اقتصادی و جذب مخاطب طراحی شده است.

نقد اصلی شاید در این باشد که چرا بیشتر موضوعاتی که در شبکه نمایش خانگی تولید می‌شود، در یک فضای تکراری، غم‌زده، ناامیدکننده و حتی مأیوس‌کننده می‌گذرد. نوعی فضای منفی که ممکن است به روح و روان مخاطب هم آسیب بزند. این یکناختی محتوایی، جای تأمل دارد.

به نظر شما چه نهادی یا ساختاری باید پاسخگوی وضعیت فعلی در شبکه نمایش خانگی باشد؟ مسئولیت این شرایط بر عهده چه کسانی است؟

پاسخ این پرسش، به کل ساختار حاکمیت فرهنگی کشور بازمی‌گردد. تمام این مجموعه باید پاسخگوی وضعیت امروز شبکه نمایش خانگی باشد. این مسئله محدود به یک نهاد یا سازمان خاص نیست.

در مقطعی، نظارت بر شبکه نمایش خانگی بر عهده وزارت ارشاد بود. اما از زمانی که شرکت‌های تولیدکننده و پلتفرم‌های پخش وارد میدان شدند، وزارت ارشاد عملاً از میدان خارج شد. این خروج هم نه به‌صورت تدریجی، بلکه با حذف مرکز رسانه‌های تصویری و بدون ایجاد جایگزین مناسب انجام شد. به‌عبارت دیگر، وزارت ارشاد در این حوزه دچار ترک فعل شد.

در ادامه و در خلأ نهاد ناظر، صداوسیما وارد عمل شد اما ورود صداوسیما نیز در قالب ساترا، به‌جای سامان‌دهی، بیشتر به سردرگمی انجامید. چرا؟ چون روند تنظیم‌گری یا رگول‌توری که صداوسیما در پیش گرفت، به نتیجه نرسید و ما اکنون نتیجه‌اش را در همین وضعیت آشفته شبکه نمایش خانگی می‌بینیم.

در چنین شرایطی، همه مقصرند؛ از تولیدکننده‌ای که خود را پاسخ‌گو نمی‌داند، تا سیاست‌گذار و ناظری که در تنظیم و هدایت این مسیر، یا غایب بوده یا ناکارآمد عمل کرده است.

پیشنهاد شما برای اصلاح روند فعلی و تقویت تولیدات سالم و فرهنگی در شبکه نمایش خانگی چیست؟

برای خروج شبکه نمایش خانگی از وضعیت پرتنش و نامطلوب فعلی، باید از کشمکش‌های بی‌پایان میان تولیدکننده و مصرف‌کننده، تولیدکننده و نهادهای تنظیم‌گر و نهادهای قانونی فاصله گرفت. وقتی اثری تولید می‌شود و میلیاردها تومان هزینه روی آن صرف شده، توقیف ناگهانی آن نه تنها به تولیدکننده ضرر می‌رساند، بلکه مخاطبی که هزینه اشتراک پرداخته و انتظار یک سریال باکیفیت داشته نیز متضرر می‌شود. این خسارت‌ها قابل جبران نیست

راه برون‌رفت از این وضعیت، کنار گذاشتن دوگانگی‌های موجود است. برخی از پلتفرم‌ها از حمایت‌های خاصی درون حاکمیت بهره‌مندند که این حمایت‌ها باعث تضعیف و بی‌ثباتی جایگاه نهادهای تنظیم‌گر می‌شود. این نهادها، به‌جای تقویت و اعتبار بخشی، به‌دلیل رفتارهای ناپرخدانه خود، اعتبارشان را از دست داده‌اند و در تلاش‌اند با فضاسازی و استفاده از ابزار قوه قضائیه، جایگاه خود را تثبیت کنند؛ اما اغلب در این تلاش‌ها ناکام مانده‌اند.

صدای منتقدان شنیده نمی‌شود!

شبکه نمایش خانگی طی چند سال گذشته به یکی از اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین بسترهای تولید محتوا در ایران تبدیل شده است. این فضا که در ابتدا با هدف گسترش آزادی‌های هنری و ایجاد تنوع در روایت‌های تصویری شکل گرفت، امروز با چالش‌های جدی روبه‌روست؛ چالش‌هایی که عمدتاً حول محور کاهش کیفیت آثار و ظهور پدیده‌ای به نام ولنگاری فرهنگی شکل گرفته‌اند. به نظر منتقدان سینما، رشد سریع و بدون ضابطه شبکه نمایش خانگی باعث شده بسیاری از آثار تولیدشده به جای ارتقای سطح هنری و فرهنگی، به سمت پرداختن به موضوعات جنجالی، سطحی و گاه آسیب‌زننده حرکت کنند. در این گزارش، نظرات چند منتقد برجسته سینمای ایران را درباره وضعیت کنونی شبکه نمایش خانگی و آثار آن مرور می‌کنیم.

محمد حمیدی مقدم: بحران کیفیت و سقوط ارزش‌های هنری

«محمد حمیدی مقدم»، منتقد و پژوهشگر شناخته‌شده سینما، معتقد است که شبکه نمایش خانگی به دلیل نبود نظارت کافی و فشارهای بازار، در وضعیت بحرانی کیفیت قرار گرفته است. او می‌گوید: «مشکل اصلی شبکه نمایش خانگی این است که بیشتر آثار تولیدی به جای توجه به ساختار داستانی دقیق، شخصیت‌پردازی عمیق و پیام‌های فرهنگی مثبت، به دنبال جذب مخاطب از طریق موضوعات جنجالی و تحریک‌کننده هستند. این رویه باعث شده است که آثار تولید شده نه تنها از نظر هنری افت کیفیت داشته باشند، بلکه ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی نیز در آن‌ها به حاشیه رانده شود. این مسئله می‌تواند به مرور زمان به ضربه‌ای جدی به سینمای ایران و فرهنگ جامعه تبدیل شود.» حمیدی مقدم همچنین به تأثیرات این روند روی سینما و تلویزیون کشور هشدار می‌دهد و تأکید می‌کند که ادامه این روند ممکن است «فضای فرهنگی کشور را آلوده و مردم را نسبت به محصولات فرهنگی بی‌اعتماد کند».

جعفر گودرزی: ولنگاری فرهنگی؛ آسیب عمیق به بنیان‌های اخلاقی

«جعفر گودرزی»، منتقد و تحلیلگر سینما، ضمن نقد جدی شبکه نمایش خانگی، بر مسئله ولنگاری فرهنگی تأکید می‌کند و می‌گوید: «نمایش بی‌حد و مرز خشونت، خیانت و روابط نامتعارف در بسیاری از سریال‌های شبکه نمایش خانگی باعث شده این موضوعات به‌صورت عادی و قابل قبول در جامعه پذیرفته شوند. چنین نمایش‌هایی نه تنها موجب ترویج ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شوند، بلکه بنیان‌های اخلاقی خانواده‌ها را به خطر می‌اندازند. این ولنگاری فرهنگی یک تهدید جدی است که اگر کنترل نشود، عواقب بسیار ناخوشایندی خواهد داشت.» گودرزی معتقد است که «نبود سیاست‌گذاری فرهنگی قوی و استانداردهای مشخص برای تولید محتوا، این فضا را به محلی تبدیل کرده که هرگونه موضوع، حتی آنهایی که آسیب‌زا و مخرب هستند، بدون محدودیت ارانه می‌شود.» او بر لزوم ورود فوری نهادهای فرهنگی و نظارتی تأکید دارد.

کتایون امیرابراهیمی: فرصت‌های مغفول و نیاز به حمایت

«کتایون امیرابراهیمی»، منتقد و فعال فرهنگی، ضمن نقد برخی آثار شبکه نمایش خانگی، به ظرفیت‌های بالقوه این فضا نیز اشاره می‌کند: «شبکه نمایش خانگی هنوز هم پتانسیل بالایی برای تولید آثار اصیل، فرهنگی و آموزنده دارد. مشکل اصلی نبود حمایت مناسب و چارچوب‌های مشخص است که باعث شده بسیاری از تولیدکنندگان به سمت محتوای سطحی و جنجالی سوق پیدا کنند. اگر بتوان با تدوین معیارهای روشن و حمایت از تولیدکنندگان متعهد، این فضا را به سمت کیفیت و پیام‌های مثبت هدایت کرد، قطعاً می‌توان تحولی جدی در عرصه تولید محتوا ایجاد کرد.» امیرابراهیمی بر این باور است که همکاری سازنده میان نهادهای فرهنگی، تولیدکنندگان و هنرمندان می‌تواند این شبکه را به بستری ارزشمند برای رشد فرهنگی تبدیل کند.

مسعود فراستی: هشدار درباره سقوط به سمت ابتذال

«مسعود فراستی»، منتقد برجسته و سرشناس سینمای ایران، بارها نسبت به روند شبکه نمایش خانگی هشدار داده است. او معتقد است: «شبکه نمایش خانگی به جای ارتقای سطح هنری و فرهنگی، به سمت ابتذال رفته است. این شبکه بدون سیاست‌گذاری و نظارت دقیق، فضای تولید محتوا را به سمتی سوق داده که آثار فاقد عمق هنری و پیام‌های ارزشمند فرهنگی به وفور تولید می‌شوند. ادامه این مسیر باعث کاهش اعتماد مخاطب و آسیب به کلیت سینمای کشور خواهد شد.» فراستی تأکید می‌کند که «بازنگری اساسی و ایجاد چارچوب‌های هنری و اخلاقی ضروری است تا شبکه نمایش خانگی بتواند جایگاه خود را به عنوان یک رسانه فرهنگی حفظ کند.»

محمد داوری: ضرورت ممیزی برای حفظ هنجارهای اجتماعی

«محمد داوری»، منتقد و پژوهشگر سینمایی، معتقد است که بدون نظارت و ممیزی دقیق، شبکه نمایش خانگی به محلی برای انتشار محتوای مخرب و ولنگاری فرهنگی تبدیل شده است. او می‌گوید: «آزادی هنری باید در چارچوب اصول اخلاقی و فرهنگی کشور باشد. نبود ممیزی منجر به تولید آثاری شده که به صورت مستقیم و غیرمستقیم ارزش‌های اجتماعی را زیر سؤال می‌برند و می‌توانند باعث بروز ناهنجاری‌های رفتاری در جامعه شوند. تنها با بازگشت به ممیزی هوشمند و دقیق می‌توان این روند را کنترل کرد.»

زهر اشفیعی: بازدارندگی ممیزی در مقابل ابتذال

«زهر اشفیعی»، منتقد و فعال فرهنگی، معتقد است که یکی از مهم‌ترین راه‌های مقابله با ولنگاری فرهنگی در شبکه نمایش خانگی، تقویت سازوکارهای ممیزی و تنظیم‌گری است. او می‌گوید: «وقتی ممیزی کنار گذاشته شود یا به شکل ضعیف اجرا شود، تولیدکنندگان آزاد می‌شوند تا هر محتوایی را به نمایش بگذارند، حتی اگر به فرهنگ و اخلاق جامعه آسیب بزند. ممیزی نه محدودیت بی‌جهت بلکه ابزاری ضروری برای حفظ سلامت فرهنگی است.» شبکه نمایش خانگی، با ظرفیت‌های بالای خود، می‌تواند نقش مهمی در گسترش فرهنگ تصویری و ارتقای هنر ایران ایفا کند. اما روند فعلی تولیدات در این شبکه که به سمت ولنگاری فرهنگی و کاهش کیفیت پیش رفته، تهدیدی جدی برای فرهنگ و اخلاق جامعه است. نظارت هوشمندانه، سیاست‌گذاری دقیق و تدوین چارچوب‌های فرهنگی و هنری، همراه با همکاری فعال میان نهادهای نظارتی، تولیدکنندگان و هنرمندان، تنها راه بازگرداندن تعادل و ارتقای کیفیت در این حوزه است. در غیر این صورت، شبکه نمایش خانگی ممکن است به فضای آسیب‌زننده‌ای بدل شود که نه تنها مخاطبان خود را از دست می‌دهد بلکه به سلامت فرهنگی جامعه نیز لطمه می‌زند.



تقویم انقلاب

نخبه تیپ ذوالفقار



سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

این روزها مصادف است با سالروز شهادت یکی از نخبگان کم‌نظیر دوران معاصر، او که «محسن نورانی» نام داشت در تاریخ ۱۳۶۲/۵/۱۹ توسط کمین گروہک‌های ضد انقلاب در منطقه عملیاتی حوالی اسلام‌آباد در غرب به شهادت رسید. عمر کوتاه او و زندگی پر ماجرایش بسیار آموزنده و عبرت‌انگیز است. او در سن ۱۸ سالگی به همراه شهیدان «ناہیدی» و «کابلی» تیپ ذوالفقار را پایه‌گذاری نمودند و در مقابله با دشمن متجاوز مقاومت‌ها می‌کنند. متأسفانه کار ویژه‌ای برای آنها صورت نگرفته است. این مختصر به قصد یاد و خاص و آن رزمنده عزیزی که حدود دو ماه پس از ازدواج به شهادت می‌رسد، یادی شده باشد ورود شد، به دلیل اینکه در فضای رسانه‌های عمومی و مراسم‌ها و سالگردها از این نخبه دفاع مقدس کمتر یاد شده است در حالی که الزاماً نباید گذشت نخبگان جوان دوران ۸ سال دفاع مقدس به فراموشی سپرده شوند و به همین منظور چند نکته درباره این شهید بزرگوار با کمی توضیح ذیلاً ارائه می‌گردد.

۱- او متولد ۱۳۴۲ بود و در کلاس، درس‌ها را به خوبی فرامی‌گرفت و در مبحث ریاضی-فیزیک از شاگردان سرآمد بود و پس از دوره راهنمایی علاوه بر اشتغال جهت کمک به معیشت خانواده تحصیلات خود را در رشته برق در هنرستان بزرگ تهران ادامه تحصیل داد.

۲- با اوج‌گیری انقلاب در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ خیلی به سرعت وارد فعالیت‌های تبلیغی انقلاب اسلامی شد و از نوشتن شعار بر دیوارها گرفته تا بخش اعلامیه‌ها و نوارهای کاست حاوی سخنان امام و شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات‌های شبانه‌سری پرشور داشت.

۳- شهید بزرگوار در سال ۱۳۵۹ که ۱۷

سال داشت با دلی پر امید کمر به خدمت

عاشقانه می‌بندد و در شهریور سال ۱۳۵۹

پس از پشت سر گذراندن آموزش نظامی

بسپج در پادگان امام حسین(ع) به همراه

شهید «علیرضا ناهیدی» برای انجام

مأموریت سه ماهه راهی «مریوان» می‌شود

و بنابر احساس وظیفه به مبارزه علیه

گروہک‌ها ادامه می‌دهد و به عضویت

سپاه در می‌آید.

۴- وی با ناهیدی و کابلی به همراه احمد

متوسلیمان از غرب به جنوب می‌آیند و با

تیپ تازه تأسیس محمد رسول‌الله(ص)

همراه می‌شوند و در عملیات‌های

فتح‌المبین و بیت‌المقدس شرکت می‌کنند

و به غنایم به دست آمده تجهیزات بالایی

از دشمن متجاوز اقدام به پایه‌گذاری تیپ

ادواتی ذوالفقار می‌کنند. وی تا پیش از

شهادت ناهیدی به عنوان معاون تیپ و

پس از شهادت ناهیدی در زمستان ۱۳۶۱

به عنوان مسئول تیپ ذوالفقار معرفی شد.

۵- روایت جانیناز «حاج عباس برقی»

درباره این حادثه به طور دقیق در کتاب

«کوهستان آتش» نوشته گل‌علی بابایی

درج شده که در قسمتی از آن می‌گوید: «در

میدان اصلی شهر که داشتیم می‌پچیدیم

به سمت جاده قلاجه یک اکیپ از

بچه‌های رزمنده ریختند پشت وانت بعد

هم گاز ماشین را گرفتیم و سرازیر شدیم به

جاده اسلام‌آباد ایلام و... یک مرتبه صدای

انفجار مهیبی از پشت ماشین ما بلند شد.

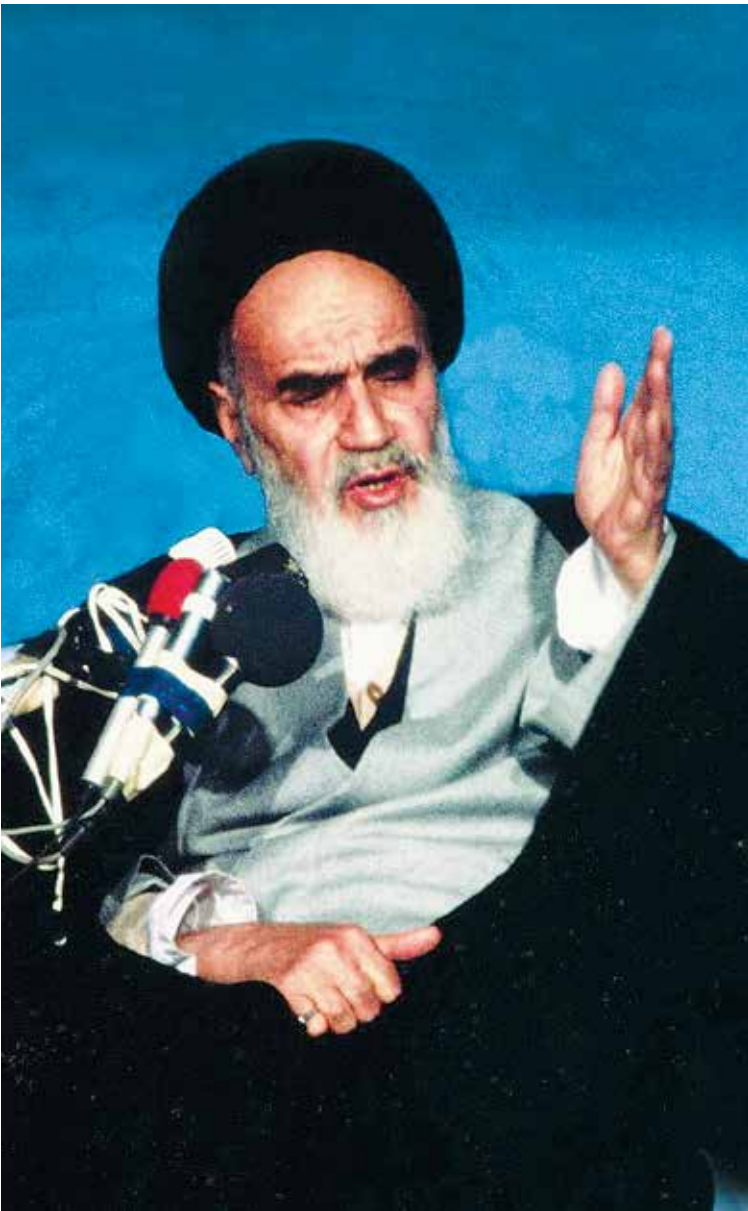
رگبار گلوله‌ها به طرف‌مان سرازیر شد. در

این واقعه سه تن از فرماندهان تیپ مکانیزه

ذوالفقار به همراه هفت رزمنده دیگر

شهید شدند که ماجرای آن بسیار غم‌انگیز

است.»



محمد گنجی

روز نامه نگار

امام(ره) بعد از آزادی و مراجعت به قم، از وظیفه الهی خود دست برنداشت و تقیه در مبارزه او وجود نداشت و با صراحت کامل نسبت به مسائل پر خورد منطقی می‌کرد و در روشنگری و افشای وضع دولت درنگ نداشت. مخصوصاً در برابر موضوع اسرائیل و ارتباط دولت سعی می‌نمود مردم را آگاه نمای. و در همه جادقیقاً به ادعاهای شاه پاسخ می‌گفت. با اینکه از لحاظ انتشارات و تبلیغات قوی نبود و فرستنده رادیو و وسایل کافی نداشت، ولی هیچگاه مایوس نبود. با نیروی جوان طلاب و تجهیز آنان نظریات خود را در سطح وسیعی منعکس می‌ساخت و اثر مطلوب می‌گرفت. در هر فرصت فریاد بر می‌آورد که «ما کهنه‌پرست نیستیم! این معرفی رژیم است

دهلیز

ارادتمند فراماسونری

نگاهی به عضویت دیکتاتور پهلوی در لژهای فراماسونری

بود. ایشان شخصاً به بنده فرمودند: «اردشیر خان! پدر ما به منافع بریتانیای کبیر خدمات ارزنده‌ای کرد و با ایجاد حکومت مقتدر پهلوی(!) جلوی حرکت اتحاد شوروی به طرف هندوستان و خلیج فارس را گرفت و کمونیست‌ها و انقلابیون را سرکوب کرد. خود ما هم از اولین روزهای سلطنت در جهت منافع حیاتی انگلستان و متحدان آن حرکت کرده‌ایم! اکنون آنها از استادی اعظم شریف امامی در برابر ما حمایت می‌کنند و این برای ما غیر قابل قبول است!»

بنده (زاهدی) عرض کردم: «حقیقت این است که خاندان امثال شریف امامی و سرشاپور ریپورتر و یا اسدالله خان علم در خدمتگزاری به تاج و تخت انگلستان و منافع بریتانیای کبیر سابقه

چند صد ساله دارند و نمایندگان رسمی ملکه انگلستان در ایران هستند و انگلستان که اکنون از نزدیکی زیاد ایران و ایالات متحده آمریکا ناراضی است با حمایت از شریف امامی در برابر اعلی حضرت جهت تصدی‌گری استادی اعظم خواسته است نارضایتی خود را نشان دهد....»



ما

کهنه‌پرست

نیستیم!

می‌شد و در این رابطه بسیاری از وعاظ بازداشت شدند.

اعلامیه عزای ملی به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد با امضای امام خمینی و جمعی از علمای طراز اول انتشار یافت در این اعلامیه گفته می‌شود: «... یک سال از مرگ فجیع عزیزان ملت سپری شد... واقعه ۱۵ خرداد تنگ بزرگی برای هیئت حاکمه بهار آورد... تاریخ، آن را ضبط کرد...

علمای اسلام وظیفه دارند از احکام مسلمنه اسلام دفاع‌کننده از استقلال ممالک اسلامی پشتیبانی نمایند... از ستمکاری‌ها و ظلم‌ها اظهار انزجار کنند... از اسرائیل و عمال اسرائیل و دشمنان قرآن مجید و اسلام و کشور براشت جویند... اینها جرم است؟ اینها ارتجاع سیاه است... تبلیغات دینی و بیان قانون‌شکنی‌ها ارتجاع سیاه شناخته شده... ما نمی‌دانیم اینها چه بستگی با اسرائیل و عمال اسرائیل دارند... ایران تحت‌الحمايه اسرائیل است؟ اینها ملت را خواب فرض کرده‌اند ما برای دفاع از اسلام... مهیا هستیم بر نامه ما بر نامه اسلام است. برادری با جمیع فرق اسلامی است... ما از واقعه ۱۵ خرداد خجالت می‌کشیم. ملت اسلام این مصیبت را فراموش نمی‌کند ما عزای ملی اعلام می‌کنیم.»

روشن است که اعلامیه با استقبال مردم همراه بود و در عاثورا اجتماعاتی به راهپیمایی پرداختند و در تهران منجر به برخورد با قوای انتظامی و دستگیری جمعی شد. از این تاریخ به بعد امام خمینی (ره) در صدد سازماندهی برآمد و اولین قدم را با تشکیل جلسات هفتگی شب‌های یک‌شنبه با علمای درجه اول قم برداشت و از علمای شهرستان‌ها و حوزه نجف چنین اقدامی را جدأ خواست تا با برنامه‌ای منظم جامعه را به تحرک وادارند و حتی در جهت

منظم جامعه را به تحرک وادارند و حتی در جهت

از بین بردن اختلافات قشرهای مذهبی که سازمان امنیت مخصوصاً به آن دامن می‌زند تلاش بسیاری را آغاز نمود.

امام به هنگامی که تغییر مراسم تحلیف در ارتش مطرح شد و بنابر این بود که به جای سوگند به قرآن سوگند به کتاب آسمانی گذاشته شود و غیر معتقدین به قرآن هم در سنگر ارتش قرار گیرند به یکباره برآشت و آن را به نام خیانت بزرگ شاه خواند و وقتی رژیم از این افشاگری بیمناک شد با سرعت در مقام جلوگیری برآمد و با اعزام نماینده‌ای نزد امام موضوع را تکذیب کرد و امام پیشنهاد نمود چنانچه عاری از حقیقت است، رسماً از رادیو تکذیب گردد و مقامات ارتش ضمن مصاحبه‌ای از طریق رادیو چنین کردند.

امام در شروع تدریس در جمادی الاول (۱۳۸۱ه‍.ق) با اینکه شهر قم در محاصره قوای انتظامی قرار گرفته بود، اعتراضاتش را بازگو کرد و فعالیت اسرائیل را در کشور تشریح ساخت و مطالبه دستگاه فرستنده‌ای برای روحانیت نمود تا نظریاتش را از آن طریق اظهار نماید و دامن زدن به اختلاف بین شیعه و سنی را که ناشی از نقش استعمار است از بین بردارد و در راه استقلال و آزادی کشورهای اسلامی فعالیت‌نمایند.

امام در ادامه مبارزه در مقابل قتلی که در کرمان وسیله معاون سازمان امنیت انجام گرفته بود و در صدد بودند قاتل را از مجازات دور سازند و یکی از روحانیون مجاهد مقابل زورگویی‌ها ایستاده بود با صدور اعلامیه‌ای مردم کرمان را به مقابله با مأموران هیئت حاکمه و حمایت از روحانیت مبارز تشویق و ترغیب نمودند.

حافظه

جنايات آلبوکرک

نگاهی به تأسیس یک امپراتوری پرتغالی در شرق



که آلبوکرک در هر مز مستقر بود، به علت

دشمنی دشمنانش در لیسبون، از سمت نیابت

سلطنت و فرماندهی کل نیروهای پرتغال در

شرقف خلع شد. وی راهی گوا شد؛ ولی

پیش از رسیدن به مقصد در ۱۶ دسامبر ۱۵۱۵

میلادی در کشتی درگذشت.

کرک هر چند بیش از یک تاراج‌گر بی‌پروا

نبود؛ ولی بی‌آنکه خود بداند در این دوران

پنج ساله (۱۵۱۰ تا ۱۵۱۵) نخستین پایه‌های

امپراتوری مستعمراتی غرب را در آسیا و

آفریقا پی‌ریزی کرد. بنای عظیمی که بعدها

کمپانی هند شرقی انگلیس نیز برپا کرد، بر

این شالوده استوار است.

در دهه‌های بعد، تهاجم پرتغالی‌ها

همچنان ادامه داشت. آنان دژهای خود را

که مورخان غربی گاه معصومانه آن را «دفاتر

تجاری پرتغال» می‌نامند، در بمبئی، دامال،

بندر دبو، سوکوترا، کانتون و بندر حقلی

مستقر کردند و سپس دامنه نفوذ خود را به

جزایر ملوک، جاوه، سیام، فرمز، ژاپن و

ماکانو گسترش دادند.

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر- ۵۱

دیدار در حصر

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه اسلامی

ارتباط شهید صدر و محصورین در منزل ایشان با بیرون از بیت کاملاً قطع شده بود. نه اخباری از مردم به آنها می‌رسید و نه مردم از اوضاع و احوال بیت شهید مطلع می‌شدند. رادیو و اخبار آن تنها مونس آنها بود. اولین ارتباط بعد از چهل روز، در آخرین روز ماه شعبان برقرار شد، به این ترتیب که آن شب در بالای پشت بام و زمانی که یکی از ملازمان شهید صدر به دور از دید دوربین‌های امنیتی اطراف منزل شهید صدر به جست‌وجوی هلال ماه مبارک رمضان می‌پرداخت چشم‌اش به حجت‌الاسلام‌سیدعبدالعزیز حکیم افتاد که وی نیز برای رویت هلال به پشت بام آمده بود. با توجه به فاصله‌نسبی میان خانه شهید صدر و منزل حکیم، زبان اشاره و تکان‌های دست‌قادر به برقراری ارتباط گویا نبود. اما از روزهای بعد با نوشتن جملاتسی با خط درشت روی یک تکه مقوا یا سینی‌های غذا کم‌کم ارتباط برقرار شد و با این شیوه، شهید صدر توانست تا حدودی از جریان امور در خارج از منزل، اطلاع پیدا کند و پیام‌های خود را به مجاهدین و مؤمنین برساند.

البته در دوران حصر، کسان دیگری اعم از مخالف و موافق تلاش می‌کردند باشهید صدر ملاقات کنند. تلاش مرحوم حجت‌الاسلام سیدمحمود دعائی، سفیر وقت جمهوری اسلامی در بغداد برای ملاقات با شهید صدر از جمله آنها بود که نیروهای امنیتی مانع شدند. جسارت آقای دعائنی در مکالمه‌ای که با مأمور امنیتی داشت که می‌گفت آقای صدر در خانه نیست اما آقای دعائی نمی‌پذیرفت و با جدیت می‌گفت، «خیر! من می‌دانم که ایشان در خانه هستند» جالب و حائز اهمیت بود. البته از عوامل حزب بعث هم افراد مختلفی می‌آمدند. به رغم اینکه اینها با نصب ابزارهای جاسوسی در درون خانه، سعی می‌کردند از آنچه که در خانه می‌گذرد، مطلع باشند.

در فاصله‌ای که شهید صدر در حصر بودند، صدام، حسن البکر را کنار گذاشت و زمام امور را به دست گرفت. صدام تهدیداتی را در نظر گرفت و با تماسی که ابوسععد، رئیس اداره امنیت نجف با شهیده بنت‌الهیدی داشت، از شهید صدر وقت گرفت و برای صحبت با ایشان آمد. لحنش ملایم بود و سخنانی از این قبیل می‌گفت که هر قدر پول لازم باشد برای شما می‌آوریم و آیا خدمتی می‌توانیم بکنیم؟ او سعی کرد خود را متفاوت با حاکم قبلی نشان دهد و چنین وانمود کرد که اوضاع با دوره حسن البکر فوق کرده است. شهید صدر در جواب او گفت، «بازداشت شدگان را آزاد کنید، چون هیچ گناهی ندارند.» بعد از گذشت یک ماه از ملاقات رئیس اداره امنیت نجف، رژیم صدام «شیخ عیسی شبیر خاقانی» از روحانی‌نمای‌های درباری و از دشمنان انقلاب اسلامی را با مأموریتی نزد شهید صدر فرستاد. این شیخ که نقش عمده‌ای در ایجاد فتنه و برانگیختن احساسات ناسیونالیستی در میان مردم عرب خوزستان داشت، در حالی دوبار به دیدن شهید صدر آمد که قبلاً ارتباطی با وی نداشت. شیخ عیسی در هر دوبار سعی کرد با دوگانه‌سازی‌هایی مثل فارس و عرب، به خیال خام خود، سید را رقیب امام خمینی (ره) جلوه دهد و سید را علیه امام تحریک کند.

تأملی بر نقش حیاتی اتحاد و انسجام ملی در آینده رویارویی با صهیونیست‌ها

سرمایه‌ای که باید تحکیم شود

♦ انسجام ملی در جنگ با صهیونیست‌ها

مهم‌ترین دلایل این امر که چرا با وجود پتانسیل‌های نارضایتی، حمله نظامی خارجی سبب تقویت اتحاد و انسجام ملی در ایران شد، عبارت‌اند از:

۱-توافق خدشه‌ناپذیر ایرانیان بر روی وطن و کشور: ایرانیان همواره اگرچه به دگرسازی با حکومت‌ها روی آورده‌اند، اما هیچ‌گاه ضدایرانی نبوده‌اند. به عبارتی، منازعه در ایران ماهیت سیاسی دارد و معطوف به اصل موجودیت کشور نیست. وطن و ایران از جمله اصول مورد اجماع ایرانیان است که هیچ‌گاه حاضر به خدشه به ساخت آن نیستند. به همین دلیل، با مشخص شدن اصل توطئه دشمن که برخلاف اغواگری‌های او تهاجمش تنها معطوف به جمهوری اسلامی نبود، بلکه حتی سودای تجزیه ایران را نیز در سر داشت، مردم ایران سریع در برابر آن متحد و منسجم شدند.

۲- احساس تهدید وجودی: مردم ایران با دقت تشخیص دادند که با مسلط شدن دشمن بر ایران، نه تنها ایرانی دیگر وجود نخواهد داشت، بلکه امنیت، ثبات، پیشرفت و در کل، آینده‌ای برای آنها متصور نخواهد بود. به تعبیر دقیق‌تر، مردم به‌فراست دریافتند که با رفتن جمهوری اسلامی، همه چیز آنها از دست خواهد رفت.

۳-فرهنگ سیاسی ایرانیان: با توجه به عینیت یافتن تهدید خارجی، آن هم در شرایطی که میز مذاکره میان ایران و آمریکا در جریان بود، عناصری مانند بیگانه‌هراسی، مقاومت و... که پیش از این تاحدودی در فاهمه عمومی ایرانیان کم‌رنگ شده بود، به یک‌باره معتبر تلقی شد و به صورت مقاومت در برابر خصم آمریکایی و صهیونیستی و حمایت از نظام و ایران که در موقعیت مظلوم واقع شده بود، متجلی شد.

۴- ذخایر معرفتی منبعث از ارزش‌های شیعی: ارزش‌های اسلامی- شیعی یکی از منابع مهم تعیین‌کننده کسم و کیف فرهنگ سیاسی ایرانیان است و این ارزش‌ها وقتی در کنسار ارزش‌های ملی ایرانیان قرار می‌گیرد، ضریب تأثیرگذاری و تعیین‌کنندگی آنها را به صورت تصاعدی افزایش می‌دهد. به همین دلیل است که متفکرانی چون «برژینسکی» از هم‌افزایی ملی‌گرایی ایرانیان با ارزش‌های اسلامی- شیعی هراس داشته و نسبت به آن هشدار داده‌اند. به تعبیر دقیق‌تر، در اثر حمله رژیم صهیونیستی، ارزش‌های اسلامی

مانند شهادت‌طلبی و عدالت‌طلبی در روح جمعی ایرانیان بیش از پیش متجلی شد و ایثارگری ایرانیان را به اوج رساند، به‌گونه‌ای که بسیاری از ایرانیان در شرایط دشوار موجود اعتراف می‌کردند و مایل بودند که برای شکست دشمن، از تمام جان، آبرو و مال خود هزینه‌کنند.

۵- آگاهی سیاسی ملی: مردم ایران با تحلیل و روشن‌بینی سیاسی نتایج دخالت‌ها و جنایت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی را در عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و... می‌بینند و هیچ‌گاه مایل به تکرار فجایع صهیونیست‌ها در ایران نیستند. ۶- رهبری وحدت‌بخش: ایستادگی و صلابت رهبر معظم انقلاب در برابر دشمن از یک سو و قدرت فرماندهی ایشان و همچنین، درخشش نیروهای مسلح در هدف قرار دادن جبهه داخلی صهیونیست‌ها، پیامی مبنی بر قدرت و صلابت به مردم ارسال کرد و آنها را در همبستگی و انسجام‌شان راسخ‌تر کرد.

۷- نقش انسجام‌بخش تهاجم خارجی: تهاجم خارجی باعث انسجام داخلی می‌شود و تقریباً در هر کشوری که مورد تهاجم قرار گیرد، طبیعی است که این تهاجم باعث همبستگی و انسجام در داخل آن کشور می‌شود.

♦ سرمایه‌ای راهبردی

در باب اهمیت و دستاوردهای انسجام ملی حاصل‌شده در دفاع مقدس دوم ایرانی‌ها در برابر صهیونیست‌ها باید گفت که اساساً یکی از مهم‌ترین دلایل طمع دشمن برای حمله به ایران و امید بستن او برای حصول موفقیت در حمله به ایران، برداشتی بود که آنها از فضای داخلی ایران داشتند؛ بدین ترتیب که دشمن احساس می‌کرد که با توجه به پتانسیل‌های اعتراضی موجود در جامعه ایران و تشّت و تفرق حاکم بر جامعه و نخبگان ایران از یک‌سو و همچنین، با جنگ شناختی و تغییر محاسبات مردم ایران در قبال نظام و کشور، توانسته است فضای داخلی ایران را در آستانه انفجار قرار دهد و با حمله خود می‌تواند آتش خشم مردم ایران را شعله‌ور کرده و آنها را به اعتراض‌های خیابانی کشانده و آنگاه به طور کامل به اهداف راهبردی خود در قبال ایران دست یابد.

بی‌شک شکل‌گیری آشوب‌هایی در ایران همانند آنچه در سال ۱۴۰۱ اتفاق افتاد، مدیریت صحنه

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۷

تکمیل نکردن پازل دشمن



یکی از معیارهای مهم و البته پیچیده در تفکر انقلابی، توجه به این نکته است که حتی حق‌ترین مواضع و صادقانه‌ترین مطالبه‌ها اگر بدون شناخت صحنه و طراحی پشت‌پرده دشمن مطرح شوند، می‌توانند ناخواسته به ابزار تکمیل نقشه‌های او بدل شوند. دشمن در عرصه جنگ نرم، تنها به تهاجم مستقیم اکتفا نمی‌کند. او صحنه را طوری می‌چیند که مطالبه‌گری‌های داخلی، اعتراض‌های بحق یا حتی نقدهای دلسوزانه، در زمانی خاص و با شیوه‌ای خاص، بخشی از سناریوی او شود.

تجربه‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد. بارها دیده‌ایم که یک جنبش دانشجویی با شکل عدالت‌خواه، با نیت خیر و بسا هدف دفاع از اصول انقلاب، وارد یک موضوع شده‌اند، اما چون صحنه را کامل ندیده‌اند، به‌تدریج در مسیری افتاده‌اند که جو‌رچین دشمن را تکمیل کرده‌اند. بنابراین، یکی از ضوابط اساسی تفکر انقلابی، هوشیاری نسبت به صحنه‌گردانی دشمن و مراقبت از این است که حتی در بیان مطالبات برحق، وارد زمین بازی او نشویم. این به معنای تعطیلی نقد یا مطالبه نیست، بلکه به معنای عمق‌بخشی به تحلیل، دقت در انتخاب زمان و شیوه بیان، و تمایزگذاری میان نقد دلسوزانه و حرکتی است که دشمن از آن استقبال می‌کند.

مقام معظم رهبری در این‌باره هشدار می‌دهند: «در مطالبه‌گری‌ها که من به شما توصیه مطالبه‌گری

را برای نظام و فرماندهان نیروهای مسلح دشوار می‌کرد. با این حال، بلافاصله بعد از حمله رژیم صهیونیستی به ایران، نه تنها آن‌گونه که دشمن تصور می‌کرد، همگرایی و همراهی‌ای با دشمن در داخل ایران شکل نگرفت، بلکه برعکس، ایرانیان به‌صورت یکپارچه در برابر تهاجم دشمن متحد‌شده و حتی اپوزیسیون نظام نیز به حمایت از استقلال ایران و حاکمیت کشور روی آوردند و انسجام ملی کم‌نظیری پیرامون دفاع از وطن و حفظ دستاوردهای نظام در برابر دشمن شکل گرفت. از این نظر، قلب راهبرد تهاجمی چندلایه دشمن در همان ابتدای جنگ متلاشی شد.

بسا توجه به آنچه گفته شد، کیفیت و وضعیت انسجام ملی یک متغیر تعیین‌کننده حیاتی در جنگ بود؛ بدین ترتیب که احساس و احتساب غلط دشمن از ضعف انسجام ملی در برهه قبل از جنگ موجب تحریک دشمن شد و آنگاه که این ضعف ترمیم شد و تبدیل به همبستگی شد، در عقب راندن و عقیم گذاشتن تهاجم ترکیبی دشمن تأثیر جدی داشت. بنابراین، برای آینده رویارویی با رژیم صهیونیستی، همین متغیر عاملی حیاتی و تعیین‌کننده است؛ زیرا در صورت حفظ و تحکیم انسجام ملی، محاسبات دشمن در قبال ایران، تغییر می‌کند. ضمن اینکه اگر هم دشمن مجدّد مرتکب خطایی در حمله به ایران شود، باز در کنار اتکا به نصرت الهی، فرماندهی مقتدرانه رهبر معظم انقلاب و اقتدار و پایداری نیروهای مسلح شجاع‌مان، در سایه همین همبستگی و انسجام ملی، هر نوع حمله‌ای دفع و دفن خواهد شد.

♦ سخن پایانی

با توجه به آنچه گفته شد، همبستگی و انسجام ملی، اگر به اندازه تقویت توان دفاعی کشور، اهمیت نداشته باشد، اهمیتش از آن هم کمتر نیست و اساساً توان دفاعی زمانی می‌تواند تقویت شود و به صورت مؤثر در برابر دشمن عمل کند که از حمایت مردمی و همبستگی ملی هم برخوردار باشد. بر این اساس، در برهه کنونی تحکیم همبستگی و انسجام ملی وظیفه تک‌تک آحاد مردم و مسئولان بوده و از هر اقدام یا موضعی که این مهم را خدشه‌دار یا تضعیف کند نه تنها باید پرهیز شود، بلکه در صورت لزوم، دستگاه‌های انتظامی و امنیتی کشور باید با آن مقابله کنند.



مصطفی قربانی

دکترای علوم سیاسی

یکی از ابعاد جنگ ترکیبی و چندلایه رژیم صهیونیستی علیه ایران، امید بستن دشمن صهیونیستی به تبدیل کردن پتانسیل‌های نارضایتی، نهفته در جامعه ایران به آشوب و اغتشاش داخلی، هم‌زمان با تهاجم خارجی بود. با این حال، بر خلاف تصور و توطئه دشمن، با آغاز حمله صهیونیست‌ها، مردم ایران نه‌تنها با توطئه دشمن همراهی نکردند، بلکه با موقعیت‌شناسی و تحلیل دقیق خود، همبسته و منسجم شدند و حتی اپوزیسیون نظام نیز از کشور و حاکمیت آن در برابر دشمن منحوس صهیونیستی حمایت کردند. با توجه به نقش حیاتی همبستگی و انسجام ملی در خنثی‌سازی و عقیم گذاشتن تهاجم چندلایه صهیونیست‌ها علیه ایران، طبیعی است که همانند گذشته، دشمن بر هدف قرار دادن این همبستگی و انسجام متمرکز خواهد بود تا در لوای گسیختگی انسجام ملی ایرانیان، درصدد تحقق اهداف شوم خود در برابر ایران بر آید.

بنابراین، در کنار تقویت قابلیت‌های دفاعی، حفظ و ارتقای همبستگی و انسجام ملی در برهه کنونی ضرورتی حیاتی است. مبتنی بر این مهم است که رهبر معظم انقلاب در پیام خود به مناسبت چهارم شهدای اقتدار، ضمن یاد کردن از «شکوهِ پایداری معجزه‌آسای ملت ایران که در اتحاد و استحکام روحی و عزم راسخ آنان بر ایستادگی یکپارچه در میدان به ظهور رسید»، یکی از نقاط درخشان در جنگ تحمیلی اخیر را «اتحاد و انسجام فوق‌العاده ملت ایران» دانستند که حفظ آن وظیفه یکایک ما ایرانی‌هاست. اهمیت این راهبرد زمانی بیشتر درک می‌شود که بدانیم برخی از کنش‌گران سیاسی و رسانه‌ای در داخل کشور خواسته یا ناخواسته، بدون توجه به پیامدهای برخی مواضع و مطالبات خود، به جای تحکیم همبستگی و انسجام ملی، در عمل به از هم گسیختگی، تفرقه و اختلافات داخلی دامن می‌زنند.

از این رو، در نوشته پیش‌رو تلاش می‌شود با مروری بر دلایل شکل‌گیری اتحاد و انسجام ملی در برابر صهیونیست‌ها، اهمیت این سرمایه راهبردی در آینده رویارویی با رژیم صهیونی واکاوی شود.

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین-۱۴۲

حرکت ادامه دارد

امیر قلی‌زاده

کارشناس سیاسی

مراسم بزرگداشت اربعین شهدای اقتدار در حسینیه امام خمینی (ره)، به میزبانی رهبر معظم انقلاب اسلامی و با حضور خانواده‌های شهدا، در حالی برگزار شد که همگان منتظر شنیدن کلان‌شمیرین رهبری و پیام‌های ژرف و متفاوت آن بودند. برخلاف روال معمول این مجالس که محدود به قرائت قرآن، مداحی و سخنرانی دیگران می‌شود، این بار خود حضرت آقا در میانه مراسم سخنرانی کردند. چنین حضوری، پیش‌تر در بزرگداشت شهید سیدحسن نصرالله نیز سابقه داشت؛ آن‌گاه که خطبه‌های نماز جمعه به بستر انتقال پیام عزاداری حماسی و زنده‌کننده تبدیل شد.

رهبر انقلاب همواره تأکید کرده‌اند که عزای ما از جنس عزای سیدالشهداء(ع) است؛ عزایی که به‌جای نشستن و اندوه، به حماسه و حرکت می‌انجامد. این منطق، پس از آغاز جنگ اخیر نیز حاکم بود: در همان ساعات اولیه پس از شهادت سرداران و دانشمندان، گرچه شبکه‌ها نوار مشکی بستند، اما خیلی زود برداشته شد. پیام روشن بود: زمان عزای منفعل نیست؛ زمان ایستادن و پاسخ دادن است؛ دشمن باید پشیمان شود، «بیچاره» شود؛ تعبیری که از زبان خود رهبر انقلاب جاری شد. از این‌رو، بیانات ایشان در آن مراسم، حاوی پیامی راهبردی درباره ادامه مسیر ایستادگی و اقتدار بود. رهبر انقلاب در بیانات خود، به تفکیکی مهم اشاره کردند: تفکیک میان قدرت

آینده روشن

ماهواره ناهید ۲؛ جهشی بلند در مسیر استقلال فضایی ایران



می‌توان به آزمون عملی فناوری ارتباطی در باند KU اشاره کرد که برای نخستین بار در مدار توسط ایران به‌طور کامل اجرا می‌شود. همچنین، بررسی و ارزیابی سامانه‌های کنترل، مدیریتی، توان و ارتباط داخلی، از اهداف کلیدی این پروژه به‌شمار می‌رود.

پایداری عملکرد تجهیزات در مدار. همچنین سیستم کنترل وضعیت سه‌محوره، امکان هدایت دقیق، ارتباط دوطرفه در باندهای X، KU، و UHF، مدیریت داده و توزیع توان را فراهم می‌آورد. در بخش پردازش، استفاده از فناوری‌های مقاوم در برابر تابش‌های فضایی با بهره‌گیری

ثبت و انتقال داده‌های اولیه از ناهید ۲ نیز تکمیل نشان داده که همه سامانه‌های کلیدی آن عملکردی پایدار و دقیق دارند. بر اساس اعلام منابع رسمی، عمر عملیاتی این ماهواره به‌طور متوسط دو سال برآورد شده است، هر چند برخی گزارش‌ها از امکان فعالیت آن تا پنج سال نیز خبر می‌دهند.

فراتر از جنبه‌های فنی، این پرتاب واحد اهمیت سیاسی و راهبردی نیز هست. همکاری جمهوری اسلامی ایران با روسیه در زمینه فضایی، در چارچوب پیمان استراتژیکی که در ژانویه سال جاری میلادی به امضا رسید، تقویت شده و پرتاب ناهید ۲ از خاک روسیه یکی از مصادیق آن است. درج لوگوی سازمان فضایی ایران بر روی بدنه موشک سایوز نیز نماد مشارکت رسمی کشور در این مأموریت بین‌المللی محسوب می‌شود.

برای این سفر دارد: گذرنامه، بیمه، حمل و نقل، اسکان و تغذیه. دو مورد آخر در ایران و عراق به صورت رایگان توسط مواکب تأمین می‌شود. اما این طرح تلاش دارد سه هزینه دیگر را نیز پوشش دهد؛ با استفاده از یک ابتکار فناورانه به نام «زائر کارت».

زائر کارت یک کارت بانکی است که خدمات مختلف مرتبط با اربعمین را در خود جای داده است. این کارت با کیف پولی به نام «کیف پول اربعمین» به نشانی App.atabatcard.ir پیوند دارد. کاربر با شارژ این کیف پول، به صورت غیر مستقیم از مزایای ویژه بهره‌مند می‌شود. ۱۶ هزار فروشگاه در سراسر ایران، از جمله فروشگاههای زنجیره‌ای، در این طرح مشارکت دارند. هنگام شارژ کیف پول، سه درصد از مبلغ توسط فروشگاهها به صورت نذری کنار گذاشته می‌شود تا صرف هزینه‌های زائر شود.

همین اعتبار مازاد می‌تواند هزینه گذرنامه زیارتی را پوشش دهد. گذرنامه‌ای که ۷۵ هزار تومان هزینه دارد، با استفاده از اعتبار سه درصدی کیف پول، بدون پرداخت مستقیم از سوی زائر صادر می‌شود. زائر هنگام ثبت‌نام در سامانه «اپلیس من»، گزینه پرداخت با زائر کارت را انتخاب می‌کند و هزینه از محل اعتبار مازاد به‌طور خودکار پرداخت می‌شود.

مرحله بعدی طرح مربوط به حمل و نقل از مرز
مهران به نجف یا کر بلاست. خودرهای عراقی
به صورت پایلوت وارد پایانه برکت در ایران
می شوند و زائران بدون نیاز به پرداخت نقدی
دینار، کرایه مسیر را به صورت رایلی با کارت
بانکی پرداخت می کنند. دستگاه های پوز مستقر
در محل، پرداخت را انجام داده و بانک عامل،
معادل دیناری را با رانندگان تسویه می کند. در این
فرایند، پلیس نیز با ورود به خودرو، خروج زائر را

ثبت می‌کند؛ بدون آنکه زائر از خود رو پیاده شود
یا از گیت عبور کند.

این طرح نگاه‌ی روبه آینده دارد. در مراحل بعدی، ارز اربعین نیز به‌صورت الکترونیکی در اختیار زائران قرار خواهد گرفت. زائرانی که در طول سال، کیف پول خود را شارژ کرده یا از فروشگاه‌های طرف قرارداد خرید کرده‌اند، می‌توانند از اعتبار جمع‌شده برای پرداخت کرایه یا دریافت ارز نیز قابل استفاده است. برخی زائران هم‌اکنون زائر نیز قابل استفاده است. برخی زائران توانسته‌اند با همین روش، تمام هزینه کرایه نجف تا کربلا را بدون پرداخت مستقیم، تأمین کنند. هدف از این طرح توسعه خدمات به همه مرزهای خروجی کشور است تا هیچ زائری به‌دلیل مسائل مالی از زیارت جانماند. ترکیبی از فناوری، نذر و همیاری که راه رسیدن به کربلا را برای مشتاقان هموارتر کرده است.

مہدیہ چوپانی

دبیر گروه مجازستان

در میانه تحولات ژئوپلیتیکی و رقابت‌های فزاینده فضایی میان قدرت‌های جهانی، جمهوری اسلامی ایران با پرتاب موفق ماهواره «ناخدا۲» گامی دیگر در مسیر تثبیت جایگاه خود در عرصه فناوری‌های پیشرفته برداشت. این ماهواره مخابراتی که به‌طور کامل توسط متخصصان داخلی طراحی و ساخته شده، روز جمعه سوم مردادماه ۱۴۰۴ با استفاده از موشک سایوز-۲.۱۵ از پایگاه فضایی وستوچنی روسیه به فضا پرتاب شد. ناخدا۲ نتنها نام، پیشرفت فنی در حوزه فناوری فضایی ایران است، بلکه پیامی روشن از توانمندی‌های بومی در شرایط تحریمی به جامعه جهانی مخابره می‌کند.

این رویداد مهم در حالی رقم خورد که توجه ناظران بین‌المللی به همکاری‌های فضایی ایران و روسیه بیش از پیش جلب شده و ابعاد علمی، راهبردی و دیپلماتیک آن در کانون تحلیل‌ها قرار گرفته است. در این مأموریت، علاوه بر ناهید، مجموعاً ۱۹ ماهواره دیگر از کشورهای مختلف به مدار پایین زمین LEO اعزام شدند.

ماهواره ناهید با به هم بستن سازه‌های فضایی ایران و پژوهشگاه فضایی ایران، با مشارکت گسترده شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی طراحی و ساخته شده است. وزن این ماهواره حدود ۱۱۰ کیلوگرم است و برای فعالیت در مدار لئو با ارتفاع تقریبی ۵۰۰ کیلومتر طراحی شده است. این ماهوریت یکی از گام‌های کلیدی در جهت افزایش توان علمی و عملیاتی ایران در فضا به‌شمار می‌رود.

از جمله ویژگی‌های فنی برجسته این ماهواره می‌توان به سامانه پیش‌رانش شیمیایی بومی اشاره کرد که شامل موتورهای حرارتی، مخازن ترکیبی، شیرهای فشار بالا و سامانه‌های کنترلی دقیق

مہدیہ چوپانی

خبرنگار

دل که هوای کربلا می‌کند، دیگر منطق
داخل و خرج بی‌معنا می‌شود. حتی اگر کسی
کارگر ساده‌ای باشد و درآمد روزانه‌اش کفاف
همان روز را هم ندهد، باز هم دلش می‌خواهد
راهی شود. این شور و اشتیاق، اطمینانی در دل
زائر می‌نشانند اما برای بسیاری، هزینه‌های اولیه
مانند گذرنامه، بیمه و حمل و نقل، موانعی واقعی
هستند. در این میان، کمک‌های مردمی، نذرهای
و ابتکارهایی چون طرح «زائر کارت» آمده‌اند تا
این موانع را از پیش پا بردارند.

بر اساس طرح جدیدی که در قالب موکب
هوشمند اربعین اجرا شده، خدمات نوینی در
اختیار زائران قرار می‌گیرد تا بدون دغدغه مالی
راهی مسیر عشق شوند. هر زائر پنج هزینه اصلی

گزارش

پیوند نذر و فناوری

زائر کارت؛ تسهیل زیارت اربعین

اگر به راحتی حواستان از کار پرت می‌شود و برای متمرکز شدن به دلیل محکم نیاز دارید، افزونه Strict Workflow را حتماً به کروم اضافه کنید. این افزونه فهرست وبسایت‌هایی که باعث حواس‌پرتی شما می‌شود را دریافت و آنها را بلوک می‌کند. این نرم‌افزار با تکنیک پومودورو طراحی شده است تا از کار خسته نشوید و بعد از ۲۵ دقیقه بلاک کار را پلنرم‌های پر به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی، ۵ دقیقه زمان استراحت کوتاهی می‌دهد تا بتوانید به ذهن خود استراحت کوتاهی بدهد تا زمان بلوک ۲۵ دقیقه‌ای بازگردد.



نشوید و بعد از ۲۵ دقیقه بلاک کردن پلتفرم‌های پرت‌کننده حواس به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی، ۵ دقیقه زمان استراحت به شما می‌دهد تا بتوانید به ذهن خود استراحت کوتاهی بدهید تا دوباره به مدت زمان بلوک ۲۵ دقیقه‌ای بازگردید.

استرالیا نخستین کشور جهان است که شبکه‌های اجتماعی را برای نوجوانان ممنوع کرده است. این تصمیم پس از آن گرفته شد که ماه گذشته رگولاتور اینترنت استرالیا با استناد به یک نظر سنجی که نشان می‌داد ۳۷ درصد از افراد زیر سن قانونی اعلام کرده‌اند با محتوای مضر در این سایت مواجه شده‌اند. بر این اساس حساب‌هاچه کاربری یوتیوب برای افراد کمتر از نخست‌وزیر استرالیا در بیانیه تحت تأثیر منفی پلتفرم‌های آنلاین استرالیایی بداندند که ما پشتیبان آنها



۱۶ سال غیرقانونی خواهد بود.
تأکید کرد که کودکان استراليا
قرار دارند و می خواهم والدین
ستیم.»

خبر خوب

تصفیہ آب

ایلام، قطب فناوری های نوین



طرح تولید ممبران های تصفیه آب با سرمایه گذاری سازمان گسترش و مشارکت ۷۵ درصدی بخش خصوصی در استان ایلام در مراحل پایانی است، این طرح نشان دهنده همکاری موفق دولت و بخش خصوصی و الگویی مناسب برای مدیریت هوشمند بخران آب و توسعه اقتصاد دانش بنیان کشور است. اقصاد می تواند به قطب فناوری های نوین آب در کشور تبدیل و تصفیه آب ممبران با تولید بیش از ۱۰ میلیون یو.اس.دالر در سال و به بهره برداری تکمیلی است و اسامبل به بهره برداری

نکته گرام

محمد باقر قالیباف، رئیس قوه مقننه؛ «در برابر نازیسم قرن ۲۱ بایستید، این شعاری بود که با تصویر رایان عزیز شهید نوزاد ایرانی و کودکان غزه در اجلاس رؤسای مجالس جهان در ژنو سر دست گرفت. رژیم آبار تایید صهیونی باید پاسخگویی نسل کشی در غزه و جنایات جنگی خود در جهان باشد؛ نازیسم قرن ۲۱ باید به زباله‌دان تاریخ انداخته شود.»

غرب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی
وزارت امور خارجه: «در دیدار با سفیر ژاپن،
ضمن مرور آخرین وضعیت روابط دوجانبه
و رایزنی‌های پیش‌روی، در مورد آخرین
تحولات پیرامون موضوع هسته‌ای و رفع
تحریم‌ها گفتگو کردیم. گفتگوهای حقوق
بشری و رایزنی‌های دوجانبه خلع سلاحی
میان دو کشور به زودی برگزار خواهد شد.»

سید نظام موسوی، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی: «استاد صحت کردن به جای خود، عصا نگرفتن هم به جای خود، اما در حسینای که چندین پایه بلندگو هست، من عاشق این میکروفون به دست گرفتن آقا هستم. فدای آن دست مشت شده‌ات که در ۸۶ سالگی بدون سر سوزنی لرزش، نماد استواری و توان و اراده این کشور و ملت و نظام است.»

علی خضریان، نماینده مجلس: «در نشست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با رئیس جمهور ضمن طرح پیشنهاد بازشدن گلرگه رفع جهت انتقال کمک‌های بشردوستانه به مردم غزه به عنوان پیش شرط مذکوره با ترونیسکای اروپایی، برخی اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران در جهت بازطراحی قدرت منطقه‌ای و توسعه سیاست همسایگی مطرح شد.»

مالک شریعتی، نماینده مجلس: «لا اقل در دو دهه اخیر، مسئله در آب، «مدیریت بحران» نیست؛ «بحران مدیریت» است. اگر بخشی نگرسی و تعارض منافع کنار گذاشته و به راهکارهای فناوریانه و اصلاح اقتصاد آب توجه شود، هیچ بحرانی وجود ندارد و اتفاقاً فرصت‌های بسیار خلق خواهد شد. برنامه هفتم پیشرفت، تکالیف قانونی را مشخص کرده است.»

متفکر آزاد، نماینده مجلس؛ «در تعاملاتی که با دانشمندان شهید طهرانچی و عباسی داشتم، شاهد اطمینان خاطر آنها از تداوم پیشرفت علمی کشور بودم، چرا که توانسته بودند شاگردان بسیاری را برای دستیابی به قله های علمی جهان تربیت کنند. دنیا زین پس هنرنمای دانشمندان جوان ایرانی را خواهد دید.»

سید یو یا حسین یور، فعال رسانه: «محور اصلی
بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم اربعین
شهادی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، تأکید و
تبیین ضرورت توسعه و پیشرفت علمی
و همگرای و همراهی دین و علم بود.
حضرت آقا به وضوح معتقدند که برای
رسیدن به ایرانی قوی‌تر از پیش، باید حرکت
پرشتاب علمی در کشور، بیش از گذشته
تقویت شود.»

یوراستون، کارگردان آمریکایی؛ «آمریکا
در آستانه فاجعه‌ای مشابه جنگ عراق قرار
دارد. دو فیلم «W» تصمیم رهبان آمریکا
برای حمله به عراق را به تصویر کشیدم، در
آن فیلم دیک چنی ایران را «جایزه نهایی»
می‌نامد؛ موضوعی که امروز با ربه‌ری
تئانیاهو و دونالد ترامپ بار دیگر به واقعیت
نزدیک شده است. این تمایل به سلطه‌طلبی
نه به یک رئیس‌جمهور خاص، بلکه به ذات
آمریکا بازمی‌گردد، این که در خون آمریکا ریشه
سلطه‌جویی است که در خون آمریکا ریشه
دارد.»

واکنش هنرمندان جهانی به تحولات اخیر از فریمن تا بوم بوم تل‌آویو

نیروی که جهان را می‌لرزاند

مر ضیه گرماجانی

خبرنگار

یکی از پیروزی‌های ایران بعد از تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا به خاک کشورمان، توجه هنرمندان مطرح جهان و نظرات و دیدگاه‌ها خاص آنها درباره قدرت ایران است.

بعد از این جنگ، جامعه بین‌المللی هنر نیز سکوت خود را شکسته و واکنش‌های گسترده‌ای از خود نشان داده است. این واکنش‌ها، که عمدتاً در حمایت از صلح، محکومیت خشونت، و ابراز همبستگی با مردم ایران و فلسطین بوده، نشان‌دهنده تاثیرگذاری هنر فراتر از مرزهای جغرافیایی است. از اظهارات قاطع مورگان فریمن درباره قدرت ایران تا ترانه جنجالی «بوم بوم تل‌آویو» اثر لوکاس گیج، هنرمندان خارجی نقش مهمی در شکل‌دهی به روایت جهانی این وقایع ایفا کرده‌اند.

«مورگان فریمن»، بازیگر برجسته هالیوود، در اظهاراتی که توجه جهانی را به خود جلب کرده، ایران را به عنوان «بزرگترین نیرویی که جهان را می‌لرزاند» توصیف کرده است. او معتقد است که نه آمریکا، نه روسیه و نه حتی چین، بلکه ایران است که به دلیل «آنچه نمایندگی می‌کند»، ابرقدرت‌ها را به وحشت انداخته است. این بازیگر آمریکایی تصریح می‌کند: «اگر به شما بگویم نیرویی که اکنون بیش از همه جهان را نکان می‌دهد نه آمریکا، نه روسیه و نه حتی چین است، بلکه کشوری است که غرب برای دهه‌ها آن را دست کم گرفته بود؟ قدرتی نه با ارتش‌های پر زرق و برق یا سلطه اقتصادی، بلکه با صبر، استراتژی و ایدئولوژی شکست‌ناپذیر تعریف می‌شود. این فقط سیاست نیست؛ این یک پیشگویی

است.»

وی در ادامه با اشاره به نگرانی پنهان قدرت‌های بزرگ از نقش ایران می‌افزاید: «در پشت درهای بسته، ابرقدرت‌ها با ترس روزافزون تنها یک نام را زم‌زه می‌کنند: ایران. نه به خاطر آنچه انجام می‌دهد، بلکه به خاطر آنچه نمایندگی می‌کند. نیرویی ناپیدا در پس جنگ‌های نیابتی، فروپاشی امپراتوری‌ها و تغییرات بنیادین نظم جهانی.» فریمن با اشاره به صبر استراتژیک ایران، آن را نقطه تمایز این کشور از قدرت‌هایی دانست که «اسیر چرخه‌های انتخاباتی هستند» و بیان داشت: «برای پیروزی، [ایران] نیازی به بردن نبردها ندارد، کافیست دشمنانش را خسته کند.» این سخنان، تحلیل عمیق و متفاوتی از جایگاه ایران در عرصه بین‌الملل ارائه می‌دهد که از سوی یک چهره هنری

است.



سرشناس بیان شده است.

«جان کیوساک» بازیگر آمریکایی نژ از دیگر هنرمندان مطرح هالیوود است که در واکنش به اتفاقات اخیر بین‌المللی به‌ستایش از ایران پرداخت. او در صفحه ایکس خود نوشت: «تنها کسانی که از تمدن دفاع کردند، ایرانی‌ها هستند.»

«کیم جای» با نام هنری جیهان بازیگر و فعال شبکه‌های اجتماعی در کره جنوبی نیز از چهره‌های مشهور جهانی است که بعد از جنگ ۱۲ روزه در حمایت از قدرت ایران واکنش نشان داد. او با انتشار تصویری از رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای، عنوان hero به معنی «قهرمان» را درباره ایشان به کار برد.

یکی از برجسته‌ترین واکنش‌های هنری به تحولات اخیر، آهنگ «بوم بوم تل‌آویو» (Boom

برداشت

نقدی بر فیلم «زن و بچه» ساخته سعید روستایی

سقوط یک فرم در طمع فریاد!



افتاده است که ذهن مخاطب را بیش از آنکه درگیر کند، فرسوده می‌سازد.

مشکل اساسی «زن و بچه»، از فیلمنامه آغاز می‌شود. روایت فیلم مانند پازلی است که قطعاتش نه‌تنها به‌درستی کنار هم قرار نگرفته‌اند، بلکه گویی برخی تکه‌ها از پازل دیگری آمده‌اند. داستان بارها تغییر مسیر می‌دهد؛ ابتدا علیار محور است، سپس مهناز، بعد خانواده، سپس مدرسه، ناگهان دادگاه، بعد دوست‌پسر سابق، بعد خواهر مهناز و حتی بارداری او! این همه خطوط فرعی که هیچ‌کدام تا انتها دنبال نمی‌شوند، نتیجه‌ای جز سردرگمی ندارد. فیلم نمی‌داند قصه‌اش چیست؛ فقط می‌خواهد «چیزی» بگوید، اما نمی‌داند از کجا و چگونه.

روستایی که زمانی در فضاسازی واقع‌گرا و روایت‌های اجتماعی‌اش مهارت داشت، این بار اسیر بی‌نظمی و آشفتگی روایی شده است. داستان به‌جای آنکه در بستر یک درام منسجم پیش برود، مدام به شاخه‌هایی می‌پردازد که یا زائدند، یا

Boom Tel Aviv) از لوکاس گیج (Lucas Gage)، هنرمند آمریکایی، است. این آهنگ با لحنی تند و اعتراضی، به حملات متقابل و وضعیت منطقه می‌پردازد. بخشی از ترانه او که بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی داشته، خطاب‌به‌صهیونیست‌ها می‌گوید: «این چیزی است که به خاطر تمام اعمال شیطانی‌تان به دست می‌آورد؛ شما این را برای خودتان رقم زدید. وقت خونریزی شماس». این آهنگ به سرعت در فضای مجازی وایرال شد و صدها ملون مخاطب پیدا کرد و به نمادی از انتقاد شدید به سیاست‌های اسرائیل و حمایت از ایران تبدیل گشت.

لوکاس گیج در مصاحبه‌ای که با شبکه افق صداوسیما داشت قدرت ایران را یکی از انگیزه‌هایش برای ساخت این آهنگ دانست و گفت: صبح روز بعد از حمله موشکی ایران به تل‌آویسو، ایده این آهنگ به ذهنم رسید. آن روز از این اقدام استقبال کردم و عبارت «بوم بوم تل‌آویو» را بارها در ذهنم تکرار کردم. همان‌جا بود که پروژه آهنگ‌سازی را طراحی کردم. از قبل روی برنامه‌ای کار می‌کردم که موسیقی را با کمک هوش مصنوعی تولید می‌کرد؛ اشعار را خودم نوشتم و آنها را وارد نرم‌افزار کردم تا آهنگ خلق شود.

در پایان، حضور و اظهار نظر ایمن هنرمندان بین‌المللی نشان می‌دهد که مسئله ایران و تحولات اخیر آن، تنها یک موضوع سیاسی نیست، بلکه به یک دغدغه انسانی و فرهنگی جهانی تبدیل شده است. این هنرمندان با صدای خود، تلاش می‌کنند تا روایت‌های متفاوتی را به گوش جهان برسانند و به ایجاد آگاهی عمومی در مورد پیچیدگی‌ها و پیامدهای درگیری‌ها کمک کنند.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

است.

یادداشت

هوش مصنوعی

در جنگ رسانه‌ای

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



در دنیای امروز که اطلاعات با سرعت نور در اقصی نقاط جهان جابه‌جا می‌شود، جنگ رسانه‌ای نه تنها یک واقعیت انکار‌ناپذیر، بلکه به جبهه‌ای نوین برای اعمال قدرت و نفوذ تبدیل شده است. در این میان، ظهور و تکامل خیره‌کننده هوش مصنوعی (AI) قواعد بازی را دستخوش تحولات عمیقی کرده است، به طوری که درک و بهره‌برداری از آن برای حفظ و ارتقاء منافع ملی ایران، حیاتی به نظر می‌رسد.

هوش مصنوعی با توانایی‌های بی‌نظیر خود در تحلیل داده‌های کلان، پردازش زبان طبیعی، تولید محتوا، و تشخیص الگوها، ابزاری قدرتمند برای شکل‌دهی به افکار عمومی و پیشبرد اهداف استراتژیک در عرصه رسانه است. از یک سو، این فناوری می‌تواند به عنوان شمشیر دولبه‌ای علیه منافع ملی عمل کند، توسعه سریع فناوری‌های «دپ‌فیک» (Deepfake) که قادر به تولید ویدئو و صوت‌های بسیار واقعی اما جعلی هستند، چالشی جدی برای تشخیص حقیقت از دروغ ایجاد کرده است. سناریوهای تولید اخبار دروغین انبوه توسط ربات‌های هوشمند، یا هدایت هدفمند افکار عمومی از طریق الگوریتم‌های پیچیده شبکه‌های اجتماعی، می‌توانند به بی‌ثباتی داخلی، تضعیف اعتماد عمومی به نهادها و دامن زدن به اختلافات اجتماعی منجر شوند. این تهدیدات، لزوم تدوین راهبردهای دفاعی و آگاهی‌سازی عمومی در برابر محتوای فریبنده هوش مصنوعی محور را بیش از پیش پررنگ می‌سازد.

از سوی دیگر، اگر ایران بتواند در موازات رشد این فناوری، استراتژی‌های هوشمندانه‌ای را اتخاذ کند، هوش مصنوعی می‌تواند به ابزاری قدرتمند برای حفاظت و پیشبرد منافع ملی تبدیل شود. توانایی‌های هوش مصنوعی در تحلیل روندها و الگوهای جنگ رسانه‌ای دشمن، شناسایی عملیات‌های نفوذ سایبری و اطلاعاتی، و پیش‌بینی حملات رسانه‌ای آتی، ظرفیت بی‌نظیری را برای پدافند غیرعامل رسانه‌ای فراهم می‌آورد. ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند در پایش و تحلیل میلیون‌ها داده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خارجی، شناسایی روایت‌های منفی و پرونده‌های ایران‌هراسی، و ارائه واکنش‌های متناسب و به‌موقع کمک شایانی کنند.

همچنین، استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوای جذاب و تأثیرگذار، بهینه‌سازی توزیع اطلاعات، و شخصی‌سازی پیام‌ها برای مخاطبان هدف، می‌تواند به ایران در شکل‌دهی روایت‌های مؤثر و واقع‌بینانه از خود در سطح بین‌المللی یاری رساند. این امر، به خصوص در حوزه دیپلماسی عمومی و معرفی ظرفیت‌های فرهنگی، علمی و تمدنی ایران، حائز اهمیت فراوانی است.

برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌ها و کاهش تهدیدات، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه هوش مصنوعی در داخل کشور، تربیت متخصصان زبده، و ایجاد زیرساخت‌های لازم، از اهمیت حیاتی برخوردار است. هم‌زمان، تدوین قوانین و مقررات ناظر بر استفاده از هوش مصنوعی در فضای رسانه، افزایش سواد رسانه‌ای جامعه، و تشویق به تفکر انتقادی، گام‌های ضروری برای مهار جنبه‌های منفی این فناوری و استفاده بهینه از آن در راستای منافع ملی ایران در جبهه پیچیده جنگ رسانه‌ای خواهد بود. ورود فعالانه و هوشمندانه به این عرصه، نه یک انتخاب، که ضرورتی راهبردی است.

قبیله عشق

پزشکی که قلبش
برای نوزادها می‌تپید

«شهیده دکتر مرضیه عسکری»، شامگاه بیست‌وسوم خردادماه، با دختر سه ساله‌اش، زهرا، به منزل پدر و مادرش رفته بود؛ خانه‌ای که قرار بود مأمنی چندساعته برای دیدار و آرامش باشد اما سکوت و آرامش آن، در پی حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی در هم شکسته شد.

دکتر منصور عسکری، پدر مرضیه، دانشمند هسته‌ای بود، کسی که با فعالیت‌های علمی و آموزشی خود در حوزه فناوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، به پیشرفت کشور کمک شایانی کرد اما خشونت و بی‌رحمی صهیونیست‌ها، این فعالیت‌های صلح‌آمیز و پیشرفت‌ها را دوام نیاورد. دکتر منصور عسکری به همراه همسرش معصومه یوسفی، دخترش دکتر مرضیه عسکری و نوه سه‌ساله‌اش زهرا برزگر، در حمله رژیم صهیونیستی به منزلش به شهادت رسیدند؛ یعنی سه نسل از یک خانواده اهل علم و دانش، قربانی تجاوز آشکار رژیم صهیونیستی به منازل مسکونی شدند.

مرضیه عسکری، نه‌سیاستمدار بود، نه چهره‌ای نظامی؛ او فقط یک پزشک بود، یک زن، یک مادر، که دست‌هایش به نوزادها زندگی می‌بخشید و قربانی وحشی‌گری رژیم جنایتکاری شد که با زندگی و صلح و آرامش کودکان هم سر جنگ دارد.

آقای برزگر همسر شهید در باره شهیده مرضیه عسکری می‌گوید: «مرضیه انسانی پاک بود. پزشکی شریف بود که هر چه اعتقاد داشت، واقعی واقعی بود و نه نمایش. با شهیدا خیلی انس داشت. خاترم هست می‌گفت از نوجوانی، همیشه زندگی‌نامه‌های شهدا را می‌خوانده و با آنها مانوس بوده. کتابخانه خانه ما، پر از کتاب‌های زندگی‌نامه شهدا بود. غصه مریض‌هایش را خیلی می‌خورد. وقتی پیام تسلیت رئیس دانشگاه را خواندم، متوجه شدم ویژگی‌هایی که از همسرم می‌شناختم، به خوبی بین همکاران پزشک او نیز شناخته شده بوده است و همین موضوع نیز تسکینی برای ما بود.»

خواهرش-فاطمه هم با بغضی که در گلو دارد، می‌گوید: «خواهرم همه ابعاد وجودش را رشد داده بود و تک بُعدی نبود؛ نمازش اول وقت بود، به نیازمندان کمک می‌کرد، برای مریض‌هایش دلسوزی زیادی داشت و غصه می‌خورد. هربار که باهم صحبت می‌کردیم برای نوزادان مرضیه که تحت نظرش بودند غصه می‌خورد، گاهی گریه می‌کرد و در کنار تلاش‌هایش برای درمان آنها، برای شفا گرفتن‌شان نذر می‌کرد. حتی وقتی باردار بود، دست از کار نمی‌کشید، بارها شاهد بودیم که به بیمارستان می‌رود تا خودش بالای سر بیمارانش حاضر شود و از نوزادها مراقبت کند.»

می‌افزاید: «وقتی تخصصش را گرفت بهش می‌گفتم مرضیه همه عمرت رو گذاشتی پای درس و کتاب، دیگه یکم زندگی کن! اما می‌گفت دوست دارم بیشتر بخوانم و یاد بگیرم. تخصص نوزادان خیلی سخت بود اما مرضیه با عشق زیادی در این رشته تحصیل کرد. چون دوست داشت بتواند نوزادها را درمان کند.»

محمودی، پرستار بخش ویژه نوزادان، یکی دیگر از همکارانش است؛ او می‌گوید: «خانم دکتر عسکری بسیار مسئولیت پذیر بود. یکبار دیدم از صبح تا نزدیک ظهر، کار را لحظه‌ای رها نکرده بود و با لب‌های خشکیده بالای سر مریض‌ها بود، از او پرسیدم اصلاً صبحانه خورده‌ای؟ گفت نه، به زور دست او را گرفتم و بردم برایش یک لیوان چای ریختم. خانم دکتر همیشه مریض‌هایش را در اولویت اول قرار می‌داد.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین

اتحاد ملی
معجزه مردم بود

معاونت آموزش نیروی زمینی سپاه را عهده‌دار شد. وی افزود: «در سال‌هایی که نیروی زمینی سپاه آرایش جدیدی پیدا می‌کرد، یگان‌ها به ترتیب دیگری استحکام پیدا می‌کردند، سازمان می‌افتند و نیروها آموزش می‌دیدند، نقش سردار غیب پرور بسیار برجسته و ستودنی و به یاد ماندنی است. دوران بسیار موفقی در معاونت آموزش نیروی زمینی سپاه را عهده‌دار بود و پس از آن فرمانده لشکر فاتح و پیروز ۲۵ کربلای استان مازندران شد.»

♦ اعتلای بسیج

رئیس سازمان بسیج تصریح کرد: «در آن مسئولیت هم خاطرات بسیار شیرینی در استان مازندران بر جای گذاشت و بعد وارد استان فارس شد. فرمانده سپاه فجر به مدت یک دهه فرماندهی سپاه فجر را به عهده گرفت. خدمات بسیار فراوان، گسترده و عمیق و همه‌جانبه‌ای در دورانی که فرماندهی سپاه فجر استان فارس را به عهده داشت، در کارنامه او جایی دارد که اگر بخواهیم به تفصیل از آن سخن بگوییم ساعت‌ها زمان لازم دارد.»

وی ادامه داد: «پس از آن، به دنبال شهادت حاج حسین همدانی، سردار افتخارآفرین جبهه‌های مقاومت، جانشینی فرمانده کل سپاه را در قرارگاه

«سردار غلامرضا سلیمانی»، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، طی سخنانی در مراسم گرامیداشت سردار غیب‌پرور اظهار کرد: «محضر امت حزب‌الله و خانواده معظم و معزز شهدای عزیز، به ویژه عرض تسلیت و تریک به محضر امت حزب‌الله، مردم عزیز استان فارس و خانواده عزیز و معظم سردار شهید حاج غلامحسین غیب پرور که هفتمین روز شهادت آن سردار افتخارآفرین مصادف شد با چهلمین روز شهدای عزیز اقتدار، روزهایی که فضای کشور ما به عطر شهادت آغشته شد.»

♦ دوران درخشان سردار غیب‌پرور

سردار سلیمانی تصریح کرد: «جانشینی تیپ عملیاتی و رزمی حضرت احمد بن موسی(ع)، فرمانده تیپ ادوات لشکر همیشه پیروز ۱۹ فجر استان فارس و مسئولیت عقیدتی و سیاسی لشکر ۱۹ فجر فارس از جمله مسئولیت‌های برجسته شهید غیب پرور در دوران دفاع مقدس بود. پس از آن به ستاد نیروی زمینی سپاه آمد و مسئولیت خطیر

حضرت امام حسین(ع) سپاه عهده‌دار شد و مسئولیت خطیر او در سازمان بسیج مستضعفین در سال ۱۳۹۵ آغاز شد و تا سال ۱۳۹۸ ادامه پیدا کرد.»

سردار سلیمانی عنوان کرد: «طرح اعتلای بسیج و طرح‌های متنوع اعتلای بسیج در دوره فرماندهی سردار پر افتخار حاج غلامحسین غیب‌پرور در بسیج آغاز شد که در سال ۱۳۹۹ به تصویب فرمانده عزیز کل قوا هم رسید و همچنان ادامه دارد.»

وی افزود: «تلاش‌های گسترده او در اعتلای بسیج مستضعفین یک فصل جدید و یک کتاب قطور در کارنامه این شهید پر افتخار است؛ به دنبال آن، در شش سال اخیر، در دوره فرماندهی سردار شهید افتخارآفرین سپهبد شهید پاسدار حاج حسین سلامی، جانشینی ایشان را در قرارگاه امنیتی امام علی(ع) که در خدمت مردم عزیز ایران در پوشش دادن امنیت در همه ابعاد مجاهدت می‌کرد، به عهده گرفت.»

♦ ملت تحسین برانگیز

رئیس سازمان بسیج تصریح کرد: «اما فردای روز تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایتکار به کشور ما، شاهد وقوع چیزی شبیه معجزه در

فرمانده قرارگاه سایبری خاتم الانبیاء(ص)

مجاهدت رزمی پیروزی است



«سرلشکر مصطفی ایزدی»، فرمانده قرارگاه سایبری و تهدیدات نوین قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) در مراسم اربعین شهدای اقتدار در حسینیه امام خمینی(ره)، سپهبد شهید حاج علی شادامانی را نمادی از اخلاص و فداکاری دانست و اظهار کرد: «شهدا با مجاهدت‌های بی‌دریغ خود، مسیر انقلاب اسلامی را هموار کرده و پیروزی‌های بزرگ را رقم زدند.»

وی سپهبد شهید حاج علی شادامانی را از بندگان خاص خداوند برشمرد و گفت: «این حقیر بیش از ۴۰ سال در خدمت ایشان قرار داشتم و شاهد حرکت مجاهدانه و خستگی‌ناپذیری این سردار پر افتخار اسلام بودم.»

فرمانده قرارگاه سایبری و تهدیدات نوین اخلاص و رضایت الهی را رمز پیروزی رزمندگان در دفاع مقدس دانست.

ایزدی، مجاهدت‌های شهدایی چون شادمانی، همدانی و قاری را در کردستان و جبهه مقاومت، مایه پیروزی‌های بزرگ دانست و جنگ ۱۲ روزه اخیر را یکی از فرازهای مهم تاریخ انقلاب اسلامی خواند و گفت: «سردار عزیز شادمانی از لحاظ اخلاق، رفتار، تهذیب نفس و شیدایی برای انجام خدمت و حرکت برای اعتلای کلمه «لا اله الا الله و محمد رسول الله(ص)» سر از نامی شناخت.»

وی با مقایسه رویکرد جمهوری اسلامی در حفظ جان مردم و اقدامات رژیم صهیونیستی در غزه، گفت: «دشمن با این اقدامات به صورت بنیادین شکست خورد را به تصویر می‌کشد و بی‌مایه و بی‌ریشه بودن فرهنگ و عقیده خود را نشان می‌دهد.» فرمانده قرارگاه سایبری و تهدیدات نوین قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) با اشاره به اذعان مقامات و تحلیل‌گران نظامی جهان به عظمت عملیات «وعده صادق»، این پیروزی‌ها را نتیجه ایستادگی و حضور مردم و نیروهای مسلح در صحنه دانست.

نماینده ولی فقیه در سپاه

نابودی صهیون آرمانمان است



«حجت‌الاسلام عبدالله حاجی صادقی»، نماینده ولی فقیه در سپاه در آئین اربعین شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در محل دهکده مقاومت خرم‌آباد، با گرامی‌داشت یاد و خاطره شهید، اظهار کرد: «قبل از هر چیزی ابلاغ‌کننده سلام رهبر انقلاب به مردم لرستان و خانواده‌های شهدای استان هستم.»

وی با اشاره به حضور و نقش برجسته رزمندگان لرستانی در جنگ ۱۲ روزه، تصریح کرد: «تقدیم ۸۸ شهید گلگون‌کفن لرستان گواه این رشادت و دفاع از ایران و آرمان‌ها و ارزش‌های این سرزمین مقدس است.»

نماینده ولی فقیه در سپاه با بیان اینکه فراغ همه شهدای جنگ ۱۲ روزه سخت است، خطاب به خانواده‌های شهدای حاضر در این مراسم، گفت: «فکر می‌کنید فراغ شهدایی همچون باقری و سلامی برای ما سخت نیست، اما بدانید که فرزندان شما حمله ۴۰ ساله را دفع و آینده انقلاب را بیمه کرد، تا ایمان و ارده ملت ایران هست این انقلاب و نظام پابرجاست.» وی ادامه داد: «چرا که با حاکمیت این مهم جایی برای ظلم و فساد رژیم صهیونیستی و آمریکا باقی نخواهد ماند.» نماینده ولی فقیه در سپاه افزود: «از طرفی می‌خواستند دین، باور و اعتقادات ایران را تضعیف کنند که البته بار دیگر همچون دهه‌های گذشته شکست خوردند.» حاجی صادقی تصریح کرد: «تحلیل دشمنان این بود که فشارهای اقتصادی و تحریم طاقت مردم را بریده است و دنبال فرصتی برای براندازی نظام هستند، از طرفی سه دهه است با تلاش فرهنگی ذهن مردم ایران به ویژه جوانان را تصرف کرده و دست‌های انقلاب اسلامی را قطع کرده‌اند، همچنین سوریه را از ایران گرفته و حزب‌الله را متوقف کرده و زمام همسایه‌های ایران را به دست گرفته‌اند، لذا با طراحی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه قصد از بین بردن حاکمیت دینی را کردند.»

خبر

بزرگ‌ترین اردوی جهادی

اردوی جهادی دندانپزشکی، پیراپزشکی و مشاوره درمانی در شهر «بهارستان» برگزار شد. به همت قرارگاه بسیج سازندگی و محرومیت‌زدایی ناحیه بسیج امام حسین(ع) جنوب اصفهان و قرارگاه جهادی امام علی(ع) در شهر بهارستان اردوی جهادی دندانپزشکی، پیراپزشکی و مشاوره درمانی برپا شد. افرادی که در این اردوی جهادی خدمات بهداشتی و درمانی گرفتند از قبل شناسایی شده بودند. کنار خدمات دندانپزشکی، خدمات درمانی، بهداشتی و سونوگرافی هم ارائه شد. برپایه آمارها ۳ هزار خدمت بهداشتی و درمانی با ارزش بیش از یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان است ارزشی که مستقیم در سبد بهداشتی و درمانی کشور وارد شده است.

امداد و نجات

«سررنگ پاسدار سیدمهدی میرسالاری»، فرمانده ناحیه مقاومت بسیج مسجدسلیمان از برگزاری دوره‌های امداد و نجات ویژه بسیجیان خبر داد و افزود: «با هدف افزایش توان عملیاتی و آمادگی نیروهای بسیجی، دوره‌های آموزشی امداد و نجات در حوزه‌های مقاومت بسیج شهری برگزار شد.» وی اضافه کرد: «بسیج امروز تنها یک نیروی نظامی نیست، بلکه بازویی توانمند برای خدمت به مردم در هر شرایطی است. آموزش‌های تخصصی امداد و نجات، یکی از گام‌های مهم در مسیر تحقق همین هدف است؛ تا در هر لحظه‌ای که مردم نیاز به یاری دارند، بسیجیان آگاه، آماده و توانمند در کنارشان باشند.»

۷۵۰ گروه جهادی

«مسئول بسیج سازندگی سپاه فتح» کهگیلویه و بویراحمد گفت: «۷۵۰ گروه جهادی در بخش‌های مختلف در استان مشغول فعالیت هستند.» «سررنگ حسن رضایی» گفت: «۷۵۰ گروه جهادی در مناطق مختلف استان در بخش‌های محرومیت‌زدایی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، اجتماعی در حال فعالیت هستند.» مسئول بسیج سازندگی سپاه فتح استان فعالیت در طرح آبخیز تا جالیز و احداث جداول آب کشاورزی در منطقه لوداب و شهرستان کهگیلویه، ترمیم ۴۵ باب منزل محرومان در مناطق مختلف استان، ساخت و تکمیل ۵۰ چشمه سرویس بهداشتی، تعمیر، مرمت و رنگ آمیزی بیش از ۱۰۰ باب مدرسه را از مهم‌ترین اقدامات گروه‌های جهادی در حوزه عمرانی عنوان کرد.

روی خط

قحطی در غزه قصه نیست!

۰۹۱۳۰۰۰۲۲۱۵/ بحران گرسنگی در غزه، قصه‌ای نیست که با چند کامیون کمک اهدایی حل شود. حرف حساب این است: اگر روزی ۱۰۰۰ کامیون مواد غذایی و امدادی وارد غزه نشود، گره این مشکل باز نمی‌شود. نباید فریب نمایش‌های مقطعی را خورد؛ فشار بر نهادهای بین‌المللی باید ادامه پیدا کند تا مردم مظلوم غزه نفسی بکشند.

۰۹۱۹۰۰۰۳۳۴۲/ کم‌آبی در کشور دیگر یک هشدار ساده نیست، یک واقعیت تلخ است. اگر مردم فقط ۲۰ درصد در مصرف آب صرفه‌جویی نکنند، یکی دو ماه دیگر باید منتظر قطع مکرر آب باشیم. رسانه‌ها، به‌ویژه صداسویما، باید آستین بالا بزنند و با جدیت مردم را به صرفه‌جویی تشویق کنند. وقت تلف کردن نداریم!

۰۹۱۷۰۰۰۱۴۲۱/ مردم خوزستان، به‌ویژه در آبادان، در گرمای ۵۰ درجه‌ای برقشان درست وسط ظهر قطع می‌شود نه می‌شود توی خانه ماند، نه پارک رفتن چاره‌ست. مسئولان، فکری بکنید!

۰۹۱۲۰۰۰۹۹۱۴/ دشمنان ایران، که روزگاری از موشک‌های ایرانی در جنگ ۱۲ روزه زانو زوند، حالا با دو لشکرشان-جریان‌های غرب‌زده و نفوذی‌های منافق-کمر به تضعیف اراده و انسجام ملی ما بسته‌اند. اما ملت ایران نشان داده که زیر بار این شیطنت‌ها کمر خم نمی‌کند.

۰۹۲۱۰۰۰۳۴۴۵/ وقتی هانتر بایدن، پسر رئیس‌جمهور سابق آمریکا، نتانیاهورا («هیولا») خطاب می‌کند، معلوم است اوضاع چقدر به‌هم‌ریخته است. خودشان هم از جنایات‌شان خسته شده‌اند! این یعنی رژیم صهیونیستی بدجوری توی منگنه اقتصاد و دنیا دارد چهره واقعی‌اش را می‌بیند.

۰۹۳۶۰۰۰۱۲۲۱/ تخلف رانندگی را همه محکوم می‌کنند، اما چرا کسی جلوی بی‌حجابی و هنجارشکنی علنی در خیابان‌ها را نمی‌گیرد؟ این رفتارها، دهن‌کجی آشکار به ارزش‌ها و فرهنگ ماست. از مسئولان محترم خواهش می‌کنیم این موضوع را جدی بگیرند و رسیدگی کنند.

۰۹۳۳۰۰۰۲۵۵۵/ برای دومین بار در ۲۵۰ سال اخیر، ملت ایران به برکت انقلاب اسلامی و مکتب حسینی، در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه شجاعانه ایستاد. یک‌صدا فریاد زدند: «جان می‌دهیم، اما به اجنبی اجازه نمی‌دهیم برایمان تعیین تکلیف کند!»؛ درود بر این ملت ولایت‌مدار که قلب تاریخ را تسخیر کردند.

۰۹۱۲۰۰۰۳۰۲۱/ آمریکای جنایتکار و رژیم کودک‌کش صهیونیستی با عملیات‌های کور تروریستی در غرب و شرق کشور، می‌خواهند کام ملت ایران را بعد از پیروزی‌های بزرگ مثل جنگ ۱۲ روزه و پرتاب ماهواره ناهید تلخ کنند. اما باید قبول کنند که جنگ را باخته‌اند؛ آن هم بدجور!

۰۹۳۷۰۰۰۲۲۱۵/ ضدانقلاب‌های خارج از کشور آنقدر درمانده شده‌اند که شهرام همایون، یکی از مهره‌های فکری‌شان، گفته: «خسته‌ام، گاهی برای گذشته‌ام گریه می‌کنم. حتی توانستیم هزار نفر برای حمایت مالی جمع کنیم!» و بعد با حسرت اضافه کرد: «اگر وقتم را برای نانوائی گذاشته بودم، حالا سرشاطر بودم!» این یعنی آخر خط برای دشمنان ایران. **۰۹۱۰۰۰۰۶۶۳۴/** ترکیه نه مرگ بر آمریکا گفته، نه اورانیم غنی می‌کند، نه تحریم شده. حتی پایگاه نظامی آمریکا (اینچرلیک) را توی خاکش میزبانی می‌کند و شریک تجاری صهیونیست‌هاست. اما حالا لیر ترکیه رکورد تاریخی سقوطش مقابل دلار را زده! این یعنی بعضی‌ها آدرس غلط به مردم ندهند؛ مشکل جای دیگری است!

فرمانده نیروی زمینی سپاه

شهدا باعث بیداری جهان شدند



فرمانده نیروی زمینی سپاه با بیان اینکه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دستاوردهای ارزشمندی داشت، گفت: «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در این جنگ، شجاعت و رشادت خود را به نمایش گذاشتند و قدرت آنها رعب و وحشت را در دل دشمن انداخت.»

سردار کرمی با اشاره به جنایات رژیم صهیونیستی در این جنگ، خاطرنشان کرد: «جبهه باطل با همه ابزار و امکاناتش به میدان آمد؛ اما شهدا ایستادند و همین ایستادگی و خون‌های پاک ریخته‌شده، موجب انسجام ملت ایران شد و دشمن را شکست داد.» آیین گرامیداشت شهدای اقتدار نیروی زمینی سپاه با حضور مقامات لشکری و کشوری و جمعی از خانواده‌های شهدا و جانبازان در مسجد امام حسن(ع) شهرک فجر برگزار شد.

«سردار محمد کرمی» فرمانده نیروی زمینی سپاه در مراسم گرامیداشت و تجلیل از خانواده شهدای اقتدار این نیرو در دفاع مقدس ۱۲ روزه طی سخنانی اظهار داشت: «ایستادگی شهدای عزیز اقتدار که از هیچ چیزی نترسیدند و با خدا معامله کردند باعث شکست دشمن شد.»

وی افزود: «خانواده‌هایی که فرزندانشان راه سرور و سالار شهیدان که راه دلدادگی به خدای متعال است را پیمودند و پای فرمان الهی ایستادند، باعث آبروی ملت ایران شد.» سردار کرمی ادامه داد: «وقتی که جبهه باطل با همه ابزار و امکاناتش به میدان آمد این شهدا در میدان بودند و با قدرت ایستادند و باعث بیداری در جهان شدند.»

وی اظهار داشت: «بهترین و شادترین لحظات یک رزمنده این است که به رضایت الهی برسد؛ زیرا خداوند نگرش و اعمال خالص شهدا را خریدار است.»

سخنگو و معاون روابطعمومی سپاه

آرایش کشور باید متناسب با جنگ ادراکی باشد



مختلف رسانه‌ای انجام می‌شود.»

وی افزود: «در این جنگ؛ ما نیاز به آرایش تهاجمی داریم. آرایش امروز ما متناسب با جنگ ادراکی نیست. دشمن در این جنگ نظامی اخیر شکست کامل خورد، لکن جنگ را در روایت‌سازی ادامه می‌دهد، امروز نگرش‌ها و عقاید هستند که اساس شکل‌دهی به زندگی اجتماعی بشر است.»

سخنگوی سپاه عنوان کرد: «امروز هرکس بهتر تصویر را بسازد و واقعیات را بهتر نشان دهد، موفق‌تر است. ساخت ذهن مهم‌ترین عنصر قدرت یک جامعه است. تخریب شخصیت ذهنی یک جامعه و هویت یک ملت، خطرناک‌ترین تهدیدی است که یک جامعه با آن روبه‌روست.»

سردار نانینی تصریح کرد: «ایک بخش عظیم جنگ ۱۲ روزه جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی و ادراکی بود. ما در جنگ اخیر؛ در عملیات رسانه‌ای

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

به دشمن اعتماد نداریم



«سردار شهید سپهبد باقری همواره اهتمام و عنایت ویژه‌ای به جمهوری تاجیکستان داشته است و در این مسیر قدم‌های مثبت برداشته شده است و بنده هم این مسیر را ادامه خواهم داد.» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ضمن گزارش از روند جنگ تحمیلی ۱۲ روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران، خاطرنشان کرد: «با این جنایت بی‌شرمانه دشمن به دنیا ثابت شد با وجود اینکه آمریکا و رژیم کودک‌کش صهیونیستی به هیچ اصل و هنجار بین‌المللی پایبند نبوده و لکن به اهداف خود نرسیده و ضربات سنگینی هم دریافت کردند و به همین دلیل درخواست آتش‌بس نموده تا رژیم صهیونیستی رانجات دهند.» سرلشکر موسوی در پایان گفت: «ما به هیچ‌وجه به قول و تعهد آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها اعتمادی نداریم و برای مقابله قاطع با شرارت احتمالی مجدد آنها کاملاً آمادگی داریم.»

«سرلشکر امامعلی صابرزاده» وزیر دفاع جمهوری تاجیکستان به صورت تلفنی با «امیر سرلشکر موسوی»، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت‌وگو کرد.

سرلشکر صابرزاده در این تماس؛ گفت: «شهادت سردار شهید سپهبد باقری و دیگر فرماندهان نیروهای مسلح و همچنین مردم بی‌گناه ایران برای دولت، مردم و نیروهای مسلح جمهوری تاجیکستان غم بزرگی به شمار می‌آید و مراتب همدردی ما را در غم از دست‌دادن این عزیزان پذیرا باشید.»

وزیر دفاع تاجیکستان در این گفت‌وگو با تأکید بر اشتراکات عمیق دو کشور، افزود: «دولت و مردم جمهوری تاجیکستان، مردم کشور ایران را دوست خود می‌دانند و آنها را به‌عنوان یک برادر واقعی قبول دارند.»

سرلشکر موسوی نیز در ادامه از حمایت‌های جمهوری تاجیکستان از ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه تشکر کرد و افزود:

«سردار علی محمد نانینی» سخنگو و معاون

روابطعمومی سپاه طی سخنانی در مراسم بزرگداشت «شهید پاسدار رمضانعلی چویداری» و شهدای اقتدار ایران اظهار کرد: «شهیدان اقتدار در جنگ پر شدت ترکیبی شجاعانه به میدان رفتند، از هیچ چیز نترسیدند، ترس و وحشت در جبهه بزرگ دشمن ایجاد کردند، تا جایی که دشمن دچار استیصال شد، شکست را پذیرفت، با واسطه‌ها درخواست توقف جنگ کرد.»

سردار نانینی خاطرنشان کرد: «آنهايي هم که شهيدان و مجاهدان في سبيل الله را تکريم می‌کنند، روایتگر جهاد و شهادت هستند، کنگره و یادواره برگزار می‌کنند، فداکاری‌ها و صدای مظلومیت مردم غزه را به جهانيان منتقل می‌کنند، گفتمان مقاومت را زنده نگه می‌دارند. اجرشان کمتر از شهیدان نیست.»

سخنگوی سپاه گفت: «شهید چویداری روایتگر جهاد و شهادت بود، امروز خودش را باید روایت کنیم، او یک راوی خوش‌نام بود، با مردم و از متن مردم بود، رسالت او آگاهی‌بخشی بود، دشمن نمی‌داند اگر یک سردار رشید جبهه فرهنگی ما به شهادت برسد، فرزندان و هم‌زمان او قدرتمندتر راه او را ادامه می‌دهند.»

سردار نانینی ادامه داد: «مواجهه اولیه پسر ۱۲ ساله نوجوان شهید چویداری و میزبانی او در منزل، آن‌قدر روحیه‌بخش و باصلابت بود که حسی چون زنده بودن پدر داشتیم، این هویت شکل گرفته در جامعه ایران را دشمن نمی‌تواند با دستگاه محاسباتی مادی‌اش بفهمد.»

وی بیان کرد: «شهید چویداری؛ چون روایت‌گر

خبر

رژیم در آستانه نابودی

«سردار حسین نجات» جانشین فرمانده قرارگاه ثارالله(ع) سپاه، با اشاره به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اظهار داشت: این جنگ با هدایت مستقیم آمریکایی‌ها و حمایت سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان، توسط سگ زنجیری‌شان، یعنی رژیم صهیونیستی، اجرا و در نهایت، خود آمریکا مستقیماً وارد شد. سردار نجات افزود: فناوری هسته‌ای ماصحلاً آمیز است، اما امروز یک قلدر به نام آمریکا می‌خواهد اراده‌اش را به جهان تحمیل کند. وی با تأکید بر اینکه ضربات کوبنده‌ای به صهیونیست‌ها وارد کردیم، گفت: اگر جنگ ادامه می‌یافت و آمریکا در لحظات آخر وارد جنگ نمی‌شد، رژیم صهیونیستی به کلی نابود می‌شد.

بیمارستان سیار

بیمارستان سیار ۶۴ تختخوابی نیروی زمینی سپاه در منطقه کورین زاهدان افتتاح شد. این بیمارستان تخصصی سیار که متعلق به بیمارستان حضرت فاطمه زهرا(سلام‌الله‌علیها) نیروی زمینی سپاه است، با هدف ارایه خدمات درمانی رایگان به مردم مناطق محروم، مرزی و کمتر برخوردار، به‌ویژه در منطقه کورین استان سیستان و بلوچستان، اعزام و آغاز به کار کرده است. «روح‌الله سلیمانی»، رئیس بیمارستان حضرت فاطمه زهر(سلام‌الله‌علیها) نیروی زمینی سپاه، در مراسم افتتاحیه این بیمارستان سیار، تأکید کرد که این اقدام در راستای اجرای طرح‌های محرومیت‌زدایی و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی توسط نیروی زمینی سپاه صورت گرفته است.

دیدار با خانواده شهدا

«حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی»، نماینده ولی ققیه در سپاه، به همراه سردار «سرتیپ دوم پاسدار کیامرث منصوری»، جانشین مسئول اداره ایثارگران سپاه، در شهر خرم‌آباد با ۸۸ خانواده شهید اقتدار جنگ تحمیلی ۱۲ روزه استان لرستان دیدار کردند. این دیدار که بیش از ۲ ساعت طول کشید، با هدف تجلیل از خانواده‌های شهدای سپاه، ارتش، فراجا و شهدای مردمی برگزار شد. نماینده ولی ققیه در سپاه در این دیدار، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدا، سلام مقام معظم رهبری را به خانواده‌های شهدا ابلاغ کرد و از صبر و ایثار آنان قدردانی نمود.



اربعین میعاد زینب(س) در زمین کربلاست
آن نوای کاروان پیچیده در گوش سماست
این پیام از آن زمان آوازه اش در عالم است
بانگ هل من ناصر است پژواک آن در گوش ماست
خاک گرم کربلا شد وعده گاه مؤمنان
جای جای این زمین، چون جای پای اولیاست
زینب آمد اربعین، در سرزمین کربلا
گفت راه رستگاری تا ابد اینجا به پاست
زینب آمد تا رساند او نوید نای دوست
گفته بود او تا همیشه نور از ظلمت جداست
اربعین یادآور آیین‌های روشن است
برق آن آیین‌ها هر لحظه در آغوش ماست
هر کسی از نور و رحمت روی گردان می شود
در حقیقت تا ابد سرگشته در دام بلاست
بهترین راه سعادت در مسیر حق بود
هر کسی آید در این ره جان سپارد اورواست
فرخ نظری

مگر ای باختر! یا شرق، پیمان جفا بستی؟
که عمری تا توانستی به خاور، افتر! بستی
بر اقلیم جهان وقتی خداوند است سلطانش
تو بر خود با کدامین وصله نام کدخدا بستی؟
زدی بر آب و آتش گر چه خود بودی سز اوارش
اگر مهد دلیران را به باد ناسزا بستی
چه باشد وصف رفتار و کلام و مشی و پیمانت؟
خطا رفتی خطا گفتی خطا کردی خطا بستی
ز کشتار سیاه و سرخ، رویت را بزک کردی
ز خون کودکان شرق بر مویت حنا بستی
تو ای جاسوس پرور! از چه زنجیر سیه‌روزی
به پای مردم دنیا ز تزویر سیا بستی
چرا گاه تو اینجا نیست بر گرد از همان راهی
که پیمودی، به یاد آور که گاوت را کجا بستی؟
به روی مردمی محصور در باریکه‌ای ویران
هم از دریا هم از خشکی چرا راه غذا بستی؟
بر این کودک‌کشی گیرم صدایت در نمی آید
چرا بر سازمان‌های جهان، راه صدا بستی؟
همین مولود نامشروع خواهد داد بر باد
که آن را چون سگ هاری به غرب آسیا بستی
افشین علا

تنها محدودیت‌هایی که برای تحقق فردای ما وجود دارد، شک و تردیدهای امروز ما خواهد بود. فردا را باید با یقین‌های امروزمان روشن کنیم. یادمان نرود دستاوردهای امروز غیر ممکن‌های دیروز بودند.

سفال‌های شکسته پشت‌بام می‌نشیدند. او دیگر توان بالا رفتن از پله‌ها یا دویدن دنبال پگاه را نداشت. زانویش در رطوبت رشت می‌سوزد، چراغ نفتی سال‌هاست کم‌نور مانده و جایی برای گرما نمانده. حتی حرف‌زدن از روزگار گذشته هم دیگر گرمش نمی‌کند.

فرنگ خانم، همسایه سال‌های جنگ و قحطی، چند روزی سست پیدایش نیست. نه خبری از سبزی ترش‌تره، نه از نخود لوییای تازه. انگار همه‌چیز در حال محو شدن است. مثل خطوط چهره خودش در آینه‌ای که دیگر خوب نمی‌بیند.

ثریا پزشک شده بود شب و روزش بهم گره خورده بود. دیگر وقتی برای اینکه خاطرات روزانه‌اش را برای مادر بازگو کند نداشت. شاید

خیال می‌کند مادرش دیگر چیزی نمی‌فهمد. اما دل پیرزن هنوز تیز است، فقط کسی را ندارد

با او قسمت کند. تنها کسی که برایش مانده، پگاه است. دخترکی خرد که با آن قدوقامت

کوچکش آمده جای تمام خالی‌ها را بگیرد. دست‌های کوچکش را درون کاسه نخود و لوبیا

فرو می‌کند، بعد با ذوق فریاد می‌زند: «جم شد، مامان بزرگ!» و او فقط می‌گوید: «امان بده جان

دختر جان، بگذار زیاد بشود بعد.»

دلش را داده به همین لحظه‌ها، همین شادی‌های کوچک، همین خاطره‌های زنده‌ای

در خانه پیرزن همیشه نیمه‌باز است. بوی خوراکی‌های خانگی، صدای توت‌تق عصا، و رد خاطراتی که در گوشه‌وکنار خانه جا خوش کرده‌اند. او سال‌هاست تنها مانده. نه آنکه خانه‌اش خالی باشد، نه، دخترش ثریا هنوز آنجاست، نوه‌اش پگاه هم. اما پیرزن با دلش تنهاست؛ با گوش‌هایش تلفن روی طاقچه، با صدای کنار بخاری خاموش، با صدای خش‌خش سیم‌های فرسوده‌ای که گاه‌به‌گاه صدایی از آن می‌گذرد. این روزها اما هیچ‌کدام کافی نیست.

صبح، صدای زنگ تلفن، نفسش را بند می‌آورد. هر بار که صدای زنگ قطع می‌شود، دلش پایین می‌ریزد. فقط یک نفر است که این‌طور تماس می‌گیرد و باز قطع می‌کند، فقط ماکان، پسرش که حالا جایی در عسلویه است. آن‌قدر زنگ می‌زند تا بالاخره خط بگیرد، تا بتواند با صدایی لرزان و از دور داد بزند: «الووو! مامان جان، صدا می‌آد؟» و پیرزن، نشسته روی چهارپایه کنار تلفن، با چشمانی اشک‌آلود نجوا می‌کند: «جان مادر جان، می‌آید، صدا می‌آید.» خانه ساکت است، جز صدای وزش باد سرد از حیاط و قارقار گاه‌به‌گاه کلاغی که روی

امام حسن مجتبی(علیه‌السلام) فرمودند: «کار نیک آن است که قبل از انجامش هیچ‌گونه سستی و مسامحه‌ای انجام نگیرد و بعد از پایان کار هیچ منتی همراه نداشته باشد؛» بعد فرمود: «بخشدگی قبل از سؤال کردن نشانه بزرگواری است.»

بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۲، ب ۱۹، ح ۷



وقتی شنیدم قرار است حضرت آقا از من تجلیل کنند، باورم نمی‌شد. شور و شغف وصف‌ناپذیری تمام وجودم را فراگرفت. وقتی رهبر عزیزم مرا در آغوش گرفتند، آن لحظه برای همیشه در قلبم حک شد.

در این تجلیل تاریخی، رهبر معظم انقلاب، علاوه‌بر یک جلد قرآن کریم، یک قبضه سلاح کلاشینکف (که اکنون در سپاه به‌عنوان امانت نگهداری می‌شود) و پیشانی‌بندی به نشانه افتخار به این جوان آذربایجانی اهدا کردند.

اتفاقی که برای نخستین‌بار در کشور، در چنین سطحی برای یک مسئول بسیج دانش‌آموزی رقم خورد و به‌راستی نماد دوران شکوفایی بسیج در مدارس و مساجد بود.

حضور ما در مدارس و مساجد، اجرای طرح‌های فرهنگی و انسجام در میان دانش‌آموزان بسیجی موجب شد مورد تقدیر فرماندهی سپاه قرار بگیرم؛ اما این‌که رهبر معظم انقلاب نیز از فعالیت‌های ما مطلع بودند و تجلیل کردند، لطفی الهی بود.

این لحظات تنها برای من نبود؛ تجلیل از همه بسیجیان آذربایجان شرقی بود؛ نشانه‌ای از اعتماد رهبر معظم انقلاب به نسل جوان، به تفکر بسیجی و به مردم غیرتمند این خطه. مردم تبریز همواره پیشگام در حمایت از ولایت و نظام بوده‌اند و امروز هم ایستاده‌اند.

عزیز جوان‌پور، استاد دانشگاه تبریزی

آقا جان، ای نور پنهان در پس ابرهای انتظار! قلبمان بی‌تو تنگ است، جانمان در عطش دیدار تو می‌سوزد. بیا که سحر بی‌سلام تو بیدار نمی‌شود و صبح بی‌نگاه تو صادق نیست. آینه‌ها بی‌نور جمالت زنگار غربت بسته‌اند و شاخه‌ها بی‌قوت تو در خزان غم خمیده‌اند. کدام دست، اشک یتیمان را بی‌تو پاک می‌کند؟ کدام آغوش، دل‌های شکسته را جز تو التیام می‌دهد؟

ای محبت بی‌کران! با قامت بلندت بیا و این شب تیره را به صبح امید بدل کن. طراوت سبزینه‌ها در نگاه توست و گرمی خورشید در کلام تو. سینه‌ات آسمان است و دلت منزل‌گاه عاشقان. بیا که کاروان دل‌های منتظر، در جاده ظهور تویی قرارند.

آقا! ما شکسته‌ترینیم، اما در انتظار تو ایستاده‌ایم. ظهور تو دعای ماست، اجابتش کن! بیا که بی‌تو جهان سرد است و بی‌معناست. ای امید تاریخ! بیا و این عطش سوزان را به دریای وصلت برسان. ما منتظریم، با دلی پرشور و چشمی پرامید، بیا، ای مولای مهربان!

همیشرا

در آراءواندیشه
حضرت آیت الله العظمی
خامنه‌ای مدظله العالی

ماورنب

We and the West

A Conference on the Views and Thoughts of Ayatollah Khamenei

ISC

برای کسب اطلاعات بیشتر و محورهای تفصیلی
همایش به تارنمای زیر مراجعه فرمایید
www.MavaGharb.ir

ارتباط با مادر شبکه های اجتماعی:
@mavagharb

نشانی دبیرخانه همایش:
خیابان فلسطین جنوبی، خیابان شهید
صالحی، پلاک ۳۱
کد پستی: ۱۳۱۶۷۸۴۱۷

تاریخ دریافت چکیده مقالات:
۳۰ تیر ماه ۱۴۰۴ (21 July 2025)

تاریخ دریافت اصل مقالات:
۳۱ مرداد ۱۴۰۴ (22 August 2025)

تاریخ برگزاری همایش:
۱۳ آبان ماه ۱۴۰۴ (4 November 2025)

مقالات برتر در فصلنامه های علمی پژوهشی
معتبر منتشر خواهد شد.